



شاهزاده رضا پهلوی به کارگران و آموزگاران:

زندگی شرافتمندانه، امنیت شغلی و جانی،
اعتراض به دزدی‌ها و چپاول رژیم، حق شماست!

ادامه در صفحه ۲



آکسیوس:

مقامات امنیتی آمریکا و اسرائیل در مورد چگونگی
اعمال فشار بیشتر بر رژیم ایران گفتگو کردند

ادامه در صفحه ۳

شاخص‌های اقتصادی ایران و جامعه در انتظار انفجار



تفسیر سیاسی هفته را در صفحه ۲ بخوانید

صف و گرانی و کمبود و انتظار

● امسال حداقل دستمزدها ۵۷ درصد افزایش یافته اما با گذشت تنها یک ماه و نیم از سال جدید، متوسط افزایش قیمت فقط در گروه اقلام خوراکی بیش از ۲۰۰ درصد بوده است.

محیطی که در آن زیست نتوان کرد



وقتی فضا و جامعه‌ای به شدت سیاست‌زده است معمولاً توجه به دو موضوع بنیادی نیز به سطح سیاست‌های جاری هر کشور کاهش پیدا می‌کند؛ یکی محیط زیست و دیگری اقتصاد!

در دموکراسی‌ها با توجه به اینکه دولت‌ها

ادامه در صفحه ۲

دادگاه حمید نوری برگی زرین در جنبش دادخواهی



ادامه در صفحه ۲



پرستویی در کالیفرنیا؛
شروعی برای
پایان «وسط‌بازی»
به اصطلاح
«سلبریتی‌ها»!

گسترده‌ی کاربران ایرانی در رسانه‌های اجتماعی به این موضوع، به نظر می‌رسد به نقطه‌ای برای شروع پایان وسط‌بازی برخی به اصطلاح سلبریتی‌ها بدل شده است.

ادامه در صفحه ۵

روسی‌ها دیگر نمی‌توانند درباره جنگ اوکراین با یکدیگر گفتگو کنند

ادامه در صفحه ۱۸

مرد روز
استویا یک جایگزین سالم
برای قند

ادامه در صفحه ۹

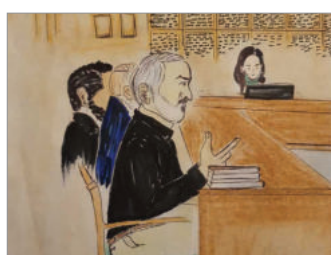
زن روز
شناخت عوامل پوست
پوست شدن دست‌ها

ادامه در صفحه ۸



فدراسیون بدنسازی و
پرورش اندام:
«پرورش اندام»
زنان ممنوع
است، «بدنسازی»
ممنوع نیست!

ادامه در صفحه ۱۰



نگاهی به
دادخواست پایانی
دادستان پرونده
حمید نوری

ادامه در صفحه ۱۵

مژده به هم‌میهمانی که خواستار کتاب **سقوط بهشت** بودند
می‌توانند چاپ دوم این کتاب را از **کیمان خریداری نمایند**
نسخه دیجیتال کتاب نیز به‌زودی
در دسترس خواهد بود

سقوط بهشت

خاندان پهلوی و روزهای
پایانی ایران پادشاهی
اندرو اسکات کوپر
ترجمه رضا تقی زاده



تجمع سراسری آموزگاران
همزمان با روز کارگر؛
شماری از آموزگاران
مجروح و بازداشت
شدند؛ معلم،
کارگر، دانشجو،
اتحاد اتحاد!

ادامه در صفحه ۱۱

گفتگوهایی در
ارتباط با دادگاه
تاریخی استکهلم و
محاکمه حمید نوری؛
دادخواهی، آرزویی که
به تحقق می‌پیوندد

ادامه در صفحه ۱۶

کودتای نوژه. از شکل‌گیری تا شکست آن (۲)

نوشته سرلشکر عبدالحسین مینوسپر

حالا نوبت چهره‌های معروف سوئدی است که توسط
کرملین «نازی» معرفی شوند

«ایران اتمی» با کدام الگو؟ کره شمالی؟! پرهزینه‌بودن تضمین!

ادامه در صفحه ۱۲

وبسایت کیمان لندن به زبان انگلیسی

KAYHANLIFE

SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

www.kayhanlife.com

شاخص‌های اقتصادی ایران و جامعه در انتظار انفجار

- امسال حداقل دستمزدها ۵۷ درصد افزایش یافته اما با گذشت تنها یک ماه و نیم از سال جدید، متوسط افزایش قیمت فقط در گروه اقلام خوراکی بیش از ۲۰۰ درصد بوده است.**

بیش از چهار دهه است که اقتصاد ایران با از بین رفتن زیرساخت‌ها، توسعه رانت و فساد، و حرکت معکوس در مسیر توسعه روبروست. فقر و فلاکت، افشار مختلف را یکی پس از دیگری می‌بلعد و موجی از نارضایتی عمومی ایجاد می‌کند که یکی از جدی‌ترین تهدیدها علیه جمهوری اسلامی به شمار می‌رود. سال ۱۴۰۱ با موجی از گرانی‌ها آغاز شده و تندباد افزایش قیمت با سرعت در همه بازارها در حال وزیدن است. اگرچه مردم ایران با گرانی و افزایش یک‌شبه قیمت کالاها بیگانه نیستند اما در هفته‌های گذشته حتی نان هم دچار «انفجار قیمت» شده و حالا دیگر سیر کردن شکم با «نان خشک و خالی» هم برای تنگدستان دشوار شده است. ماکارونی که با گرانی برنج، پس از نان به یکی از غذاهای افشار کم‌درآمد تبدیل شده بود نیز طی دو روز چند برابر گران و به غذای لوکس برای سفره فقرا تبدیل شده است!

گرانی نان و ماکارونی به دلیل گران شدن قیمت گندم دولتی از دو هزار و ۲۷۰۰ تومان به ۱۲ هزار تومان است. البته تولیدکنندگان از گرانی دیگر عوامل تولید نظیر دستمزد و انرژی نیز سخن می‌گویند. به بیان دیگر تصمیم حذف یارانه گندم که مانند گران شدن بنزین در آبان ۹۸، بطور ناگهانی اتفاق افتاد، قیمت ده‌ها کالا از جمله نان، ماکارونی، کیک، بیسکویت و شیرینی را افزایش داد و چند برابر کرد. با گران شدن نان، قیمت ساندویچ هم در حالی افزایش یافته که سلسله گرانی‌ها همچنان ادامه دارد.

وضعیت در دیگر بازارها هم بهتر از بازار مواد غذایی وابسته به ارد نیست. قیمت گوشت، تخم‌مرغ، رب گوجه و برنج هم با شتاب، صعود می‌کند. بازار شکر و روغن هم بهم ریخته و در برخی فروشگاه‌هاین کالاهای جیره‌بندی شده است. مواد پهداشتی بطور رسمی افزایش یافته و تولیدکنندگان از افزایش قیمت مرغ و ماهی در هفته‌های آینده خبر می‌دهند. همچنین شیر خشک و دارو هم با حذف ارز ترجیحی گرانتر از گذشته شده. قیمت اتومبیل و مسکن هم با سرعت افزایش می‌یابد.

آمارهای اقتصادی، بازتاب صبر لبریز مردم
--

نگاهی به آمار «ضریب جینی» در ایران این شکاف عظیم میان اکثریت



فقیر و اقلیت ثروتمند را نشان می‌دهد. «ضریب جینی» شاخصی برای سنجش میزان نابرابری در توزیع درآمد و ثروت است. این شاخص بین ارقام صفر و یک محاسبه می‌شود. هرچه «ضریب جینی» به عدد صفر نزدیک باشد، برابری بیشتر در توزیع درآمد را نشان می‌دهد و برعکس، هرچه به عدد یک نزدیک شود، توزیع نابرابر درآمد را مشخص می‌کند.

هرچند درباره شفافیت و درستی آمارهای ارائه شده توسط نهادهای حکومتی مانند مرکز آمار ایران تردیدهای جدی وجود دارد، اما بر اساس گزارش این مرکز، ضریب جینی در سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹ خورشیدی از ۳۷/۰ به ۴۰/۰ رسیده است. برنامه سازمان ملل متحد برای توسعه (UNPD) نیز در آخرین گزارش خود میانگین ضریب جینی در ایران را در فاصله سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۸ میلادی ۴۰/۸ ارزیابی می‌کند. این ارقام نشان می‌دهد ایران یکی از نابرابرترین کشورهای منطقه و جهان از نظر درآمد شهروندان است.

مرکز آمار ایران همچنین گزارش داده که در سال ۱۳۹۹ سهم ۲۰ درصد از جمعیت فقیر از درآمد کل کشور، تنها ۵/۸ درصد بوده و در مقابل ۲۰ درصد از پردرآمدترین افراد جامعه ۴۷ درصد درآمد کل را در اختیار داشته‌اند.

همچنین شاخص «سهم نیروی کار از تولید ناخالص داخلی» در اقتصاد ایران نشان می‌دهد که بیشترین سود حاصل از کسب و کارها در ایران

وقتی فضا و جامعه‌ای به شدت سیاست‌زده است معمولا توجه به دو موضوع بنیادی نیز به سطح سیاست‌های جاری هر کشور کاهش پیدا می‌کند؛ یکی محیط زیست و دیگری اقتصاد!

در دموکراسی‌ها با توجه به اینکه دولت‌ها ابزار و منابع لازم برای پرداختن به مشکلات این دو عرصه را دارند، در بدترین حالت ممکن است نیروهای سیاسی به‌دام برخی شعارهای توخالی برای کسب رأی در انتخابات مختلف بیفتند اما چون احزاب در آزادی به رقابت با یکدیگر می‌پردازند و مرتب تحت کنترل همدیگر و رسانه‌ها و افکار عمومی قرار دارند، بدون اقدام و عمل به شعارهای خود، نمی‌توانند امید به کسب آرای شهروندان در دوره‌های بعد داشته باشند. اینست که آیندو همواره در صدر برنامه‌های دولت‌ها در دموکراسی‌های کنونی قرار دارند.

در حکومت‌های انحصاری و تمامیت‌خواه اما اتفاقا همین دو عرصه که سیاست نیز بستگی به ثبات و دوام و

پایداری آنها دارد، مرتب در حال سقوط و قهقرا هستند. در این میان، ظاهرا بدیهی به‌نظر می‌رسد که محیط زیست بستر اصلی تمامی فعالیت‌های بشریست! بدون محیط مناسب برای زیست، یا با از دست دادن آن، انسان‌ها بنا به غریزه، مجبور به کوچ می‌شوند تا در تنازع بقاء طبیعی که آب و آبادی در کانون آن قرار دارد به زیست اجتماعی خود ادامه دهند. اما از قرار معلوم این موضوع ابتدایی برای زمامداران جمهوری اسلامی نه بدیهی و نه قابل درک است.

در عین حال از آنجا که محیط زیست بشر یک پدیده جهانی به وسعت زمین و جو آن است، مشکلات آن نیز جهانی و راهکارهای غلبه بر بحران‌های محیط زیست در کشورهای مختلف نیز در همکاری‌های جهانی و همچنین منطقه‌ای قابل پیگیریست.

از سوی دیگر، مشکلات ناشی از وقوع انقلاب ۵۷ و فاجعه‌ی جمهوری اسلامی که ابعاد تخریب‌های زیست محیطی آن همواره زیر بحران‌های خودساخته پنهان مانده، حالا با تأثیر

دادگاه حمید نوری در استکهلم

۶۷ نقش دستیار و فرمانبر را داشت. او محکوم به هر مجازاتی شود، بدون شک جرم کسانی که دستور این جنایات را صادر کردند، از روح‌الله خمینی و فتوایی که در آن سال صادر کرد، تا

ابراهیم رئیسی و دیگر اعضای «هیأت مرگ» که این فتوا را اجرا کردند، بسی سنگین‌تر است. اگر حمید نوری از سوی دادگاه کشوری دمکراتیک که برخلاف بیدادگاه‌های جمهوری اسلامی متهم از تمام حقوق، از جمله حق دفاع از خود، برخوردار است به عنوان قاتل و جنایتکار شناخته شود، در حقیقت بالادستان او در سال ۱۳۴۷ از قاضی محمد مقبیه تا حبس ابد است. قضات دادگاه حکم خود را ۱۴ ژوئیه ۲۰۲۲ صادر خواهند کرد. این دادگاه نه تنها برای جنبش دادخواهی در ایران یک اقدام تاریخی به شمار می‌رود که برای نخستین بار یکی از مسئولان بیش از چهار دهه جنایات جمهوری اسلامی را در جایگاه متهم، در یک سیستم قضائی دمکراتیک نشانده است، بلکه برای سوئد نیز از اهمیت بسیار برخوردار است. برخلاف سنت رایج در این کشور که حکم نهائی به صورت کتبی برای وکلای طرفین و دادستانی ارسال می‌شود، اینبار در صحن دادگاه خوانده خواهند شد. بدون شک ۱۴ ژوئیه امسال باز هم ایرانیان دادخواه و دمکراسی‌خواه، در کنار پدران و مادرانی که فرزندان‌شان را از آنها گرفتند، فرزندانی که بدون پدر یا مادر در این سال‌ها زندگی کرده‌اند، زنان و مردانی که شریک زندگی آنان در این سال‌ها اعدام شده‌اند و یا زنان و مردانی که سال‌ها است به خاطر از دست دادن برادر یا خواهری نتوانستند زندگی عادی داشته باشند و غم و خاطرات گذشته آنها را همراهی می‌کند، در مقابل ساختمان دادگاه جمع خواهند شد تا شاهد نگارش نهائی این صفحه تاریخی باشند.



رئیس جمهوری اسلامی کنونی ابراهیم رئیسی که به «قاضی مرگ» معروف است و یا مصطفی پورمحمدی وزیر دادگستری دولت حسن روحانی نیز متهم به قتل و جنایت شده‌اند. اهمیت تاریخی این دادگاه در همین است که بسیاری از رهبران و مقامات گذشته و کنونی نظام حاکم را به جرم جنایات سال ۶۷ و سال‌های قبل و بعد آن مجرم می‌شناسد.

جمهوری اسلامی در ابتدا تلاش کرد روندی که برگزاری این دادگاه را میسر ساخت نادیده بگیرد و احتمالا انتظار داشت قبل از آغاز دادگاه با گفتگوهای محرمانه با دولت سوئد از برگزاری آن جلوگیری کند. جمهوری اسلامی فکر می‌کرد مثل خودش، دولت سوئد اگر بخواهد می‌تواند با چند تماس با دادستانی و رئیس دادگاه، ورق را برگرداند و پرونده روانه پایگانی شود. درک استقلال قوه قضائیه از قوه مجریه، که برخی از مقامات چون محمدجواد ظریف هم از آن برای توجیه جنایات نظام استفاده می‌کنند، بسیار مشکل است. تنها در هفته‌های آخر دادگاه بود که فهمیدند نتیجه این محاکمه می‌تواند موقعیت بحرانی

جمهوری اسلامی در غرب را بدتر از پیش کند.
گروگانگیری تنها حربه جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی در این مورد چون موارد قبل باز متوسل به زبان تهدید و گروگانگیری شد. ماتیاس لنتز سفیر

سرمقاله

محیطی که در آن زیست نتوان کرد

مستقیم بر اقتصاد و زندگی و کار و کسب روزانه‌ی مردم که با آب و غذا گره خورده، به نبرد بین مرگ و زندگی تبدیل می‌شود. مهاجرت‌های داخلی از مناطقی که خشک و بی آب و علف شده‌اند به شهرهای هنوز قابل سکونت و حاشیه‌ی آنها تا کوچ به کشورهای دیگر بیش از همه گریبان سرزمین‌های خشک و کم‌آب مانند ایران را می‌گیرد. اما تا زمانی که جمهوری اسلامی با سیاست‌های فرقه‌ای و توسعه‌طلبانه بر سر کار است، امکان ندارد ایران بتواند در همکاری‌های منطقه‌ای و جهانی بحران آب و ریزگردها و گرد و غبار و کویرزایی و نابودی جنگل‌ها و مراتع را کاهش دهد چه برسد به اینکه حل کند. حل مشکلات اقتصادی نیز به نوبه خود به همین همکاری‌ها و ادغام در جامعه جهانی وابسته است.

سال‌هاست که مردم ایران در برابر یک تصمیم تاریخی قرار گرفته‌اند: نجات خود و محیط زیست‌شان با دفع جمهوری اسلامی یا زندگی در محیطی که قابل زیست نیست!

دادگاه حمید نوری در استکهلم

۶۷ نقش دستیار و فرمانبر را داشت. او محکوم به هر مجازاتی شود، بدون شک جرم کسانی که دستور این جنایات را صادر کردند، از روح‌الله خمینی و فتوایی که در آن سال صادر کرد، تا

ابراهیم رئیسی و دیگر اعضای «هیأت مرگ» که این فتوا را اجرا کردند، بسی سنگین‌تر است. اگر حمید نوری از سوی دادگاه کشوری دمکراتیک که برخلاف بیدادگاه‌های جمهوری اسلامی متهم از تمام حقوق، از جمله حق دفاع از خود، برخوردار است به عنوان قاتل و جنایتکار شناخته شود، در حقیقت بالادستان او در سال ۱۳۴۷ از قاضی محمد مقبیه تا حبس ابد است. قضات دادگاه حکم خود را ۱۴ ژوئیه ۲۰۲۲ صادر خواهند کرد. این دادگاه نه تنها برای جنبش دادخواهی در ایران یک اقدام تاریخی به شمار می‌رود که برای نخستین بار یکی از مسئولان بیش از چهار دهه جنایات جمهوری اسلامی را در جایگاه متهم، در یک سیستم قضائی دمکراتیک نشانده است، بلکه برای سوئد نیز از اهمیت بسیار برخوردار است. برخلاف سنت رایج در این کشور که حکم نهائی به صورت کتبی برای وکلای طرفین و دادستانی ارسال می‌شود، اینبار در صحن دادگاه خوانده خواهند شد. بدون شک ۱۴ ژوئیه امسال باز هم ایرانیان دادخواه و دمکراسی‌خواه، در کنار پدران و مادرانی که فرزندان‌شان را از آنها گرفتند، فرزندانی که بدون پدر یا مادر در این سال‌ها زندگی کرده‌اند، زنان و مردانی که شریک زندگی آنان در این سال‌ها اعدام شده‌اند و یا زنان و مردانی که سال‌ها است به خاطر از دست دادن برادر یا خواهری نتوانستند زندگی عادی داشته باشند و غم و خاطرات گذشته آنها را همراهی می‌کند، در مقابل ساختمان دادگاه جمع خواهند شد تا شاهد نگارش نهائی این صفحه تاریخی باشند.

دادگاه حمید نوری در استکهلم

سوئد در تهران به وزارت خارجه احضار شد و وی را تهدید کردند که اگر رای دادگاه تیره نه‌باشد، ما انتقام سخت خواهیم گرفت! سخنانی که حسین امیرعبداللهیان وزیر خارجه نیز کمی دیپلماتیک در گفتگوی تلفنی باهمتای سوئدی‌اش آناماریا لینه‌د در روز بعد از خاتمه دادگاه تکرار کرد. کاظم غریب‌آبادی رئیس مثلا ستاد حقوق بشر قوه قضائیه بدون استفاده از ظاهر دیپلماتیک خواهان «اجرای عدالت» در مورد «تروریست‌های تحت حمایت سوئد» شد. چند ساعتی از تهدیدهای کاظم غریب‌آبادی نگذشته بود که اعلام شد حمید احمدرضا جلالی پزشک ایرانی– سوئدی که از اردیبهشت ۱۳۹۵ به اتهامات واهی «همکاری با دولت متخاصم» و «جاسوسی برای اسرائیل» در زندان است و بر پایه اعتراف اجباری در مقابل تلویزیون به اعدام محکوم شده است، تا آخر اردیبهشت به اجرا در خواهد آمد.

مدت‌هاست که از احتمال استفاده از این پزشک برای معاوضه با حمید نوری صحبت می‌شود. با اعلام اجرای حکم اعدام احمدرضا جلالی، قبل از صدور حکم دادگاه حمید نوری، چنین به نظر می‌آید که می خواهند قضات سوئد را تحت فشار قرار دهند تا اگر حمید نوری را محکوم می‌کنند، حکم پائینی باشد که با احتساب دو سالی که در زندان بوده پس از مدت کوتاهی آزاد شود. البته احمدرضا جلالی تنها گروگان در دست جمهوری اسلامی نیست. حبیب فرح‌الله چعب شهروند ایرانی عرب با تابعیت سوئدی نیز که در ترکیه ر بوده و به ایران منتقل شد، در زندان و زیر محاکمه به اتهام «اقدامات تروریستی» است. کوین گیلبرت و سیمون کاسپر براون هم دو جوان سوئدی هستند که به اتهام حمل مواد مخدر دقیقاً در اولین روز دادگاه حمید نوری در دادگاهی در تهران محکوم به حبس شدند. در روز پائینی دادگاه، چهارشنبه ۱۴ اردیبهشت، نیز یک جهانگرد سوئدی در تهران بازداشت شد که هنوز نام و اتهام او اعلام نشده است. سفارت سوئد در تهران دستگیری او را تأیید کرده است.

در این میان، برای هیأت قضات تنها تصور اینکه بهای تصمیم آنها را مرد بی‌گناهی که پدر دو فرزند است ممکن است بپردازد، بسیار ناراحت کننده است. جمهوری اسلامی می‌داند که اگر قضات و مقامات خودش بویی از انسانیت نبرده‌اند و وجدانی ندارند که خواب آنها را به کابوس تبدیل کند، دیگران اما چنین نیستند. چنانکه عصمت وطن‌پرست که یازده تن از اعضای خانواده‌اش را جمهوری اسلامی اعدام کرده، در واکنش به تهدید اجرای حکم اعدام احمدرضا جلالی گفت «ما نمی‌خواهیم خانواده او نیز مانند ما داغدار شود! اگر بهای محکومیت حمید نوری اعدام یک بی‌گناه است، او را آزاد کنیم و یک نفر را از اعدام نجات دهیم» **احمد رأفت**

بزرگو

برگی زرین در جنبش دادخواهی

دادگاه حمید نوری در استکهلم

چهارشنبه ۱۴ اردیبهشت در شهر استکهلم، پایتخت کشور اسکاندیناوی سوئد، یک برگ درخشان از تاریخ دادخواهی مردم ایران نوشته شد. دادگاه حمید نوری دادیار و دستیار ابراهیم رئیسی که در تابستان ۱۳۴۷ عضو «هیأت مرگ» بود، پس از بیش از ۹۰ جلسه به کار خود پایان داد.

دادستان این دادگاه در دادخواست نهائی خود برای حمید نوری تقاضای اشد مجازات را کرد. در سوئد با توجه به اینکه چون بسیاری از کشورهای دمکراتیک سال‌هاست مجازات اعدام از قوانین کفیری حذف شده، اشد مجازات حبس ابد است. قضات دادگاه حکم خود را ۱۴ ژوئیه ۲۰۲۲ صادر خواهند کرد. این دادگاه نه تنها برای جنبش دادخواهی در ایران یک اقدام تاریخی به شمار می‌رود که برای نخستین بار یکی از مسئولان بیش از چهار دهه جنایات جمهوری اسلامی را در جایگاه متهم، در یک سیستم قضائی دمکراتیک نشانده است، بلکه برای سوئد نیز از اهمیت بسیار برخوردار است. برخلاف سنت رایج در این کشور که حکم نهائی به صورت کتبی برای وکلای طرفین و دادستانی ارسال می‌شود، اینبار در صحن دادگاه خوانده خواهند شد. بدون شک ۱۴ ژوئیه امسال باز هم ایرانیان دادخواه و دمکراسی‌خواه، در کنار پدران و مادرانی که فرزندان‌شان را از آنها گرفتند، فرزندانی که بدون پدر یا مادر در این سال‌ها زندگی کرده‌اند، زنان و مردانی که شریک زندگی آنان در این سال‌ها اعدام شده‌اند و یا زنان و مردانی که سال‌ها است به خاطر از دست دادن برادر یا خواهری نتوانستند زندگی عادی داشته باشند و غم و خاطرات گذشته آنها را همراهی می‌کند، در مقابل ساختمان دادگاه جمع خواهند شد تا شاهد نگارش نهائی این صفحه تاریخی باشند.

در استکهلم جمهوری اسلامی بود که در جایگاه متهم قرار گرفت
--

در روزهایی که در مقابل ساختمان این دادگاه در کنار این دادخواهان بودم، در نگاه هیچکدام اثری از حس انتقامجویی ندیدم. همه تنها و تنها به دنبال حقیقت و عدالت هستند. همچنانکه عصمت وطن‌پرست، همان مادر عصمتی که یازده تن از اعضای خانواده‌اش در دهه ۶۰ اعدام شدند، در آخرین روز دادگاه گفت «ما نتیجه را گرفتیم». خود برگزاری این دادگاه بیش از هر حکمی که هیأت قضات در ۱۴ ژوئیه صادر کند، اهمیت دارد. اگرچه طبق موازین حقوقی سوئد تنها حمید نوری در جایگاه متهم قرار داشت و هر حکمی صادر شود در مورد دو اتهامی است که دادستان بر او وارد کرده است، یعنی قتل و نقض حقوق بین‌المللی (که مصداق جنایت جنگی است)، ولی در دادخواست نهائی، دادستان کلیت نظام را به این دو جنایت متهم کرد. واقعیت هم چیزی جز این نیست.

حمید نوری یا حمید عباسی در سال



آلنا دوهان؛ گزارشگر ویژه سازمان ملل در «امور تحریم‌های قهری و یکجانبه»؛ فوریه ۲۰۲۱

نهادهای حقوق بشری به دلیل تحریم‌ها با مشکل روبرو شده نیز بررسی خواهد کرد.

جمهوری اسلامی با اتخاذ موضعی دوگانه، تحریم‌های بین‌المللی را «بی‌اثر» و در عین حال همزمان «کمرشکن» می‌داند و مدعی اثرگذاری تحریم‌ها به واسطه تبلیغات گسترده‌اش در شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها، بر واردات دارو و تجهیزات پزشکی و مرگ‌ومیر گسترده ناشی از این تحریم‌هاست. اینهمه در حالیست که تحریم‌های بین‌المللی و همچنین آنچه تحریم‌های یکجانبه از سوی آمریکا نامیده می‌شود ناشی از سیاست‌های تروریستی و خرابکارانه‌ی رژیم ایران و همچنین پنهانکاری در برنامه اتمی است. اتفاقا بخشی از تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی مربوط به نقض فاحش حقوق بشر در ایران است.

پس از شیوع ویروس کرونا، در جریان خریداری واکسن‌های کرونا از طریق کوواکس سازمان ملل، جمهوری اسلامی این ادعا را بار دیگر تکرار کرد که امکان خرید واکسن از این نهاد را به دلیل تحریم‌های ایالات متحده آمریکا ندارد. این ادعا از سوی کوواکس تکذیب شد و این نهاد دسترسی جمهوری اسلامی برای تهیه واکسن را امری ممکن و عادی اعلام داشت. حال آنکه علی خامنه‌ای رهبر حکومت ایران در فرمانی ضدبشری ورود واکسن‌های معتبر از آمریکا و انگلیس را ممنوع اعلام کرد!

مقامات جمهوری اسلامی در جریان شیوع ویروس کرونا، از یکسو با انتشار خبرهای دروغ، بی‌کفایتی و قصور خود در امر واردات واکسن را ناشی از تحریم‌های آمریکا قلمداد کرده و از سوی دیگر، میلیاردها یورو از صندوق توسعه ملی به نهادهای زیرمجموعه حکومت برای به اصطلاح تولید داخلی واکسن کرونا تزریق کردند.

این واکسن‌ها که دست‌کم هفت مورد هستند، طبق آخرین گزارش‌ها در انبارها خاک می‌خورند و وارد چرخه واکسیناسیون عمومی نشده‌اند و آنهم عمدتاً به این دلیل که گذشته از عدم تأیید سازمان بهداشت جهانی، مورد استقبال مردم هم قرار نگرفته‌اند.

مقامات جمهوری اسلامی در سطح بین‌المللی تلاش کردند تا با استفاده از جوسازی که سازمان‌های لایبگر چون ناپاک در ایالات متحده انجام دادند، چنین وانمود کنند که تحریم‌ها مانع نقل و انتقال پول برای تهیه واکسن کرونا بوده، اما این ادعا نیز توسط سازمان دیده‌بان حقوق بشر تکذیب شد.

این ادعاهای کذب در حالی همچنان پمپاژ می‌شود که همزمان، محموله‌های قاچاق معکوس دارو از ایران به کشورهای همسایه چون عراق و سوریه صورت می‌گیرد و یک محموله بزرگ قاچاق دارو نیز در اوج شیوع کرونا و مرگ‌ومیرها توسط مقامات مرزی عراق کشف شد. حالا معلوم نیست گزارشگر ویژه سازمان ملل در «امور تحریم‌های قهری و یکجانبه» که اهل بلاروس است (کشوری که آخرین دیکتاتوری اروپا نامیده می‌شود) بتواند به چه مستنداتی درباره تحریم‌هایی دست پیدا کند که مسبب و علت وضع آنها خود جمهوری اسلامی است!

تأیید سفر گزارشگر ویژه سازمان ملل در «امور تحریم‌های قهری و یکجانبه» به ایران در ۱۸ اردیبهشت

● کاظم غریب‌آبادی معاون امور بین‌الملل قوه قضاییه و دبیر ستاد حقوق بشر جمهوری اسلامی سفر ۱۱ روزه‌ی آلنا دوهان گزارشگر ویژه سازمان ملل به ایران را تأیید کرده است.

● آلنا دوهان در این سفر قرار است از آژانس‌های سازمان ملل متحد در داخل ایران و نهادهای دیگر بین‌المللی، منطقه‌ای، مالی، نهاد ملی حقوق بشر و نمایندگان جوامع دیپلماتیک حاضر در تهران دیدار کند.

● جمهوری اسلامی با اتخاذ موضعی دوگانه، تحریم‌های بین‌المللی را «بی‌اثر» و در عین حال همزمان «کمرشکن» می‌داند و مدعی اثرگذاری تحریم‌ها بر واردات دارو و تجهیزات پزشکی و مرگ‌ومیر گسترده ناشی از این تحریم‌هاست. حال آنکه علی خامنه‌ای رهبر حکومت ایران در اوج شیوع کرونا

وزرای خارجه کانادا و سوئد بر پاسخگو کردن جمهوری اسلامی برای سرنگونی هواپیمای «اوکراین اینترنشنال» تأکید کردند



پرواز ۷۵۲ تهران- کی‌یف ۱۸ دی‌ماه توسط دو موشک پدافند سپاه پاسداران حوالی تهران سرنگون شد و ۱۷۶ خدمه و مسافر آن قربانی شدند

متعهد هستند که با هدف شفاف‌سازی، ایجاد پاسخگویی و اجرای عدالت در حق قربانیان پرواز «پی‌اس ۷۵۲» و بازماندگان آنها، به همکاری نزدیک با شرکای بین‌المللی خود ادامه دهند. اواخر فروردین ۱۴۰۰ اولکسی دانیلوف دبیر شورای دفاع و امنیت ملی اوکراین در مصاحبه با روزنامه کانادایی «گلوب‌اند میل» گفت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی «عمدی» به هواپیمای مسافربری «اوکراین اینترنشنال» شلیک کرده و آن را ساقط نموده تا از «افزایش تنش منطقه‌ای بین ایران و آمریکا جلوگیری کند».

کانادا، سوئد، اوکراین و بریتانیا چهار کشور عضو «گروه هماهنگی و واکنش بین‌المللی برای قربانیان پرواز پی‌اس ۷۵۲» اواسط دی‌ماه ۱۴۰۱ در بیانیه‌ای اعلام کردند به خاطر عدم همکاری جمهوری اسلامی پرونده «پرواز ۷۵۲» را از طریق محاکم بین‌المللی پیگیری خواهند کرد. این چهار کشور اعلام

● در بیانیه ملانی جولی و آن لینده وزرای خارجه کانادا و سوئد آمده است، دو کشور متعهد هستند که با هدف شفاف‌سازی، ایجاد پاسخگویی و اجرای عدالت در حق قربانیان پرواز «پی‌اس ۷۵۲» و بازماندگان آنها، به همکاری نزدیک با شرکای بین‌المللی خود ادامه دهند.

کانادا و سوئد در بیانیه‌ای مشترک بر تعهد خود جهت پاسخگو ساختن جمهوری اسلامی در سرنگونی هواپیمای «اوکراین اینترنشنال» بر فراز تهران توسط حمله موشکی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تأکید کردند.

در این بیانیه که پس از دیدار ملانی جولی و آن لینده وزرای خارجه کانادا و سوئد پنجشنبه ۱۵ اردیبهشت (۵ مه) صادر شد آمده است، دو کشور

آکسیوس: مقامات امنیتی ایالات متحده و اسرائیل در مورد چگونگی اعمال فشار بیشتر بر رژیم ایران گفتگو کردند



جک سالیوان و ایال هولاتا

نیاز برای تولید بمب هسته‌ایست نشود. این مقام اسرائیلی گفت که اسرائیل چندین راه ممکن را برای فشار بر تهران پیشنهاد کرده از جمله تصویب قطعنامه تنبیهی در نشست شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در ماه ژوئن و افزایش بازدارندگی نظامی آمریکا در خاورمیانه.

این مقام ارشد اسرائیلی همچنین گفت: «همه این گام‌های ممکن برای این است که به رژیم ایران نشان دهد که هیچکس منتظر آنها نیست و زمان نیز به سود آنان نیست».

یک مقام ارشد اسرائیلی به «آکسیوس» گفت فشارهایی به جمهوری اسلامی باید وارد شود تا آمریکا دست بالا را در مذاکرات داشته باشد و توافق بهتری را با ایران امضاء کند.

دو مشاور امنیت ملی آمریکا و اسرائیل در اینبار گفتگو کردند که چه فشارهایی به جمهوری اسلامی باید وارد شود که باعث فعال‌تر شدن برنامه هسته‌ای و افزایش غنی‌سازی اورانیوم ۹۰ درصدی که سطح مورد

● اسرائیل و ایالات متحده با در نظر گرفتن سناریویی که در آن برجام در آینده نزدیک احیا نشود در حال بررسی روش‌هایی هستند که فشارها علیه رژیم ایران را افزایش دهند.

● یک مقام ارشد اسرائیلی به «آکسیوس» گفت باید فشارهایی بر جمهوری اسلامی وارد شود تا آمریکا دست بالا را در مذاکرات داشته باشد و توافق بهتری را با ایران امضاء کند.

● سالیوان و هولاتا توافق کردند که هماهنگی‌های انجام شده را از طریق «گروه مشورتی استراتژیک» آمریکا و اسرائیل تقویت کنند و همکاری‌های امنیتی و دیپلماتیک را تا جایی که ممکن است با دیگر شرکای منطقه‌ای تقویت نمایند.

بنا بر گزارشی در «آکسیوس» که پنج‌ماه مه (۱۵ اردیبهشت) منتشر شد، یک مقام اسرائیلی می‌گوید اسرائیل و ایالات متحده با در نظر گرفتن سناریویی که در آن برجام در آینده نزدیک احیا نشود در حال بررسی روش‌هایی هستند که فشارها علیه رژیم ایران را افزایش دهند.

توقف چندین هفته‌ای در مذاکرات اتمی وین وضعیت مربوطه را در هاله‌ای از ابهام قرار داده است. دولت بایدن، متحدان اروپایی آن و اسرائیل ابراز نگرانی کرده‌اند که رژیم ایران به پیشبرد برنامه اتمی خود در زمانی که مذاکرات متوقف شده، ادامه می‌دهد. این مقام ارشد اسرائیلی گفت مذاکرات بین ایال هولاتا مشاور امنیت ملی اسرائیل و جک سالیوان همتای

امنیتی و دیپلماتیک را تا جایی که ممکن است با دیگر شرکای منطقه‌ای تقویت نمایند.

به گفته کاخ سفید، دیدار این دو سیاستمدار یک روز پس از آن انجام شد که جو بایدن با فتالی بنت تماس تلفنی ۳۵ دقیقه‌ای داشت که طی آن «چالش‌های مشترک امنیتی منطقه‌ای و جهانی، از جمله تهدید ناشی از ایران و نیروهای نیابتی آن» مورد گفتگو و تبادل نظر قرار گرفت.

ایال هولاتا مشاور امنیت ملی اسرائیل این تماس را بسیار خوب توصیف کرد و گفت که این نشان می‌دهد که روابط آمریکا و اسرائیل برای بایدن و بنت مهم است و آنها سعی می‌کنند بدون توجه به اختلاف نظر در برخی موضوعات، بهترین استفاده را از این روابط ببرند.

هولاتا همچنین گفت «ما احساس می‌کنیم گفتگوی واقعی با همتایان آمریکایی ما وجود دارد و مواضع اسرائیل جدی گرفته می‌شود.» این مقام اسرائیلی افزود: «در نهایت هر دو ما می‌دانیم که این یک رابطه بلندمدت است».

این مقام ارشد اسرائیلی به آکسیوس گفت که پس از تماس بایدن با بنت و دیدارهای هولاتا در کاخ سفید، واضح است که باید اتفاق خارق‌العاده‌ای بیفتد تا بایدن با حذف سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران از لیست سپاه سازمان‌های تروریستی خارجی آمریکا موافقت کند.

کیهان شما، کیهان لندن



@KayhanLondon



@kayhanlondon



@kayhanlondon



https://t.me/kayhan_london

KAYHANLIFE

SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY



@KayhanLife



@kayhanlife



@KayhanLife



https://kayhanlife.com/newsletters-subscription

روز جهانی کارگر در ایران؛ از اعتراضات در هفت تپه تا بازداشت فعالان صنفی؛

کارگران کوت عبدالله:

از ما بنویسید که حقوق نمی‌گیریم!

● همزمان با روز جهانی کارگر شماری از کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه، در اعتراض به عدم رسیدگی به حقوق خود، در محوطه این شرکت تجمع کردند.

شمار زیادی از کارگران در ایران امروز یکشنبه یازدهم اردیبهشت برابر با اول ماه مه به مناسبت روز جهانی کارگر تجمع اعتراضی برگزار کردند. همزمان باروز جهانی کارگر شماری از کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه، در اعتراض به عدم رسیدگی به حقوق خود، در محوطه این شرکت تجمع کردند. کارگران شعارهایی از جمله «سیسمونی ترکی‌باف، سهم نوه قالیلیاف» سر دادند.پیش از این شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی آموزگاران اعلام کرده بود که امروز یازدهم اردیبهشت همزمان با روز کارگر تجمع سراسری برگزار می‌کند. در برخی از شهرها از جمله قزوین تجمع آموزگاران و کارگران بطور همزمان برگزار شد.یوسف بهمنی فعال کارگری شرکت هفت تپه در تجمع کارگران این شرکت از مشکلات معیشتی کارگران و مطالبات آنها سخن گفت.

همزمان بازنشستگان تأمین اجتماعی اهواز نیز همراه با کارگران و معلمان تجمع برگزار کردند تا همصدا با ا فشار دیگر حقوق خود را مطرح کنند.

این تجمعات در حالی برگزار شده که طی روزهای گذشته فعالان صنفی از جمله کارگران و آموزگاران زیر فشارهای شدید امنیتی و قضایی قرار داشته و شمار زیادی از فعالان صنفی احضار و تهدید شدند تا در تجمعات روز جهانی کارگر و تجمعات آموزگاران شرکت نکنند.

گزارش‌ها همچنین از بازداشت شماری از فعالان صنفی کارگری در شهرهای مختلف ایران خبر می‌دهد. مظفر صالح‌نیا و شیت امانی از اعضای هیأت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران روز گذشته پنجشنبه ۸ اردیبهشت ۱۴۰۱ پس از احضار تلفنی توسط ستاد خبری اداره اطلاعات سنندج ساعت‌ها مورد بازجویی قرار گرفتند.

نیروهای امنیتی همچنین ۷ تن از فعالین کارگری و اجتماعی شهر بانه با نام‌های سعید محمدی، حسن عزتی، نیشتمان رحمتی، پروین عبدالله پور،

یک نماینده مجلس شورای اسلامی:

گرانی نَفَس مردم را بریده!

● **عباس مقتدایی** نماینده اصفهان: **گرانی کالاهای اساسی، اقلام خوراکی، خودرو، دارو و کاهش ارزش پول ملی** نفس مردم و حیات و معیشت‌شان را بریده‌است. **و معیشت‌شان را بریده‌است.** **پیش از این احمد خاتمی امام جمعه موقت تهران گفته بود «مسئله گرانی قیمت‌ها و افزایش سرسام‌آور و افسارگسیخته درد جانکاه رهبری است.» وی هشدار داد «مردم نمی‌توانند فرداروزشان را پیش‌بینی کنند و این موضوع ناآرامی ایجاد می‌کند.»**



رحمان سلیمانی، افشیش ریحیمی و فاتح مجیدی را بازداشت کردند. بر اساس گزارش‌ها ماموران امنیتی با هجوم به منازل این افراد و بدون ارائه حکم قضایی، آنها را بازداشت کرده‌اند.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه روز سه‌شنبه ۶ اردیبهشت در اطلاعیهای عنوان کرد که بسیاری از فعالین سندیکای کارگران شرکت واحد و حامیان طبقه کارگر تلفنی از سوی وزارت اطلاعات احضار و تهدید شده‌اند.هادی قائمی مدیر کمپین حقوق بشر در ایران همزمان با روز جهانی کارگر، با اشاره به تداوم بحران‌های جامعه کارگری در کشور گفت: «وضعیت امروز جامعه کارگری در ایران مصداق بارزی از ناکارآمدی حاکمیتی است که همچنان با شعار حمایت از اقشار کم‌برخوردار به روش‌های مختلف بر فشارهای اقتصادی و امنیتی بر عموم شهروندان می‌افزاید و هیچ شکلی از مطالبه‌گری و اعتراض را برنمی‌تابد.» به گفته هادی قائمی «بیشتر شدن اعتراضات و اعتصابات در دیگر اقشار جامعه در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که حاکمیت از هر مسیری برای جلوگیری از پیوستگی و اتحاد و گسترده شدن اعتراضات و اعتصابات کارگری واهمه دارد و شدت گرفتن برخوردهای امنیتی با فعالان کارگری نیز به همین دلیل است.»

کارگران از جمله اقشار حداقل‌بگیر هستند که در سال‌های گذشته همواره زیر خط فقر قرار داشتند. دستمزد دستوری کارگران حتی نیمی از رقم خط فقر در ایران را هم پوشش نمی‌دهد. در سال‌های گذشته به دلیل ورود مافیایا به فعالیت‌های اقتصادی و پروژه‌های صنعتی زیر عنوان «خصوصی‌سازی» مشکلات صنفی کارگران افزایش یافته است.

همچنین در روزهای اخیر کارکنان شاغل در شرکت‌های پیمانکاری صنعت نفت نیز در شهرهای مختلف دست به اعتصاب زده‌اند. آنها خواستار افزایش حقوق و بهبود شرایط دشوار و غیرانسانی کاری در شرکت‌های پیمانکاری هستند. دیگر کارگران از جمله کارگران شهرداری نیز بطور مداوم تجمعات اعتراضی درباره دستمزدهای ناچیز و عقب افتادن حقوق برگزار می‌کنند.امروز یکشنبه یازدهم اردیبهشت کارگران شهرداری کوت عبدالله اعلام کردند که در روز کارگر به دنبال سه ماه معوقه‌ی حقوق‌شان بوده‌اند: «در روز کارگر از ما

گرانی‌های افسار گسیخته و بی‌توجهی مقامات جمهوری اسلامی به وضعیت زندگی مردم حتی صدای خودی‌های نظام را هم درآورده است. عباس مقتدایی نماینده اصفهان مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی که ۱۱ اردیبهشت برگزار شد خطاب به مسئولان نظام گفت، «امروز از زبان ملت ایران عرض می‌کنم که گرانی کالاهای اساسی، اقلام خوراکی، خودرو، دارو و کاهش ارزش پول ملی نفس مردم و حیات و معیشت‌شان را بریده‌است.» وی اما در عین حال تأکید کرد، «مجلس به دنبال تقویت دولت برای تقویت کلبت نظام است!» مقتدایی در نطق خود خواست دولت «تکلیف کالاهای اساسی» را مشخص کند تا مردم حس کنند در دولت کسانی به فکر آنها هستند.»

این عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی پرسیده: «آیا واقعا موضوع خودرو با قانون مجلس قابل حل نیست؟ آیا مسئله آب قابل حل نیست که اینقدر ما نمایندگان درباره آب حرف نزنینم؟ آیا موضوع گرانی نان فانتزی و ماکارونی که گران شده است یا می‌خواهد گران شود، قابل حل نیست؟ آیا گرانی دارو آنقدر اهمیت ندارد که رئیس جمهور و مسئولان

● **در یک رژیم تمامیت‌خواه و مستبد دینی همچون جمهوری اسلامی، که بی‌کفایتی و فساد سیستماتیک در تمام ارکان آن نفوذ کرده، هر اعتراضی، سیاسی است؛ و این سیاسی بودن در سخنان شجاعانه بسیاری از کارگران و معلمان معترض بیش از پیش خودش را نشان می‌دهد.**

در روز جهانی کارگر، به همه زحمتکشان و مزدبگیران ایرانی به ویژه آنها که برای رسیدن به یک زندگی شرافتمندانه در ایران آزاد و آباد اعتراض و اعتصاب می‌کنند، درود می‌فرستم. اعتراضات کارگران و معلمان شاغل و بازنشسته که در ماه‌های گذشته با قدرت بیشتری ادامه پیدا کرده، نشانگر آن است که روح حق‌طلبی در این قشر از جامعه ایران تا چه اندازه بیدار است. این حق‌طلبی در پیوند با ایران‌دوستی آزادی‌خواهانه، اعتراضات کارگران و معلمان را به مطالبات دیگر اقشار جامعه ایران ازجمله دانشجویان، زنان و فعالان سیاسی و مدنی گره زده و جنبش‌های مختلف اعتراضی را در خیابان به یکدیگر نزدیک‌تر کرده است. نباید فراموش کنیم که رژیم در کنار بازداشت و سرکوب امنیتی فعالان کارگری و معلمان تلاش می‌کند بین

شاهزاده رضا پهلوی به کارگران و آموزگاران:

زندگی شرافتمندانه، امنیت شغلی و جانی، اعتراض به دزدی‌ها و چپاول رژیم، حق شماست!



هم‌میهنان عزیز کارگر و معلم، زندگی شرافتمندانه، حق شماست. امنیت شغلی و جانی، حق شماست. اعتراض به دزدی‌ها و چپاول بی‌پایان این رژیم از جیب ملت ایران، حق شماست. برای‌تان در راهی که در پیش گرفته‌اید، پیروزی آرزو می‌کنم. بدانید که ایران از آواز شما پرخروش می‌شود و ملت به شما به چشم تحسین و آفرین می‌نگرد. پاینده ایران، رضا پهلوی

حسین امیرعبداللهیان:

اطمینان دارم به زودی در «قدس» نماز می‌خوانیم! هدف‌مان توافق با آمریکاست!



حسین امیرعبداللهیان

سر «مسائل خاص» حل نشود توافق در کار نخواهد بود. شماری از مقامات جمهوری اسلامی و تحلیلگران در ایران به نظام هشدار داده‌اند که توقف مذاکرات اتمی نگران‌کننده است و عدم توافق هزینه‌های سنگینی در پی دارد.

اینکه حسین امیرعبداللهیان و سایر مقامات جمهوری اسلامی در بالاترین رده‌ها تمامیت ارضی و موجودیت اسرائیل را به عنوان یک کشور عضو سازمان ملل متحد همچنان تهدید می‌کنند و همزمان به دنبال معامله با غرب نیز هستند، سیاست متناقضی است که اسرائیل بر اساس همین تهدیدات در مورد توافق اتمی با جمهوری اسلامی به غربی‌ها هشدار می‌دهد.

فتالی بنت نخست وزیر اسرائیل بارها تکرار کرده «به توافق هسته‌ای احتمالی با ایران پایبند نخواهیم بود» زیرا به اعتقاد او و سایر مقامات اسرائیلی این توافق میلیاردها دلار پول به خزانه جمهوری اسلامی سرازیر می‌کند که خرج پروژه‌های اتمی و تقویت شبه‌نظامیان و توسعه صنایع موشکی و تهدیدات منطقه‌ای خواهد شد. تا کنون هم که دولت بایدن چشم خود را بر برخی تحریم‌ها بسته وقوانین تحریم را «شل» کرده، درآمدهای جمهوری اسلامی از جمله با فروش نفت نه خرج مردم و فلاکت‌های اقتصادی کشور بلکه هزینه‌ی اهرم‌های تروریستی و شبه‌نظامی می‌شود تا در مذاکره با غرب امتیازات بیشتری دریافت کند.

حامی فلسطین خواهد ماند و تا تشکیل کشوری متحد در تمامی اراضی تاریخی آن و با پایتختی بیت‌المقدس به این حمایت ادامه خواهد داد.» او افزوده «آقامه نماز در قدس یک وعده الهی است و خون شهدای مقاومت و ملت فلسطین برای تحقق این وعده الهی ریخته شده است. ما مطمئنیم به زودی در قدس نماز خواهیم خواند.»

حسین امیرعبداللهیان همچنین در ارتباط با مذاکرات اتمی ادعا کرده «این مذاکرات متوقف نشده است اما به طرق دیگری و با تبادل پیام‌های مکتوب بین ایران و آمریکا از طریق نماینده اتحادیه اروپا در مذاکرات وین در حال انجام است.»

وزیر خارجه جمهوری اسلامی که برای دستیابی به توافق تلاش می‌کند، یکی از افرادیست که پیش از رسیدن به پست ریاست بر وزارت خارجه از مخالفان سرسخت برجام و به «حاج قاسم دیپلماسی» و «دیپلمات مقاومت» مشهور بود اما پس از آنکه به عنوان وزیر خارجه جمهوری اسلامی منصوب شد مواضع‌اش ظاهرا تغییر کرده و برای رسیدن به توافق با آمریکا که «حاج قاسم» در حمله پهبادی آن کشته شد، به هر دری می‌زند!

امیرعبداللهیان اکنون می‌گوید: «هدف ما در این مذاکرات رسیدن به توافقی قوی و بادوام است و از طرف آمریکایی خواسته‌ایم واقع‌بین باشد؛ تأکید کرده‌ایم لغو تحریم‌ها در تمامی بخش‌ها و ارائه ضمانت‌های اقتصادی یکی از مهم‌ترین نکات در دستور کار مذاکراتی ماست.»

او می‌افزاید: «من فکر می‌کنم طرف آمریکایی به خوبی به خطوط قرمز ایران واقف است و ما به مذاکرات ادامه می‌دهیم و به محض اینکه به نقطه توافق برسیم، نماینده ما در مذاکرات وین آخرین مراحل توافق را انجام خواهد داد.»

مذاکرات اتمی در وین از دو ماه پیش به خاطر اختلافات میان طرفین به ویژه در مورد مسائل منطقه‌ای و موشکی متوقف شد. هرچند که رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به صراحت اعلام کرد تا اختلافات آژانس و جمهوری اسلامی بر

● **امیرعبداللهیان در مصاحبه با تلویزیون «المسیره» وابسته به حوثی‌های یمن گفته «جمهوری اسلامی ایران همواره حامی فلسطین خواهد ماند و تا تشکیل کشوری متحد در تمامی اراضی تاریخی آن و با پایتختی بیت‌المقدس به این حمایت ادامه خواهد داد.»**

● **«هدف ما در این مذاکرات رسیدن به توافقی قوی و بادوام است و از طرف آمریکایی خواسته‌ایم واقع‌بین باشد؛ تأکید کرده‌ایم لغو تحریم‌ها در تمامی بخش‌ها و ارائه ضمانت‌های اقتصادی یکی از مهم‌ترین نکات در دستور کار مذاکراتی ماست.»**

● **تا کنون هم که دولت بایدن چشم خود را بر برخی تحریم‌ها بسته و قوانین تحریم را «شل» کرده، درآمدهای جمهوری اسلامی از جمله با فروش نفت نه خرج مردم و فلاکت‌های اقتصادی کشور بلکه هزینه‌ی اهرم‌های تروریستی و شبه‌نظامی می‌شود تا در مذاکره با غرب امتیازات بیشتری دریافت کند.**

حسین امیرعبداللهیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی در مصاحبه با شبکه «المسیره» در اظهاراتی تهدیدآمیز ابراز اطمینان کرده «به زودی در قدس نماز می‌خوانیم!» وی همزمان از دولت جو بایدن خواسته «با رویکردی واقع‌بینانه، رفتار غیرقانونی ترامپ را اصلاح کند» و برای دستیابی به توافق اتمی «در مسیر ابتکار سیاسی گام بردارد.»

عبداللهیان در مصاحبه با تلویزیون «المسیره» وابسته به حوثی‌های یمن گفته «جمهوری اسلامی ایران همواره

آغاز دومین فصل «تهران»...



تنها نقشی در این سریال ایفا کرده احمد رأفت با نوید طوبیان بوده است، گفتگویی انجام داده است. روزنامه‌نگار ایرانی- اسرائیلی که نه

روز جمعه ۶ ماه مه برابر با ۱۶ اردیبهشت دو بخش اول فصل دوم سریال اسرائیلی «تهران» از Apple TV پخش خواهد شد. این فصل نیز در ۸ قسمت پخش می‌شود و دست‌اندرکاران آن از هم‌اکنون سرگرم تهیه مقدمات فصل سوم هستند. فصل اول این سریال که داستان حضور مأمورین امنیتی اسرائیل در تهران و تلاش برای خرابکاری در تأسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی است، توانست توجه بینندگان را در سراسر جهان به خود جلب کند و جایزه بخش درام Emmy Awards را به دست آورد. در فصل دوم نیز تلاش‌های مأمورین امنیتی اسرائیلی که در فصل اول ناموفق ماندند، برای اخلاص در برنامه‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی

نامه‌های صادق هدایت روی بوم‌های میترا دیوشلی

● «ورمیشل‌های فارسی» نام آخرین نمایشگاه میترا دیوشلی هنرمند با سابقه ایرانی- ایتالیایی است که با الهام از ۸۲ نامه صادق هدایت در آخرین سال‌های عمرش، در شهر رم افتتاح شد. این نمایشگاه ۲۰ تابلو با بریده‌های نامه‌های صادق هدایت به حسن شهیدنورائی و یک ویدئوی سیاه و سفید با تصاویری کمتر دیده شده از آن سال‌ها تلاش دارد نمایی کوتاه از زندگی این نویسنده بین تهران و پاریس را ارائه دهد.

احمد رأفت - رم در این روزها، تا ۲۰ ماه مه، میزبان نمایشگاهی از کارهای میترا دیوشلی یکی از موفق‌ترین هنرمندان ایرانی در ایتالیا است. کارهای ارائه شده در این نمایشگاه، در گالری Studio SALES di Norberto Ruggeri رم، از نامه‌های صادق هدایت الهام گرفته که ۱۹ فروردین ۱۳۳۰ در پاریس به زندگی خود پایان داد. وی این نامه‌ها را به یکی از دوستانش حسن شهیدنورائی نوشته است.

این ۸۲ نامه که در ۵ سال آخر زندگی صادق هدایت نوشته شده‌اند را فرزندان شهیدنورائی در سال ۱۳۸۰ در پستوی خانه‌شان در پاریس یافتند. میترا دیوشلی با استفاده از این نامه‌ها ۲۰ تابلو را در این نمایشگاه به عنوان «ورمیشل‌های فارسی» یا Vermicelli Persian همراه با ویدیوئی سیاه و سفید که برداشت این هنرمند از زندگی و دنیای درونی صادق هدایت است در پنج بخش و با نماهایی کمتر دیده شده به نمایش می‌گذارد. این تصاویر تاریخی ایران و اروپای آن سال‌ها را در یک آن بهم پیوند می‌زنند. نام «ورمیشل‌های فارسی» بر این نمایشگاه، از فرزندان حسن شهیدنورائی به وام گرفته شده چرا که خط فارسی برای آنها موج‌های درهم و برهمی به نظر می‌رسد که آنها آن را «ورمیشل» نامیدند.

میترا دیوشلی به کیهان لندن می‌گوید «نامه‌های صادق هدایت پنجره‌ای هستند به روی واقعیتی که در عین تکراری بودن بسیار به روز است. نامه‌هایی که واقعیت‌های دراماتیک آن سال‌ها را به تصویر می‌کشند.» این هنرمند ایرانی- ایتالیایی در ادامه شادی هستند که تنها نویسنده بزرگی چون صادق هدایت می‌توانست با وجود بدبینی‌اش به مخاطبانش منتقل کند و نور را در عمق سیاهی نشان دهد.

پرستویی در کالیفرنیا؛ شروعی برای پایان «وسط‌بازی» به اصطلاح «سلبریتی‌ها»؟!



عبارت «شرم بر شما باد» قصد ایجاد شرمساری برای آنها داشته‌اند. درگیری‌ها و حواشی این نمایش فیلم، بازتاب بسیار گسترده‌ای در شبکه‌های اجتماعی و سپس رسانه‌های داخلی داشته‌است. کاربران شبکه‌های اجتماعی با استفاده از هشتگ #پرویز پرستویی می‌گویند، وی و «هنرمندان» از جنس او، با قاسم سلیمانی فرمانده سابق نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که در دی‌ماه ۹۸ در حمله پهلپادی آمریکا در بغداد کشته شد، در سرکوب بدنی و روانی به بیمارستان مراجعه کرده است. حمله پرویز پرستویی به رجبی تنها دقایقی پس از این توضیح بود که فیلم «افسانه بناسان» درباره صلح و دوستی است! هنرپیشه‌ی آن اما در یک کشور آزاد برای فرار کردن از پاسخگویی، حمله فیزیکی به پرسش‌کننده را راه حل می‌داند! بر مبنای این ویدئوها، پلیس آمریکا از محل بازرسی به عمل آورده و موضوع را تحت بررسی قرار داده است.

حالا پرستویی یک ویدئو در صفحه اینستاگرامش در رابطه با این قضایا منتشر کرده و گفته است، این افراد در ورودی سالن نمایش فیلم و سپس در سالن، «پرچم‌های خودشان را در دست داشته‌اند» و «با فحاشی‌های ناموسی مانع از ورود به سینما شدند!» منظور وی از «پرچم‌های خودشان»، پرچم ملی و شیروخورشیدنشان ایران است. او در این ویدئو نه تنها توضیحی به افکار عمومی در قبال رفتار خشونت‌آمیز و انتقادهایی که به وی وارد شده نداده است، بلکه فقط گلیای کرده که منتقدان به او فحش داده‌اند!

در تصاویر و ویدئوهایی که در توئیتر فارسی دست به دست می‌شود، کسانی که برای تماشای این فیلم سینمایی شتافته‌اند، در پاسخ به پرسش منتقدان که چرا در برابر کشتار ۹۸ سکوت کرده‌اند، می‌گویند، سیاسی نیستند و اگر برایشان ایران مهم بود، در ایران می‌ماندند! برخی نیز با حرکات بسیار زنده و در خور جمهوری اسلامی و «سلبریتی‌هایش» باسن خود را حواله دوربین منتقدان کرده و سخنان رکیک گفته‌اند.

در نمایش فیلم «افسانه بناسان» علاوه بر پرستویی، گوهر خیراندیش، اسدالله نیک‌نژاد، شهبال شب‌پره و اسفندیار منفردزاده نیز حضور داشتند. گوهر خیراندیش که فرزندانش در آمریکا زندگی می‌کنند، در این جلسه برای منتقدان موعظه می‌کند «بیایم یاد بگیریم که به عقیده آدم‌ها احترام بگذاریم!» گذشته از اینکه در هیچ جای جهان به عقاید کسانی که مستقیم و غیرمستقیم مدافع رژیم‌های سرکوبگر و خونریزی مانند جمهوری اسلامی هستند، احترام گذاشته نمی‌شود، معلوم نیست خود این موعظه‌کنندگان چرا به عقیده منتقدان «احترام» نگذاشته و به پرسش‌های آنها پاسخ نمی‌دهند!

از سوی دیگر، در بین ویدئوهای منتشرشده، اسفندیار منفردزاده آهنگساز مشهور پیش از انقلاب که به عنوان یکی از چهره‌های مخالف جمهوری اسلامی شناخته می‌شود نیز به دوربین یکی از مخالفان رژیم که به حضور وی در این نمایش سینمایی انتقاد کرده حمله‌ور می‌شود! مخالفان با اعتراض به این شرکت‌کنندگان و

● هفته گذشته پرویز پرستویی بازیگر سینمای جمهوری اسلامی برای نمایش فیلم «افسانه بناسان» (داستان‌های هزار و یک روز) به کالیفرنیا رفت. غافل از اینکه حضورش، خارج از سایه‌ی امن حاکمیت و به عنوان حامی قاسم سلیمانی و سکوت‌اش در مورد وضعیت موجود در ایران از جمله کشتار ۱۵۰۰ نفر از معترضان در آبان‌ماه ۱۳۹۸، از او در مورد عملکردش پاسخ خواسته می‌شود.

● در تصاویر و ویدئوهایی که در توئیتر فارسی دست به دست می‌شود، کسانی که برای تماشای این فیلم سینمایی شتافته‌اند، در پاسخ به پرسش منتقدان که چرا در برابر کشتار ۹۸ سکوت کرده‌اند، می‌گویند، سیاسی نیستند و اگر برایشان ایران مهم بود، در ایران می‌ماندند! برخی نیز با حرکات بسیار زنده و در خور جمهوری اسلامی و «سلبریتی‌هایش» باسن خود را حواله دوربین منتقدان کرده و سخنان رکیک گفته‌اند.

● گفتنی است که حامیان جمهوری اسلامی رسانه‌هایشان از پرستویی و خیراندیش تقدیر کرده‌اند و در عمل اثبات کردند که پرسشگران حق دارند از این افراد بپرسند که در کجا ایستاده‌اند! کنار جمهوری اسلامی یا با مردمی که توسط این رژیم کشته می‌شوند و خانواده‌های دادخواهی که عزیزانشان را از دست داده‌اند! این رسانه‌ها نوشته‌اند که این دو هنرپیشه از اعتقادات خود در بین «ضدانقلاب‌ها» دفاع کرده‌اند و سبلی محکمی به صورت آنان زده‌اند!

اعتراض ایرانیان ساکن آمریکا به پرویز پرستویی بازیگر سینما نسبت به سکوت در قبال کشتار آبان‌ماه ۹۸ و حمایت‌اش از قاسم سلیمانی فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و واکنش گسترده‌ی کاربران ایرانی در رسانه‌های اجتماعی به این موضوع، به نظر می‌رسد به نقطه‌ای برای شروع پایان وسط‌بازی برخی به اصطلاح سلبریتی‌ها بدل شده است. هفته گذشته پرویز پرستویی بازیگر سینمای جمهوری اسلامی برای نمایش فیلم «افسانه بناسان» (داستان‌های هزار و یک روز) به کالیفرنیا رفت. غافل از اینکه حضورش، خارج از سایه‌ی امن حاکمیت و به عنوان حامی قاسم سلیمانی و سکوت‌اش در مورد وضعیت موجود در ایران از جمله کشتار ۱۵۰۰ نفر از معترضان در آبان‌ماه ۱۳۹۸، از او در مورد عملکردش پاسخ خواسته می‌شود. در جلسه پرسش و پاسخ «افسانه بناسان» به کارگردانی حبیب احمدزاده نویسنده‌ای که در ادبیات موسوم به «دفاع مقدس» شناخته شده، یک شهروند ساکن آمریکا به موضع‌گیری‌های پرویز پرستویی و حمایت‌اش از قاسم سلیمانی اعتراض کرد. پرستویی در واکنش به این انتقاد بدون اینکه به پرسش مربوطه پاسخ بدهد، گفت که شهروند پرسش‌کننده ساکن ایران نیست و «در ایران کم



نمایشگاه میترا دیوشلی در رم

از صادق هدایت چون «بوف کور» و یا «داش اکل» را خوانده بود ولی برای دست به قلم بردن تمام آثار او و نوشته‌هایش را خوانده است تا بهتر بتواند روح نوشته‌های این معروف‌ترین نویسنده تاریخ معاصر ایران را که برخی از کتاب‌هایش به بیش از ۳۰ زبان ترجمه شده‌اند به روی بوم منتقل کند. میترا دیوشلی یادآوری می‌کند که فعالیت‌های هنری‌اش را «سال‌ها پیش با طراحی‌های طنز تلخ» آغاز کرده است.

در ایتالیا نیز برای دوستداران فرهنگ ایرانی صادق هدایت نام آشنایی است. سال‌ها پیش «بوف کور» و «سه قطره خون» او به ایتالیایی ترجمه و چندین بار تجدید چاپ شده‌اند.

نمایشگاه میترا دیوشلی در ایتالیا مورد توجه رسانه‌ها و بازدیدکنندگان قرار گرفته است. این هنرمند ایرانی- ایتالیایی در خاتمه گفتگو با کیهان لندن می‌گوید «بدون آنکه بخواهم اغراق کنم می‌توانم ادعا کنم که توانستم همان احساسی را که با خواندن آثار و نامه‌های صادق هدایت به من دست داد به کسانی منتقل کنم که از این نمایشگاه بازدید می‌کنند.»



میترا دیوشلی

مطالعه این نامه‌ها، و البته تمام آثار صادق هدایت، نوعی همدلی با او پیدا کردم. به ویژه توانستم با طنز تلخ این نویسنده آشنا بشوم». این هنرمند ایرانی- ایتالیایی در ادامه می‌افزاید که قبل از این نمایشگاه تنها چند کتاب

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: جاله عنکبوت» به قلم حامد محمدی (اثر خلیان)

برای نخستین بار ایماز کشوده حضور نظامی و داکتته های دحالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می کشد. «افغانستان می توانند این کتاب را مستندیا از طریق ناس یا کیهان لندن ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابرونهاي معتبر ايراني در اروپا و امريكا به نشانی های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing Email: satrap@btconnect.com www.satrap.co.uk Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD Ibbx Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN UTOPIRAN, 89 Rue du Rousseau, 75018 Paris , FRANCE Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

واشنگتن اگزمینر:

وقت آن رسیده آمریکا به تهدیدات تروریستی رژیم ایران، مثل اوباما در مورد بن لادن و ترامپ در مورد سلیمانی، پاسخ متقابل بدهد



مراسم تشییع جنازه قاسم سلیمانی فرمانده پیشین «سپاه قدس» شاخه برون سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

در این مقاله آمده وزارت خارجه آمریکا برای محافظت از مایک پمپئو وزیر خارجه پیشین آمریکا و برایان هوک نماینده ویژه آمریکا در امور ایران در مقابل تهدیدات جمهوری اسلامی ماهانه دو میلیون دلار پرداخت می‌کند. مقدار پولی که برای محافظت از این دو نفر در پنج ماه اول سال ۲۰۲۲ خرج شد بیشتر از کل بودجه سالانه خدمات شهروندان آمریکایی است.

روبین با اشاره به چنین وضعیتی می‌نویسد دولت بایدن با وجود اطلاع از توطئه‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای ترور این دو نفر و سایر مقامات پیشین آمریکا از جمله جان بولتون مشاور امنیت ملی دولت ترامپ، حتاوقتی رهبر جمهوری اسلامی تهدید به ترور بیشتر و پیشنه‌هادات جو بایدن رئیس‌جمهور آمریکا را رد می‌کند، اجازه توقف مذاکرات اتمی را نمی‌دهد.

اینکه جو بایدن و آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا ظاهراً نگران این وضعیت نیستند نه فقط رژیم ایران را تشویق به ادامه‌فعالیت‌های تروریستی می‌کند بلکه چنین رفتاری را عادی می‌کند. دولت بایدن ممکن است ادعا کند کشته شدن قاسم سلیمانی در دولت ترامپ رژیم ایران را تحریک به انتقام‌گیری علیه آمریکایی‌ها کرده است اما این ادعا به دو دلیل اشتباه است: اول اینکه، ایالات متحده به خاطر این سلیمانی را هدف قرار داد ۶۰۰ نظامی آمریکایی را به قتل

چشم‌انداز جمهوری اسلامی برای «نظم جدید جهانی»؛ غلتیدن بیشتر به دامن مسکو و پکن و نیاز ناگزیر به واشنگتن!

مأموریت دادا! حالا نیز در تناقضی فاحش بین گفتار و عمل بار دیگر برای «احیای برجام» توسط دولت «انقلابی» ابراهیم رئیسی که مورد پسند اوست، تلاش می‌کند!

هدی روؤف (ایندیپندنت عربی)– علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی اخیراً طی سخنانی در جمع گروهی از دانشجویان ایران درباره تحولات پی در پی که جهان شاهد آنست، گفت که جهان امروز در آستانه یک نظم جدید جهانی است. خامنه‌ای افزود دوران جهان «دوقطبی» یا «تک‌قطبی» رو به پایان است و در این نظم جدید، «آمریکا روز به روز ضعیف‌تر می‌شود». رهبر رژیم ایران همچنین خواستار این شد که جمهوری اسلامی با نیروی نرم و سخت جهت تامین منافع خود در این

موقعیت تروریست‌ها بود و هم به توانایی آنها برای انجام حملات بعدی پایان داد. اسرائیلی‌ها در چنین اقداماتی تنها نبودند. پس از عملیات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ سازمان سیا (CIA) رهبران ارشد القاعده را شکار کرد. در نهایت، باراک اوباما عملیات قتل اسامه بن لادن را در محل اقامتش در پاکستان تأیید کرد. از تیم امنیت ملی اوباما، فقط بایدن به این عملیات معترض بوده است! او در آن زمان اشتباه می‌کرد و اکنون نیز اشتباه می‌کند.

در ادامه این مقاله آمده «سلیمانی در هدف قرار دادن آمریکایی‌ها تنها نبود. او اصلی‌ترین پشتیبان اقدامات تروریستی بود. در قوانین بین‌المللی یا قوانین ایالات متحده هیچ منعی برای اقدام علیه نیروهای ارشد سپاه پاسداران وجود ندارد. علی خامنه‌ای طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی فرمانده کل قوا است، بنابراین می‌تواند یکی از اهداف قانونی باشد، اگرچه به عنوان یک تصمیم سیاسی، هدف قرار دادن او با توجه به اینکه یک پیرمرد هشتادساله‌ی در آستانه مرگ است، عاقلانه نیست.»

مقامات جمهوری اسلامی ممکن است گمان کنند که بایدن به دنبال پاسخگو کردن تروریست‌ها نیست یا ممکن است محاسبه کنند که هرگونه اقدام ایالات متحده علیه کسانی که دست آنان آغشته به خون آمریکایی‌هاست، آنان را قادر می‌سازد تا ایرانیان را دور یک پرچم جمع کنند.

مایکل روبین می‌نویسد، «در مورد بایدن حق با ایرانیان بود. انتخابات حداقل در آمریکا اهمیت دارد اما تا زمانی که واشنگتن مانند دوران اوباما پس از مرگ بن لادن با دوره ترامپ پس از مرگ سلیمانی، فریاد پیروزی سر ندهد، توانایی رژیم ایران برای منحرف کردن افکار عمومی با سوء استفاده از احساسات ملی‌گرایانه محدود است.»

مایکل روبین در پایان می‌نویسد مردم آمریکا ممکن است تا وقتی که بایدن از صحنه قدرت خارج نشود، در معرض تهدید تروریسم رژیم ایران باقی بمانند، اما یک دولت جدید می‌تواند رویکرد جدیدی اتخاذ کند، رویکردی که واقعاً به رهبران جمهوری اسلامی و نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ب فهماند که هربار می‌بایست بهای گزافی برای فعالیت تروریستی پرداخت کنند.



حامیان علی خامنه‌ای مخالف برجام‌اند و آن را «جسد گندیده» می‌خوانند اما او با اینکه بارها تهدید به پاره کردن و آتش زدن برجام کرده، همچنان چشم امید به احیای برجام دوخته

سخن‌سرایی و شعار اما داد و ستد با آنچه آن را نماد امپریالیسم، سلطه‌طلبی و استکبار می‌داند، داشته و دارد اما در لفاظی همواره مشغول به چالش کشیدن نظم جهانی در سیاست خارجی خود است و این سیاست که به انزوای تدریجی ایران انجامیده، در اولویت برنامه‌های جمهوری اسلامی قرار داشته است. رژیم ایران با وجود شعارهای دهان‌پرکن ضدامپریالیستی در چندین مورد با ایالات متحده علیه کشورهای همسایه ایران همکاری کرده. تهران در حمله به عراق و افغانستان در دوره جرج دبلیو بوش با آمریکا همکاری کرد. علاوه بر همکاری آمریکا حادثه «ایران گیت» و روابط مخفیانه رژیم اسلامی تهران با اسرائیل و خرید اسلحه از تل‌آویو را نیز نباید فراموش کرد؛ پرونده‌ای که گواهی بر همکاری رژیم تهران و تل‌آویو در مقطعی از زمان بوده است. اگرچه رژیم جمهوری اسلامی از ابتدا

تصویب دو طرح در سنای آمریکا علیه رژیم ایران با هدف حفظ تحریم‌های سپاه پاسداران و بانک مرکزی جمهوری اسلامی



حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران و امیرعلی حاجی‌زاده فرمانده نیروی هوافضای سپاه در رزمایش «پیامبر اعظم»

روزنامه «اورشلیم پست» در همین ارتباط می‌نویسد اگر این طرح به قانون تبدیل شود، می‌تواند مذاکرات اتمی را پیچیده‌تر کند. یکی از پیشنهادات رابرت مالی سرپرست تیم مذاکره‌کننده آمریکا در وین، به نمایندگان جمهوری اسلامی برداشتن تحریم‌های مربوط با تروریسم بر بانک مرکزی ایران بود.

طرح دوم که در سنای آمریکا تصویب شد مربوط به اصلاح مفادی از «طرح چین» در ارتباط با معامله‌های نفتی است که رژیم ایران است که توسط جیمز لنکفورد سناتور جمهوریخواه ارائه شد. بر اساس این طرح هرگونه توافقی که منجر به خرید نفت از ایران توسط چین شود باید مشروط به توقف فعالیت‌های هسته‌ای مربوط به ساخت سلاح اتمی، توقف توسعه موشک‌های بالستیک و حمایت از تروریسم باشد... در این طرح همچنین رئیس جمهوری آمریکا از خارج کردن نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از فهرست سازمان‌های تروریستی خارجی آمریکا منع می‌شود. این طرح با ۶۲ رأی مثبت و ۳۳ رأی منفی تصویب شد و طبق آن هرگونه توافق اتمی با جمهوری اسلامی باید شامل تمام فعالیت‌های شروانه و تخریبی جمهوری اسلامی شود. طرح لنکفورد از حمایت مایک پمپئو وزیر خارجه پیشین آمریکا برخوردار است. این طرح نیز اقدامی غیرالزام‌آور برای دولت آمریکا است با این حال از کاخ سفید خواسته شده تا زمانی که تهران شروط مربوط به توقف فعالیت موشکی بالستیک و پشتیبانی از شبه‌نظامیان را نپذیرفته، آمریکابه توقف هسته‌ای بازنگردد.

شعار «ه شرقی نه غربی» را که به معنای فاصله گرفتن از رقابت بین اردوگاه‌های شرق و غرب– اتحاد جماهیر شوروی و آمریکا– بود، مطرح می‌کرد، اما تهران در حقیقت محور ضدیت خود را تنها علیه غرب متمرکز کرده است. رژیم جمهوری اسلامی با وجود ترویج عدم وابستگی به هیچیک از قدرت‌های مسلط بر نظام بین‌المللی، همواره سیاستی را دنبال کرده که به شرق به ویژه چین و روسیه و قبل از آن به اتحاد جماهیر شوروی گرایش داشته است. این رابطه در سال‌های گذشته با توافقتنامه مشارکت راهبردی بلندمدت بین تهران و پکن و توافق دیگری بین تهران و مسکو ادامه یافته و اکنون به اوج خود رسیده است. آنچه خامنه‌ای آن را نظم جدید جهانی مبتنی بر کثرت‌گرایی و زوال دوران هژمونی آمریکا می‌داند، معنایی جز تحکیم بیشتر غلتیدن جمهوری اسلامی به دامن «شرق» و تقویت بلندمدت سیاست «نگاه به شرق» نیست. تندروها اسلامگرای تهران همواره تکرار می‌کنند که اولویت آنها رابطه با غرب نیست، بلکه «نگاه به شرق» و تکیه بر نیروی رقیب و مشکل‌آفرینی برای رهبری ایالات متحده در نظم جهانی است. این برای رژیم اسلامی به معنی سرپیچی از قدرت‌های مسلط جهانی است که در نهایت می‌بایست به شعارهای رژیم انقلابی که سعی دارد مشروعیت خود را از غرب‌ستیزی بگیرد، خدمت کند. این تصورات در حالیست که بسیاری در خاورمیانه به این باور رسیده‌اند که کشورهای قدرتمند جهان به ویژه غرب از جریانات اسلامگرایی و شعارهای انقلابی خمینی از قبیل «وحدت اسلامی» و «وحدت اسلامی» یا «بیداری اسلامی» که بعدها علی خامنه‌ای آن را پی گرفته،



کیهان

● اگرچه رژیم جمهوری اسلامی از ابتدا شعار «نه شرقی نه غربی» را که به معنای فاصله گرفتن از رقابت بین اردوگاه‌های شرق و غرب– اتحاد جماهیر شوروی و آمریکا– بود، مطرح می‌کرد، اما تهران در حقیقت محور ضدیت خود را تنها علیه غرب متمرکز کرده است.

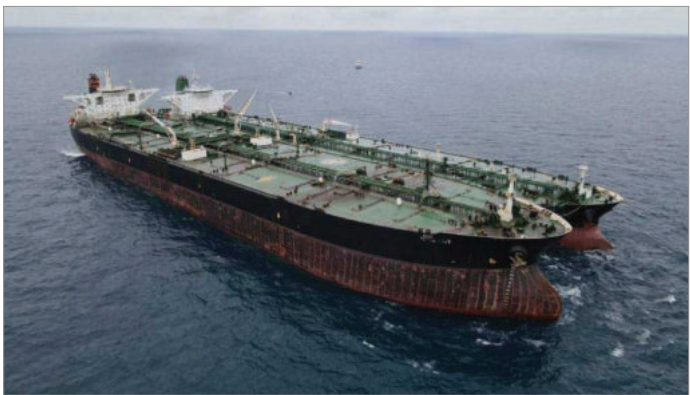
● آنچه خامنه‌ای آن را نظم جدید جهانی مبتنی بر کثرت‌گرایی و زوال دوران هژمونی آمریکا می‌داند، معنایی جز تحکیم بیشتر غلتیدن جمهوری اسلامی به دامن «شرق» و تقویت بلندمدت سیاست «نگاه به شرق» نیست.

● در این میان، چشم‌انداز جمهوری اسلامی تنها به نظم جدید جهانی معطوف نیست بلکه به نظم منطقه‌ای نیز مربوط می‌شود زیرا نفوذ منطقه‌ای به رژیم تهران میدانی برای مانور و سپس چانه‌زنی با غرب بر سر خیلی از پرونده‌ها خواهد داد.

● با اینهمه خامنه‌ای برخلاف ادعای خودش مبنی بر اینکه آمریکا رو به زوال است، شخصا در سال ۲۰۱۵ به دولت حسن روحانی برای امضای توافق اتمی (برجام)

نویسنده: هدی روؤف
منبع: ایندیپندنت عربی
ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

رویترز: افزایش قیمت نفت باعث شده جمهوری اسلامی برای احیای برجام عجله‌ای نداشته باشد



هرچند کشتیرانی و شرکت‌های نفتی جمهوری اسلامی در فهرست تحریم‌های آمریکا قرار دارند اما تجارت نفت در بازار سیاه توسط رژیم ایران در دولت بایدن رونق گرفت

مذاکرات شکست بخورد، دنیا به آخر نمی‌رسد» افزود: «این واقعیت که اقتصاد ایران اکنون چندان متکی به احیای توافق نیست، در صورت از سرگیری مذاکرات، اهرم قوی برای مذاکره‌کنندگان آن ایجاد می‌کند.» مقامات جمهوری اسلامی ارقام دقیقی را در مورد فروش نفت فاش نمی‌کنند. یک مقام نفتی ایران گفته است که این رقم در حال حاضر حدود ۵/۱ میلیون بشکه در روز است و بیشتر آنها با تخفیف زیاد به چین ارسال می‌شود که مقامات جمهوری اسلامی از افشای آن خودداری می‌کنند. مقامات جمهوری اسلامی به صراحت می‌گویند که در دور زدن تحریم‌ها ماهر شده‌اند. محمدجواد ظریف وزیر خارجه پیشین در دو دولت حسن روحانی حتی گفته بود که در دور زدن تحریم‌ها «دکتر» داریم!

از سوی دیگر، چهار آزر نماینده صندوق بین‌المللی پول در منطقه خاورمیانه و آسیای مرکزی (IMF) می‌گوید «اقتصاد ایران در چند سال گذشته با تحریم‌ها سازگار شده و با افزایش بهای نفت و تولید نفت ایران افزایش یافت و درآمدشان افزایش یافت.» این ادعا نیز در حالیست که «اقتصاد ایران» با تحریم‌ها «سازگار» نشده بلکه به دلیل سیاست‌های جمهوری اسلامی که تحریم را بر کشور تحمیل کرده، میلیون‌ها خانوار در سال‌های اخیر به زیر خط فقر رانده شده و تورم و گرانی بیداد می‌کند!

از همین رو با وجود افزایش اخیر درآمدهای حکومت، تحریم‌های ناشی از سیاست‌های نظام همچنان تأثیر عمده‌ای بر زندگی روزمره در ایران دارد، به این معنی که از واحدهای اقتصادی و تجاری گرفته تا خانواده‌های کم‌درآمد با تورم فزاینده سقوط ارز و افزایش بیکاری مواجه هستند.

رویترز می‌نویسد، حاکمان جمهوری اسلامی پایان دادن تحریم‌ها را ترجیح می‌دهند، چون جلوی نارضایتی عمومی را می‌گیرد و در درازمدت ممکن است خانواده‌های ایرانی را به ثبات اقتصادی و اجتماعی برساند. اما همین نکته نیز چندان قابل اتکا نیست زیرا پس از توافق اتمی ۲۰۱۵ نیز که میلیارد‌ها دلار به جیب رژیم سرازیر شد، این درآمد عمدتاً یا خرج برنامه‌های توسعه‌طلبانه نظامی و تبلیغاتی و پرورش شبه‌نظامیان وابسته و خرابکاری در منطقه و همچنین پیشبرد برنامه‌های اتمی و موشکی گشت و یا به جیب گروه‌های مافیایی وابسته به حکومت رفت!

در این میان، مخالفان برجام می‌گویند دولت بایدن چشم خود را به روی صادرات نفت ایران به چین با «کشتی‌های شبخ» بسته است. جمهوری اسلامی از سال ۲۰۲۱ حدود ۲۲ میلیارد دلار نفت غیرقانونی به چین ارسال کرده است.

بر اساس گزارش «اتحاد علیه ایران هسته‌ای» تنها در سه ماه اول سال ۲۰۲۲ ایران بطور متوسط روزانه حدود ۸۳۰ هزار بشکه نفت به چین صادر کرده است.

کلر یونگمن رئیس «اتحاد علیه ایران هسته‌ای» به «واشنگتن فری‌بیکن» می‌گوید «در طول مدتی که چهار کشتی مورد اشاره شده توسط ناوبری آتلانتیک اداره می‌شدند، بیش از ۱۹ میلیون بشکه نفت ایران به ارزش تقریباً یک میلیارد دلار را به چین حمل کردند و دولت بایدن چشم خود را بر این موضوع بسته است.»

همچنین پیشبرد برنامه‌های اتمی و موشکی گشت و یا به جیب گروه‌های مافیایی وابسته به حکومت رفت!

خبرگزاری رویترز به نقل از مقامات دولتی می‌نویسد با افزایش بهای نفت پس از حمله روسیه به اوکراین مقامات جمهوری اسلامی جرات پیدا کردند که برای احیای برجام عجله‌ای نشان ندهند.

در حالی که مسئله خروج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از لیست گروه‌های تروریستی خارجی آمریکا (FOT) باعث شده تا فعلاً روند مذاکرات احیای برجام به بن‌بست بخورد، اما هدف نهایی هنوز احیای برجام است، به همین علت مقامات جمهوری اسلامی معتقدند که افزایش قیمت نفت با افزایش درآمدها، دریچه‌ای از فرصت را برای آنها باز کرده و به اقتصاد این کشور چند ماه دیگر فرصت تنفس داده است.

البته این ادعای منابعی که آن را در اختیار خبرگزاری رویترز قرار داده‌اند در حالیست که چنین فرصت تنفسی را در زندگی روزانه مردم نمی‌توان مشاهده کرد!

یک مقام ارشد جمهوری اسلامی به رویترز می‌گوید: «برنامه اتمی ما طبق برنامه پیش می‌رود و زمان به نفع ماست.» این مقام مسئول با بیان اینکه «اگر

مسائل تحریم‌ها گره خورده است.» آنچه مجید انصاری می‌گوید به واقعیت نزدیک‌تر است و در بالاترین رده‌های نظام کاملاً آگاه هستند که لغو نشدن تحریم‌ها برای کلیت نظام یک تهدید جدیست. بر همین اساس است که چهار سال پس از نادیده گرفتن شروط «هفتگانه» علی خامنه‌ای برای باقی ماندن در برجام، جمهوری اسلامی هنوز چشم‌انتظار احیای آن است و نه تنها برجام را پاره نکرده بلکه برای حفظ آن تلاش می‌کند.

با اینهمه علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی برای اینکه بیش از این بی‌اعتبار نشود، از مقامات نظام خواسته «کشور مطلقاً معطل مذاکرات نشود!» اما در عمل اجرای این خواست متوهمانه ممکن نیست. همه می‌بینند که اگر رژیم ایران می‌توانست «معطل مذاکرات نشود» خیلی پیش از اینها «معطل مذاکرات» نمی‌شد و منتظر دستور رهبرش نمی‌ماند!

پیش از این روزنامه «جمهوری اسلامی» چاپ تهران با اشاره به «قفل شدن مذاکرات اتمی» و «افزایش قیمت مواد غذایی» هشدار داد که شرایط به سمت بی‌ثباتی پیش می‌رود و اگر تصمیمات خردمندانه‌ای برای باز کردن قفل برجام گرفته نشود، باید در انتظار بروز وضعیت‌های نگران‌کننده و دشواری بود که دود آن به چشم همه می‌رود.

حسنت‌الله فلاحت‌پیشه رئیس پیشین کمیسیون امنیت ملی جمهوری اسلامی از موافقان توافق اتمی می‌گوید «حتا اگر برجام به نتیجه برسد باز هم لغو تحریم‌ها سود چندان زیادی برای مردم ایران به دنبال ندارد.»

برخی تحلیلگران غربی معتقدند بقای نظام با احیای برجام گره خورده است. آنها به دولت بایدن توصیه کردند برعکس اوپاما باید بگذارد جمهوری اسلامی زیر بار بی‌کفایتی خود فرو بیاشد و مانع ایرانیان برای رسیدن به دموکراسی نشود.

● رویترز به نقل از «مقامات دولتی» گزارش داد با افزایش بهای نفت پس از حمله روسیه به اوکراین مقامات جمهوری اسلامی جرات پیدا کردند که برای احیای برجام عجله نشان ندهند.

● با وجود این ادعاها به دلیل سیاست‌های جمهوری اسلامی که تحریم را بر کشور تحمیل کرده، میلیون‌ها خانوار در سال‌های اخیر به زیر خط فقر رانده شده و تورم و گرانی بیداد می‌کند! تحریم‌های ناشی از سیاست‌های نظام همچنان تأثیر عمده‌ای بر زندگی روزمره در ایران دارد، به این معنی که از واحدهای اقتصادی و تجاری گرفته تا خانواده‌های کم‌درآمد با تورم فزاینده، سقوط ارز و افزایش بیکاری مواجه هستند.

● رویترز می‌نویسد، حاکمان جمهوری اسلامی پایان دادن تحریم‌ها را ترجیح می‌دهند، چون جلوی نارضایتی عمومی را می‌گیرد و در درازمدت ممکن است خانواده‌های ایرانی را به ثبات اقتصادی و اجتماعی برساند. اما همین نکته نیز چندان قابل اتکا نیست زیرا پس از توافق اتمی ۲۰۱۵ نیز که میلیارد‌ها دلار به جیب رژیم سرازیر شد، این درآمد عمدتاً یا خرج برنامه‌های توسعه‌طلبانه نظامی و تبلیغاتی و پرورش شبه نظامیان وابسته و خرابکاری در منطقه و

یک منبع موثق سوئدی: جمهوری اسلامی دولت سوئد را به آدم‌ربایی تهدید کرده است



ابراهیم رئیسی، حمید نوری، علی خامنه‌ای

چند روزیست خبری منتشر شده مبنی بر اینکه احمدرضا جلالی شهروند ایرانی- سوئدی که از سال ۲۰۱۶ در ایران زندانی است، اعدام خواهد شد. بر اساس اطلاعاتی که به روزنامه خبرهای شامگاهی در سوئد رسیده، این تهدید پاسخی در واکنش به تشدید تنش بین ایران و سوئد بر اساس کیفرخواست فردیست که به اتهام مشارکت در کشتار دستجمعی در دادگاهی در سوئد محاکمه شده است.

روزنامه سوئدی «خبرهای شامگاهی» می‌نویسد، حمید نوری یک مرد ۶۰ ساله ایرانی است که به اتهام شرکت در کشتار جمعی در یکی از زندان‌های ایران در اواخر دهه ۸۰ میلادی در سوئد در سال ۲۰۱۹ دستگیر شد و محاکمه وی از اوت ۲۰۲۱ تا ۳۱ آوریل ۲۰۲۲ در استکهلم برگزار شد.

جمهوری اسلامی از دولت سوئد می‌خواهد که برای آزادی حمید نوری اقدام کند. به گفته یک منبع آگاه، ایران اخیراً بر دولت سوئد برای مداخله در دستگاه قضائی این کشور و آزادی این متهم فشار می‌آورد.

این منبع می‌گوید که سوئد در پاسخ به رژیم ایران اعلام کرده که ما در سوئد دادگاه‌های مستقل داریم؛ ولی از قرار معلوم جمهوری اسلامی این موضوع را نمی‌فهمد.

به گفته این منبع، رژیم ایران علاوه بر این فشارها، از طریق کانال‌های مختلف اعلام کرده است که شهروندان

● به گفته یک منبع موثق، رژیم ایران شهروندان سوئدی را که به ایران سفر می‌کنند تهدید به ربودن کرده است. بی‌دلیل نیست که وزارت امور خارجه سوئد پنجشنبه گذشته همه دارندگان پاسپورت سوئدی را از سفر به ایران منع کرد. ● منبع آگاه می‌گوید: خلاصه پیام این است که «شما شهروندان ما را اسیر می‌کنید، پس باید مراقب شهروندان خود در کشور ما باشید.»

● این یک تهدید رسمی از سوی رژیم اسلامی در ایران تلقی می‌شود. بر اساس اطلاعات روزنامه «خبرهای شامگاهی»، این پیام از سوی سفارت جمهوری اسلامی ایران در سوئد و از سوی دولت آن کشور به دولت سوئد رسانده شده است.

● اخبار منتشر شده درباره احتمال اعدام احمدرضا جلالی که در ایران زندانی است نیز اهرم فشار دیگری از سوی ایران برای اخذ از دولت سوئد است.

جمهوری اسلامی ایران از دولت سوئد می‌خواهد که یک ایرانی را که به کشتار جمعی متهم شده و در استکهلم در بازداشت بسر می‌برد، آزاد کند.

به گفته یک منبع موثق، رژیم ایران شهروندان سوئدی را که به ایران سفر می‌کنند تهدید به ربودن کرده است. بی‌دلیل نیست که وزارت امور خارجه سوئد پنجشنبه گذشته همه دارندگان پاسپورت سوئدی را از سفر به ایران منع کرد. این منبع سوئدی می‌گوید که موضوع حمید نوری به یک بحران دیپلماتیک تبدیل شده است.

● لیندا توماس گربنفیلد نماینده دائم آمریکا در سازمان ملل: «در مورد برجام پیشرفت‌های قابل توجهی در حل تعداد قابل توجهی از مسائلی داشته‌ایم، اما هنوز مسائل حل نشده زیادی وجود دارد. کارهای بیشتری باید انجام شود و ما هنوز توافقی نداریم و ممکن است به آن نرسیم.»

● پایگاه خبری «نورنیوز» نزدیک به «شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی» در باره وضعیت مذاکرات می‌نویسد «موضوعات حل نشده در مذاکرات وین صرفاً به عدم لغو تحریم‌های سپاه مرتبط نیست و مسائل باقیمانده دیگری نیز وجود دارد که آمریکا با لجاجت از حل و فصل آنها سر باز می‌زند.»

● ابراهیم رئیسی می‌گوید «به هیچ عنوان زندگی مردم و اقتصاد را به برجام و مذاکره گره نزده‌ایم» اما مجید انصاری عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام تأکید کرده «ما چه بخواهیم و چه نخواهیم با کمال تاسف، اقتصاد ما به شدت به مسئله برجام و مسائل تحریم‌ها گره خورده است.»

لیندا توماس گربنفیلد نماینده دائم آمریکا در سازمان ملل سه‌شنبه سوم ماه مه (۱۳ اردیبهشت) درباره وضعیت مذاکرات اتمی با جمهوری اسلامی

سفیر آمریکا در سازمان ملل:

در مذاکرات اتمی هنوز مسائل حل نشده زیادی وجود دارد و شاید به توافق نرسیم



مخالفان داخلی برجام «توافق اتمی» را «عامله با خون قاسم سلیمانی» می‌دانند

مذاکرات وین در سرازیری شکست است؟» می‌نویسد «موضوعات حل نشده در مذاکرات وین صرفاً به عدم لغو تحریم‌های سپاه مرتبط نیست و مسائل باقیمانده دیگری نیز وجود دارد که آمریکا با لجاجت از حل و فصل آنها سر باز می‌زند» اما در عین حال تأیید نمی‌کند که مذاکرات اتمی به «بن‌بست» رسیده است.

آنچه «نورنیوز» مطرح کرده واکنش به گزارش رویترز است که ۱۲ اردیبهشت به نقل از منابع مطلع غربی نوشت «برجام رو به مرگ است، اما غرب حاضر به خروج از آن نیست.» وبسایت «شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی» گزارش رویترز را زیر سؤال برده و می‌نویسد «منبع آن مشخص نیست» و «القاء‌کننده این گزاره است که امیدواری‌ها برای دستیابی به توافق رو به پایان است» و «راهبرد رسانه‌ای غرب برای وادارسازی

گفت، «در مورد برجام پیشرفت‌های قابل توجهی در حل تعداد قابل توجهی از مسائلی داشته‌ایم که فکر می‌کنیم برای بازگشت به برجام ضروری است، اما هنوز مسائل حل نشده زیادی وجود دارد. کارهای بیشتری باید انجام شود و ما هنوز توافقی نداریم و ممکن است به آن نرسیم.»

او افزود: «اگر دیپلماسی موفق نشود، ما به همکاری بسیار نزدیک با دیگران در جامعه بین‌المللی برای افزایش فشار بر جمهوری اسلامی ادامه خواهیم داد. رئیس جمهور متعهد شد که ایران نباید به سلاح هسته‌ای دست یابد، اما همچنین متعهد شده که آماده بازگشت به برجام است. بنابراین، ما به کارمان ادامه می‌دهیم تا ببینیم به کجا خواهد رسید.» پایگاه خبری «نورنیوز» نزدیک به «شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی» در گزارشی با عنوان «آیا

زنان شاخص

شهلا شفیق

(۱۹۵۴-ایران)

شهلا شفیق بسکی جامعه‌شناس، پژوهشگر و نویسنده ایرانی مقیم فرانسه است.

شهلا شفیق که از سال ۱۹۸۳ در فرانسه زندگی می‌کند. او از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۴ از سوی اژانس توسعه روابط بین فرهنگی شهروندی (ADRIC) جهت فعالیت در برابر خشونت و تبعیض و همچنین حمایت از زنان مهاجر و اقدام برای سکولاریسم در تنوع فرهنگی انتخاب شد و جایزه کنشگری مدنی را در «سال گفتگوی بین فرهنگی اروپا» در سال ۲۰۰۸ دریافت کرد. از ۲۰۱۶–۲۰۱۹ او عضو شورای عالی برابری زنان و مردان از کشور فرانسه است.

شهلا شفیق روز چهارشنبه دوم فروردین ۱۳۹۶ بالاترین نشان لژیون دونور فرانسه را به پاس سال‌ها خدمت در حوزه برابری دریافت کرد. دانیل بوسکه، رئیس «شورای عالی برابری جنسیتی» دلیل اهدای این عالی‌ترین نشان را، تلاش خانم



شفیق برای هدایت جامعه به سوی نقاط مشترک و نه تفاوت‌ها دانست و گفت:

«وجود شما ضروری است چرا که می‌دانید چطور به سمت مشترکات بروید و نه به سمت آنچه ما را از هم جدا می‌کند».

شهلا شفیق چندین کتاب تحلیلی درباره ابعاد اسلامگرایی توتالیتَر و چند اثر ادبی منتشر کرده‌است. معروفترین کتاب وی تحت عنوان «زنان زیر حجاب» در سال ۱۹۹۵ در فرانسه به چاپ رسید.

شناخت عوامل پوست پوست شدن دست‌ها

انسان از دست خود بسیار استفاده می‌کند. دست همواره در معرض آفتاب، آب، محرک‌ها و آلرژن‌ها قرار دارد. این موارد می‌توانند منجر به آسیب و کنده شدن پوست شوند. در برخی پوست در نتیجه خشکی کنده می‌شود. این مورد می‌تواند در نتیجه برخی از بیماری‌های پوستی مانند

اگزما و پسوریازیس نیز رخ دهد که ناراحت کننده است و زندگی روزمره فرد را مختل می‌کند.

درمان پوست پوست شدن دست بستگی به علل بروز آن دارد اما اغلب شامل مصرف کرم‌های مرطوب کننده یا پمادها برای آبرسانی به خشکی پوست می‌شود. برخی موارد نیاز به تجویز داروهای خاص دارند که به بهبود علل زمینه‌ای کمک می‌کنند و می‌بایست توسط پزشک متخصص تجویز شوند.

شستن دست

در حالی که شستن دست‌ها یک عمل عالی برای رعایت بهداشت است، اما در صورت شستن بیش از حد دست‌ها نیز ممکن است پوست دست کنده شود. علاوه بر این، اگر فردی از صابون‌های تند یا آب بیش از حد داغ استفاده کند و پس از شستشو از مرطوب کننده استفاده نکند دچار مشکلات پوستی در دست خود می‌شود.

اگرچه شستن دست‌ها بطور موثر دست‌ها را ضدعفونی می‌کند، اما باعث حذف روغن‌های طبیعی برای حفظ سلامت و رطوبت پوست نیز می‌شود. یکی دیگر از روش‌هایی که دست‌ها را خشک کرده و باعث کندن پوست آنها می‌شود استفاده زیاد از ضدعفونی کننده است. ضد عفونی کننده دست دارای فرمول مبتنی بر الکل است که باعث خشک شدن پوست می‌شود.

آب و هوا و دما

آب و هوا روی پوست دست‌ها تاثیر می‌گذارد. به عنوان مثال، در طول فصل زمستان رطوبت هوا کمتر است که باعث خشک شدن، ترک خوردن و کنده شدن پوست کف دست می‌شود. در برخی افراد هم عرق کردن دست‌ها در هوای گرم منجر به سوزش و کنده شدن پوست می‌شود.

آفتاب سوختگی

ماندن طولانی زیر نور خورشید می‌تواند باعث آفتاب‌سوختگی شود. این عارضه می‌تواند هر قسمتی از بدن در معرض آفتاب از جمله دست‌ها را تحت تاثیر قرار دهد. با بهبود آفتاب‌سوختگی ممکن است پوست کنده شود. پوست پوست شدن زمانی رخ می‌دهد که بدن پوست آسیب دیده را از بین می‌برد و لایه جدیدی ایجاد می‌کند.

درماتیت دست

به درماتیت دست اگزمای دست نیز گفته می‌شود که ۲۰ تا ۳۵ درصد از تمام انواع درماتیت را تشکیل می‌دهد. بر اساس بررسی انجمن ملی اگزما،



Pexels

منابع غذایی عالی برای سلامت پوست و مو

آنتی‌اکسیدان‌ها به محافظت از سلول‌ها در برابر تخریب ناشی از رادیکال‌های آزاد که مخصوصا در پوست بخاطر قرارگیری در معرض اشعه فرابنفش بسیار شایع هستند، کمک می‌کند.ویتامین E به بدن برای تولید دوباره ویتامین C کمک می‌کند که یک عامل ضدپیری به حساب می‌آیند.اسید فولیک با تاثیرات مخرب اشعه فرابنفش مقابله می‌کند. از کلآژن‌ها و الاستین موجود در سلول‌های پوستی محافظت می‌کند که مسئول قابلیت ارتجاعی پوست هستند. اسیدهای چرب لازم مثل امگا۳ به ضدآب بودن دیواره سلول‌های پوستی و آبرسانی پوست کمک می‌کند. پوست خشک و پوست‌پوست‌شده، معمولا هشدار ی برای بالا بردن مصرف آب است.سلنیوم نوعی ماده معدنی است که برای ساخت گلوتاتیون ضروری است که آنژیمی است که به از بین بردن رادیکال‌های آزادی که از آلودگی هوا و دود سیگار استنشاق می‌کنیم کمک می‌کند. رنگدانه‌های آنتی‌اکسیدانه نیز با منحرف کردن اشعات UV، محافظتی خفیف ایجاد می‌کنند. ویتامین A به تولید روغن لازم برای نرم کردن مو و پوست سر کمک می‌کند و آن را سالم و درخشان نگه می‌دارد. کمبود آن موجب بدکیفیت شدن موها می‌شود اما زیادی آن به شکل مکمل هم تاثیرات مخربی را به دنبال خواهد داشت. درعوض بهتر است از موادغذایی سرشار از ویتامین A استفاده کنید. کمبود زینک نیز موجب ریزش مو شده، شکنندگی مو را افزایش داده و رنگ آن را می‌برد.ویتامین B5 یا اسید پانتوتنیک که در بسیاری محصولات پوست و مو یافت می‌شود، رشد سلول‌ها را بازسازی آن را تقویت کرده و از سوزش پوست جلوگیری می‌کند.ویتن برای

پسوریازیس روی استحکام و سرعت رشد مو ضروری طبق بر آ و رد دست‌ها دچار خشکی انجمن انجاس ورزشی

ایالات متحده، آمریکاییان همه ساله بیش از ۸/۱ بلیون دلار صرف دستگاه‌های بدنسازی خانگی می‌کنند. اما در ضمن می‌توانند

از دستگاه‌های بدنسازی مدرن و کامپیوتری شده در مراکز ورزشی، در دانشگاه‌ها و... تقریباً به رایگان استفاده نمایند و طاقت قلب و شش‌های خود را بالا ببرند. به هر حال امروزه تجهیزات ورزشی خانگی بطور فراوان در بازار موجود است. خرید تجهیزات خانگی هم آسان است و هم البته با ریسک همراه است. در تبلیغات بسیاری از این دستگاه‌ها



هر چه دهی دهر را، همان دهدت باز خواسته بد نمی‌خرند جز ارزان خواهی اگر راه راست: راه نکوئی خواهی اگر شمع راه: دانش و عرفان کارگران طعنه میزنند به کاهل اهل هنر خنده میکنند به نادان از خم صباغ روزگار برآید هر نفسی صد هزار جامه الوان غارت عمر تو میکنند به گشتن دی مه و اردبیهشت و آذر و آبان جز بفنا چهر جان نبینی، ازیراک جان تو زندانبست و جسم تو زندان عالمی و بهره‌ایت نیست ز دانش رهروی و توشه‌ایت نیست در انبان

پروین اعتصامی

دستگاه‌های بدنسازی و کار آیی آن در منزل

مشغول بشوید. یا می‌توانید در همان سالن ورزشی طی یک جلسه کمی هم رکاب بزنید و کمی از دستگه‌های بدنسازی دیگر استفاده نمایید تا

برنامه تناسب اندام شما تکمیل گردد. این نوع دوچرخه‌های ثابت در انواع و مدل‌های مختلف وارد بازار شده و در آنها یا ز یک چرخ نسبتاً سنگین یا پره‌دار استفاده شده که به وسیله زنجیر چرخ به پدال وصل شده تا به دلیل سنگینی یا مقاومت هوا در مقابل چرخش پرها نیروی لازم را اعمال نمایند که در بعضی از آنها قابل تنظیم است و مقدار انرژی لازم برای تمرین را می‌توان معین نمود. بعضی از این دوچرخه‌های ایستا کار دوگانه انجام می‌دهند، یعنی ضمن پدال زدن برای تقویت ماهیچه‌های پاها، می‌توان فرمان بلند آن را نیز که فنری مقاوم است به جلو و عقب کشیده و در نتیجه ماهیچه‌های بازو و سینه و سرشانه را نیز به فعالیت انداخت. نوع مجهز به تنظیم مقاومت الکترونیک و آنهایی که مجهز به صفحه کامپیوتری هستند، گران‌ترند. برای بعضی از تمرین کننده‌ها، دوچرخه ایستای خمیده ممکن است انتخاب مناسبی باشد. در این نوع دوچرخه ایستا زین آن بجای اینکه در بالای پدال قرار داشته باشد در خط افقی یا آن قرار دارد. در نتیجه برای پدال زدن باید پاهای خود را به صورت افقی در جلو خود دراز نمایید. در نتیجه موجب می‌شود تا ماهیچه‌های کفل و ران‌ها به فعالیت بیفتند و در اینها نیز فاصله رکاب در دورترین حد مددی دوچرخه‌های معمولی باید به حدی باشد که زانوی شما کمی زاویه داشته باشد.

دستگاه بدنسازی پله‌نوردی

دستگاه پله‌نوردی خوابیده دارای نوعی صندلی است که پشت آدم به آن تکیه می‌کند. بعضی از این دستگاه‌های پله‌نوردی فشار ضربه‌ای به مفاصل پاها وارد نمی‌کند. مهم‌ترین این تمرینات مربوط به فشار پاهاست. یعنی وقتی با یک پا به پدال مربوطه فشار وارد می‌کنید، پدال دیگری بالا می‌آید و برعکس، در بعضی از این دستگاه‌های پله‌نوردی دستگیره‌هایی برای به فعالیت انداختن بازوها نیز تعبیه شده است. ضمناً بعضی از اینها که حرکت پله‌ای پائینی دارند، تقریباً نوعی نوار نقاله برای پیاده‌روی درجا هستند که باید مرتب وزن خودتان را از این پا به آن پا و برعکس منتقل نمایید. پله‌نوردی با این دستگاه موقی مؤثرتر است که هر پله را تا از جمله اینکه در حال رکاب‌زنی شدید می‌توانید آب بنوشید، تلویزیون تماشا کنید یا حتی روزنامه بخوانید و ضمناً در افزایش تاب قلب و شش‌های خود بکوشید. برای ایجاد تنوع می‌توانید یک روز در خارج از خانه بدوید و روز دیگر در داخل خانه به رکاب‌زنی در جا

مشخصات کلی بعضی از این دستگاه‌های تناسب اندام که برای افزایش تاب قلب و شش‌هاست آورده می‌شود.

تردمیل از دستگاه‌های بدنسازی خانگی و باشگاه

برای بعضی‌ها استفاده از تردمیل یا نوار نقاله برای پیاده روی با دودیدن در جا بهتر از انجام این تمرینات در هوای نامناسب بیرون یا محوطه‌های سرپوشیده است. نوار نقاله همانطور که از اسمش پیداست دستگاهی است با یک نوار معمولاً لاستیکی پهن آجدار که دور غلتک‌هایی می‌چرخد و فرد تمرین کننده به صورت درجا روی آن یا پیاده‌روی می‌کند و یا می‌دود. این دستگاه دارای یک موتور الکتریک است که نوار را می‌چرخاند و دور آن را تمرین کننده بسته به سرعت قدم‌های خود تنظیم می‌کند. در نتیجه شدت تمرین را می‌توان با افزایش سرعت دور موتور تنظیم نمود. ضمناً اگر فرد تمرین



Pexels

کننده در نظر داشته باشد که مانند پیاده‌روی یا دودیدن در سر بالایی دامنه تپه‌ای را تداعی کند می‌تواند شیب دستگاه را به دلخواه به اندازه مورد نظر تنظیم و مدت زمان تمرین را نیز تعیین کند. بدین طریق با افزایش شیب و سرعت حرکت ضریبان قلب خود را در محدوده هدفمند حفظ نماید. ضمناً ماهیچه‌های پاهای خود را بیشتر به فعالیت درآورد. بعضی از این دستگاه‌ها را می‌توان از قبل برنامه‌ریزی نمود تا برمبنای زمان مورد دلخواه، سرعت و همچنین شیب آن را افزایش یا کاهش دهد تا ضریبان قلب در محدوده مورد هدف باقی بماند.

دوچرخه ثابت یا رکاب‌زنی درجا

رکاب‌زنی درجا مزایای فراوانی دارد. از جمله اینکه در حال رکاب‌زنی شدید می‌توانید آب بنوشید، تلویزیون تماشا کنید یا حتی روزنامه بخوانید و ضمناً در افزایش تاب قلب و شش‌های خود بکوشید. برای ایجاد تنوع می‌توانید یک روز در خارج از خانه بدوید و روز دیگر در داخل خانه به رکاب‌زنی در جا

عرضه می‌شوند ولی بهتر است از یک نفر با تجربه نظرخواهی نموده و بعد اقدام به خرید نمایید. یکی از جذابیت‌های این دستگاه‌ها سادگی استفاده از آنهاست. قسمت اعظم آنها را طوری ساخته‌اند که با نیازها و توانایی‌های مختلف وق می‌دهند. بعضی از این دستگاه‌ها طور یست که می‌توانید مشخصات خودتان از قبیل سن و وزن را به آن وارد نموده و نوع تمرین مورد نظر را انتخاب نمایید و در بعضی موارد یک نفر رقیب هم انتخاب کرده و با او مسابقه دوستانه انجام دهید. بعضی از دستگاه‌های بدنسازی مدرن صفحه‌ای دارند که تعداد تمرینات، کالری مصرف شده، فاصله و تعداد قدم‌ها، مسافت طی شده (به مایل یا کیلومتر) و تعداد ضریبان قلب را نیز نشان می‌دهند. به هر حال این دستگاه‌های بدنسازی با وجود داشتن اینهمه تجهیزات و امکانات اولاً ممکن است از دقت بالایی برخوردار نباشند و دوم اینکه باز هم این شما هستید که تمرین را انجام می‌دهید نه دستگاه! در ادامه



مرد روز



ایرج میرزا

خواهم که دهم جان به تو میل دلم اینست ترسم که پسندت نشود مشکلم اینست پروا مکن از قتل من امروز که فردا شرطست نگویم به کسی قاتلم اینست منعم مکن از عشق بتان ناصح مشفق دیربست که خاصیت آب و گلم اینست رسوای جهان گشتم و بدنام خلایق از عشق تو ای ترک پسر حاصلم اینست هرگز نروم جای دگر از سر کویت تا جان بود اندر تن من منزلم اینست جز وصل رخ دوست نخواهم ز خدا هیچ در دهر آمیدی که بُود در دلم اینست از جود تو در عدل ولیعهد گریزم کز جمله شهان پادشه عادلَم اینست

استویا یک جایگزین سالم برای قند

کاهش وزن: علل بسیاری از موارد اضافه وزن و چاقی، عدم فعالیت فیزیکی و مصرف مواد غذایی حاوی چربی و قند زیاد است. استویا دارای قند نیست و کالری کمی دارد، از این رو می‌تواند به یک رژیم غذایی متعادل کمک کند، بدون آنکه طعم شیرینی از غذا حذف شود. این وضعیت منجر به کاهش وزن خواهد شد.

جلوگیری از سرطان پانکراس: شیرین برگ حاوی بسیاری از استرول‌ها و ترکیبات آنتی اکسیدان است.مطالعات نشان داده که این گیاه خطر ابتلا به سرطان پانکراس را ۲۳ درصد کاهش خواهد داد.

کاهش فشار خون بالا: برخی از گلیکوزیدها در عصاره استویا می‌توانند دفع سدیم و تولید ادرار را افزایش دهند. مطالعه‌ای در سال ۲۰۰۳ نشان داده که این گیاه می‌تواند بطور شگفت‌آوری باعث کاهش فشار خون شود، اما برای تایید صحت این موضوع هنوز تحقیقات



بیشتری مورد نیاز است.

ترک سیگار: تحقیقات جدید نشان داده که مصرف شیرین برگ به دلیل مقادیر بالای ویتامین C و داشتن خاصیت‌مدر به سم‌زدایی و دفع نیکوتین از بدن کمک کرده و در نتیجه برای ترک سیگار مفید است.

پاکسازی کبد: گیاه استویا یک دیورتیک طبیعی بوده که به سم‌زدایی و پاکسازی بدن و کبد کمک می‌کند، از این رو برای درمان بیماری‌های کبد از جمله کبد چرب بسیار مفید است.

درمان پوکی استخوان:مطالعات نشان داده که این گیاه با افزایش متابولیسم کلسیم،به‌افزایش تراکم‌استخوان کمک کرده و برای درمان پوکی استخوان مفید است.

همانطور که گفته شد مصرف گیاه استویا فواید بسیاری داشته و دارای مزایای سلامتی قابل توجهی است.این گیاه همچنین دارای پروتئین، فیبر، فسفر، آهن، کلسیم، پتاسیم، منیزیم، سدیم، روی، ویتامین A و C است. استویا یک شیرین کننده گیاهی بوده و صد درصد طبیعی است.



تاثیر چای سبز بر سلامت دهان و دندان

محققان مصری روی ده‌ها داوطلب، مطالعاتی انجام دادند. به این ترتیب که داوطلب ها روزانه به مدت پنج دقیقه دهان خود را با چای سبز شستشو می دادند.محققان متوجه شدند بعد از شستشو با چای سبز، میزان باکتری ها و اسید دهان این داوطلبان و همچنین خونریزی لثه ی آن ها کاهش یافته است.پژوهش های دیگری نیز نشان داده است نوشیدن چای سبز از پوسیدگی دندان ها جلوگیری می کند. خواص ضدالتهابی چای سبز به کنترل بیماری های مربوط به لثه کمک می کند. یک پژوهش ژاپنی بعد از مطالعه روی ۱۰۰۰ داوطلب نشان داده است افرادی که به طور مرتب چای سبز می نوشند، نسبت به افرادی که از این نوشیدنی مفید غافل هستند لثه های سالم تری دارند. پر واضح است ماده ای که قادر است از پوسیدگی و بیماری های مربوط به لثه پیشگیری کند می تواند مقاومت دندان هایتان را نیز بالا ببرد و از افتادن آن‌ها جلوگیری کند.شما که چای سبز نمی نوشید باید بدانید یک پژوهش ژاپنی در سال ۲۰۱۰ نشان داده است مقاومت دندان های مردان و زنانی که روزانه یک یا چند فنجان چای سبز می‌نوشند بیشتر است.

به نظر می رسد آنتی اکسیدان ها و ترکیبات دیگر چای سبز از آسیب‌های رسیده به سلول‌ها و رشد تومورهای سرطانی پیشگیری می‌کند. محققان دانشگاه تگزاس ثابت کرده اند عصاره ی چای سبز می تواند از آسیب‌های رسیده به سلول‌های دهانی که به سرطان منجر می‌شود پیشگیری کند.

مطالعات روی حیوانات نشان می‌دهد ترکیبات چای سبز از رشد سلول‌های سرطانی جلوگیری به عمل می‌آورد.

عوارض جانبی

سومین نوع شایع درد در میان مردم است. بطور کلی دو سوم مردم، در طول زندگی خود دچار گردن درد می‌شوند. عوارض جانبی آن می‌تواند خفیف یا شدید باشد و مانع عملکردهای طبیعی روزانه مانند نشستن، چرخیدن و خوابیدن شود. گردن درد می‌تواند حاد (کمتر از ۳ ماه باقی می‌ماند) یا مزمن (بیشتر از ۳ ماه باقی می‌ماند) باشد. در مطالعه انجام شده توسط مؤسسه ملی آمار سلامت، اکثر مراجعان به مدت بیشتر از یک سال از گردن درد رنج برده بودند. همچنین این بررسی نشان داد که زنان، سه برابر بیشتر از

مردان شاخص

محسن مقدم

(۱۳۶۶-۱۲۷۹)

محسن مقدم از بنیان‌گذاران پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران و استاد ممتاز این دانشگاه بود.

او در سال ۱۲۹۱ خورشیدی در سنین کودکی برای تحصیل به اروپا فرستاده شد. در میانه جنگ جهانی اول به ایران بازگشت و در مدرسه صنایع مستظرفه در محضر استادانی چون کمال‌الملک ادامه تحصیل داد؛ و پس از چندسالی مجدداً به اروپا بازگشت. محسن مقدم مدتی در بخش باستان‌شناسی موزه لوور در پاریس در کلاس‌های ژرژ کنتنو، باستان‌شناس معروف، آموزش دید و با درجه عالی، تحصیل در آن‌جا را به پایان رساند.او علاوه بر باستان‌شناسی، در پاریس به آموزش نقاشی هم پرداخت. محسن مقدم در سال‌های پایانی حضور خود در اروپا به عنوان نماینده فرهنگی ایران در نشست‌ها و نمایشگاه‌های متعددی حضور یافت. او نشان دانشگاه تهران را با الهام از تاریخ و فرهنگ کهن ایران طراحی کرده که علی‌رغم همه تحولات

گردن درد و حرکات ورزشی مناسب

می‌شود. هر یک از مهره‌های ستون مهره گردن به وسیله انواع متفاوتی از مفاصل با قطعه بالایی و پایینی متصل می‌شوند. پایه جمجمه و C۱ (اتلس)، مفصل اطلسی پس سری را به وجود می‌آورند. اطلس (C۱) و آکسیس (C۲)، مفصل اطلس دندانه‌ای و مفاصل اطلس آکسیس را تشکیل می‌دهند. مهره‌های معمولی ستون مهره گردن چهار رویه مفصلی دارند: رویه مفصلی فوقانی چپ و راست و رویه مفصلی تحتانی چپ و راست؛ و دو مفصل که مفاصل آنکورتربرال نامیده می‌شوند در بالای ستون مهره گردن جمجمه قرار دارند که شامل مفصل گیجگاهی آرواره‌ای (TMJ) می‌شود. در پایین ستون مهره گردن، ستون مهره پشتی و کمری، قفسه سینه، کتف، بازو و ترقوه وجود دارند.

آسیب‌های رایج ستون مهره گردن عوارض شایع از قسمت‌های بالاتر ستون مهره گردن که ممکن است ریشه در نقص عملکرد این ستون داشته باشند، اغلب با علائم مرتبط با سر مشاهده شده‌اند، که این علائم شامل سردرد و سرگیجه یا گیجی می‌شوند. آسیب‌های شایع پایین‌تر از ستون مهره گردن به سمت شانه، شامل درد شانه، نقص عملکرد کتف و سینه‌ای و عارضه فشرده شدن اعصاب و روان در ناحیه سینه است. در نتیجه نقص عملکرد ستون مهره گردن، درد کمر و نقص عملکرد مفصل خاجی خاصه‌ای در ناحیه ستون مهره پشت کمر، ممکن است همراه با حرکات گوناگون در وضعیت بدن مشاهده شود. هر کدام از آسیب‌های رایج می‌تواند برای هر فردی مشکل‌ساز باشد، و اغلب مرکز توجه بسیاری از برنامه‌های تمرینی برای کاهش درد است. با این حال، این آسیب‌ها عمدتاً علائمی هستند که مشکل دیگری را در سیستم حرکت انسان نشان می‌دهند که باید مورد معاینه و بررسی متخصصان برای تشخیص درست و سپس درمان قرار گیرد.



مورد نقص عملکرد ستون مهره گردن، به علت واکنش زنجیره‌ای که می‌تواند به دلیل نقص عملکرد حرکت انسان رخ دهد، صادق است. اگرچه ستون مهره گردن ناحیه بسیار پیچیده‌ای از بدن است، اما داشتن درک مناسب از آناتومی عملکرد این مهره، بیومکانیک عملکرد و سیستم کلی حرکت انسان، به توانایی متخصص در ارتباط با تشخیص علل نقص عملکرد ستون مهره گردن و اصلاح آنها کمک می‌کند. ستون مهره گردن تأثیر مهمی بر دیگر قسمت‌های زنجیره حرکتی دارد. با نقص عملکرد ستون مهره گردن، تعداد زیادی از استخوان‌ها، مفاصل و عضلات درگیر می‌شوند.

استخوان‌ها و مفاصل

با نگاه کردن به ستون مهره گردن بطور خاص مشاهده می‌شود، این ستون از پایه جمجمه شروع می‌شود و هفت مهره را دربر می‌گیرد. هر یک از



مهره‌های گردن به نام‌های C۱ اطلس، C۲ آکسیس، C۶، C۵، C۴، C۳ و C۷ شناخته می‌شوند. میان C۲ و C۷ دیسک‌های ارتباطی وجود دارند. انحنای ستون مهره گردن، لوردوز گردنی نامیده می‌شود و انحنای ستون مهره پشتی، کیفوز پشتی نامیده

مردان در معرض این مشکل جسمانی قرار دارند و در صورتی که شما تحت فشارهای شدید باشید، احتمال خطر گردن درد به میزان یک و نیم برابر افزایش می‌یابد. با این حال تمرین، به شکل تقویت، کشش و تمرینات حسی گردن، می‌تواند احتمال گردن درد را کاهش دهد و علائم آن را بهبود بخشد.مانند دیگر قسمت‌های بدن، مهره گردن (CS) جایبست و پایینی خود دارد. ستون مهره گردن بیش از ۳۰ عضله دارد که در ناحیه مربوطه و مجموعه شانه واقع شده‌اند. سیستم عضلانی گردن با سیستم‌های واکنشی و سیستم‌های حسی جهت‌یابی وهمچنین وضعیتی و پایداری کل بدن ارتباط دارد. بنابراین، نقص عملکرد در این ناحیه می‌تواند به آسیب‌های زیادی در سرتاسر بدن منجر شود.

آناتومی عملکرد ستون مهره گردن درد در یک ناحیه از بدن می‌تواند به سبب نقص عملکرد در ناحیه دیگری از بدن باشد. به‌خصوص این موضوع در

فدراسیون بدنسازی و پرورش اندام:

«پرورش اندام» زنان ممنوع است، «بدنسازی» ممنوع نیست!



حاکي از «برخورد» با زنانی که در رشته‌های پرورش اندام و فیزیک فعالیت می‌کنند، روابط عمومی این فدراسیون بار دیگر ادعاهای او را تأیید کرده است.

حسین جمشیدی روابط عمومی فدراسیون بدنسازی و پرورش اندام، در این رابطه گفته که پیشتر نیز این رشته ورزشی برای زنان ممنوع بوده و «فقط دکتر نصیرزاده به این موضوع اشاره کرده که رشته پرورش اندام برای بانوان در ایران ممنوع است.»

او مدیریت نصیرزاده را «در راستای گسترش فعالیت بانوان» خوانده و گواه آن را «برگزاری مسابقات کشوری در رشته مچ‌اندازی برای چهارمین بار و در رشته‌های فیتنس چلنج و پاورلیفتینگ برای نخستین بار» دانسته است!

این مقام مسئول فدراسیون بدنسازی و پرورش اندام تأکید داشته که «تربیت داورانی در رشته‌های مچ‌اندازی، فیتنس چلنج و پاورلیفتینگ بانوان و دو اعزام بین‌المللی بانوان به رقابت‌های مچ‌اندازی قهرمانی آسیا نشان می‌دهد که بخش بانوان برای فدراسیون بدنسازی از درجه اهمیت بالایی برخوردار است.»

جمشیدی فعالیت بانوان در بخش همگانی و در سطح باشگاه‌ها را در رشته بدنسازی «بدون هیچ مشکلی» خوانده و گفته است: «در بخش

● در پی انتقاده‌ها به اظهارات اخیر عبدالمهدی نصیرزاده رئیس فدراسیون بدنسازی و پرورش اندام، حاکي از «برخورد» با زنانی که در رشته‌های پرورش اندام و فیزیک فعالیت می‌کنند، روابط عمومی این فدراسیون بار دیگر حرف‌های او را تأیید کرده است.

● حسین جمشیدی روابط عمومی فدراسیون بدنسازی و پرورش اندام، در این رابطه گفته که پیشتر نیز این رشته ورزشی برای زنان ممنوع بوده و «فقط دکتر نصیرزاده به این موضوع اشاره کرده که رشته پرورش اندام برای بانوان در ایران ممنوع است.» ● او مدیریت نصیرزاده را «در راستای گسترش فعالیت بانوان» خوانده و گواه آن را «برگزاری مسابقات کشوری در رشته مچ‌اندازی برای چهارمین بار و در رشته‌های فیتنس چلنج و پاورلیفتینگ برای نخستین بار» دانسته است!

مدیر روابط عمومی فدراسیون بدنسازی و پرورش اندام می‌گوید، «پرورش اندام» برای زنان ممنوع است ولی «بدنسازی» ممنوعیت ندارد و این فدراسیون حتی در راستای گسترش فعالیت بانوان در این زمینه، مسابقات رشته‌های مچ‌اندازی زنان و «فیتنس چلنج» و «پاورلیفتینگ» را بارها برگزار کرده است!

در پی انتقاده‌ها به اظهارات اخیر عبدالمهدی نصیرزاده رئیس فدراسیون بدنسازی و پرورش اندام،

شمشیرباز ملی‌پوش ایران در رقابت‌های جهانی اسپانیا، با هزینه شخصی!



محمد فتوحی

شرکت‌کننده در این مسابقات با ۱۱ تا ۲۰ شمشیرباز در ترکیب تیمی خود به رقابت خواهند پرداخت، تیم ملی ایران فقط از چهار ملی‌پوش، علی پاکدامن، محمد رهبری، نیما زاهدی و محمد فتوحی تشکیل شده‌است. بر اساس گزارش رسانه‌های داخلی ایران، محمد فتوحی ملی‌پوش ایران تنها شمشیربازی است که «خارج از برنامه فدراسیون» و با هزینه شخصی خود در این رقابت‌ها حضور خواهد یافت. محمد فتوحی در بازی‌های المپیک توکیو نیز عضو تیم ملی شمشیربازی ایران بود.

گفتنی است که پیش از این ملی‌پوشان ایران در مسابقات شمشیربازی قهرمانی جهان سال ۲۰۱۷ در آلمان در ماده سابر با پیروزی بر تیم‌های بریتانیا، عربستان، فرانسه و رومانی به مقام پنجم جهان دست یافته بودند.

تیم ملی شمشیربازی ایران در رقابت‌های جام جهانی ۲۰۱۶ در

واکنش تنیس‌باز اوکراینی به رافائل نادال به خاطر انتقاد از محروم شدن تنیس‌بازان روس از شرکت در مسابقات گراند اسلم ویمبلدون و پاریس

● سرگئی استاخوفسکی: آیا کشتن کودکان، جوانان و پدر و مادران آنها کاری عادلانه است؟!

سرگئی استاخوفسکی تنیس‌باز اهل اوکراین با انتقاد از سخنان اخیر رافائل نادال تنیس‌باز مشهور و پر طرفدار اسپانیایی و نفر چهارم رده‌بندی تنیس جهان در مورد محرومیت تنیس‌بازان روس واکنش نشان داده است.

«رافا» گفته: ممانعت از حضور این تنیس‌بازان در گراند اسلم‌های ویمبلدون و رولان گاروس پاریس، تصمیم ناعادلانه‌ای است.

استاخوفسکی از نادال سوال کرده: آیا کشتن کودکان، جوانان و پدر و مادران آنها کاری عادلانه است؟!

او با اشاره به اظهارات نادال در توفیتی نوشت: رافائل نادال، به من بگو این چگونه عدالتی است که کودکان اوکراینی نمی‌توانند به سرزمین خود

● بکر در سال ۲۰۱۷ میلادی به دلیل بدهی به یک بانک خصوصی اعلام ورشکستگی کرد. در همان سال اما دادگاهی در لندن اعلام کرد که او امکان پرداخت بدهی‌های خود را دارد و نمی‌تواند اعلام ورشکستگی کند. بکر اما همواره اعلام کرده است که قادر به پرداخت بدهی‌های خود نیست.

محکومیت بوریس بکر ستاره سابق تنیس جهان به دو سال و نیم حبس در زندان به دلیل پنهان کردن دارایی‌هایش پس از اعلام ورشکستگی، با واکنش چهره‌های سرشناس ورزشی مواجه شده است.

بکر روز جمعه ۲۹ آوریل (۹ اردیبهشت) با حکم قاضی در دادگاه «ساوت وارک» لندن به ۲ سال و ۶ ماه زندان محکوم شد. دلیل این محکومیت، اثبات پنهان کردن دارایی‌های بوریس بکر توسط وی پس از اعلام ورشکستگی است.

بر اساس حکم دادگاه، نیمی‌از حکم زندان این تنیس‌باز پیشین، لازم الاجراست و نیمی‌دیگر از زندان بکر که در سال‌های اخیر ، مسابقات گراند اسلم تنیس را گزارش و تفسیر می‌کرده است، به صورت تعلیقی خواهد بود.

بوریس بکر ۵۴ ساله در سال ۲۰۱۷ اعلام ورشکستگی کرد و گفت: توانایی بازپرداخت بدهی‌های خود را ندارد. اما دادگاهی در لندن اعلام کرد که او امکان پرداخت بدهی‌های خود را دارد و نمی‌تواند اعلام ورشکستگی کند. بکر اما همواره اعلام کرده است که قادر به پرداخت بدهی‌های خود نیست. سپس مشخص شد که او صدها هزار دلار از حساب بانکی خود به حساب‌های افراد دیگر، مانند همسر سابقش واریز کرده است.

در سال ۲۰۱۸ بوریس در آخرین لحظه توانست با حکم موقت دادگاه از حراج جوایز و یادگاری‌هایش جلوگیری کند. این مزایده در ارتباط با پرونده ورشکستگی مالی او صورت گرفته بود. میزان دارایی بکر برای دادگاه‌ناروشن بود. بکر در سال ۲۰۱۷ میلادی به دلیل بدهی به یک بانک خصوصی اعلام ورشکستگی کرد. در همان سال اما



برگردند؟ چگونه عدالتی است که

کودکان و جوانان اوکراینی نمی‌توانند تنیس بازی کنند؟ نادال روز یکشنبه یکم ماه مه در یک کنفرانس خبری در مادرید، ساعاتی پیش از شروع رقابت‌های تنیس Masters اسپانیا با انتقاد از محرومیت تنیس‌بازان کشورهای روسیه و بلاروس از شرکت در بازی‌های گراند اسلم ویمبلدون گفت: این محرومیت بسیار ناعادلانه است. ما تنیس‌بازان در برابر این حمله نظامی

چه کاری از دستمان ساخته است و آنچه در جنگ اوکراین روی می‌دهد تقصیر تنیس‌بازان روس نیست.

پیش از این الکساندر زورو تنیس‌باز آلمانی و نفر پنجم تنیس دنیا، جاکوویچ اهل صربستان و نفر اول رده‌بندی تنیس جهان از محرومیت

تنیس‌بازان روس برای حضور در بازی‌های ویمبلدون انتقاد کرده بودند. جاکوویچ این تصمیم را دیوانه‌وار

خوانده و خواستار جدایی سیاست از

دو سال و نیم حبس برای بوریس بکر، ستاره پیشین تنیس جهان



این فرد متهم، باعث تعجب دادگاه شده است.

بکر در سال ۲۰۰۲ نیز به دلیل فرار مالیاتی در آلمان به ۲ سال حبس تعلیقی محکوم شده بود. قاضی با اشاره به محکومیت پیشین بکر گفت: «شما خطاری دریافت کردید و نیز به فرصتی که با حکم تعلیقی به شما داده شد، توجه نکردید. این یک عامل تشدیدکننده در پرونده پیرامون تعیین میزان محکومیت است.»

راینر کالموند مدیر سابق باشگاه بایر لورکوزن در مورد محکومیت بکر به رسانه‌های آلمان می‌گوید: «بوریس بکر در دشوارترین مسابقاتش موفق بوده است. برایش آرزومندم که این فاز زمانی را هم با ثبات پشت سر بگذارد.» دیتولف فون آرنیم رئیس فدراسیون تنیس آلمان گفته: «ما ضمن تاسف، تنیس آلمان را به این حکم دادگاه احترام می‌گذاریم. برای دورانی که بوریس بکر پیش روی خود دارد، بهترین‌ها را آرزو می‌کنیم.» هارالد گلوکner طراح سرشناس مُد، یادآور شده است: «بوریس بکر ستاره و قهرمان همه ما بود. او پس از بلندپروازی در آسمان‌ها، حال در سقوط آزاد قرار گرفته است.»

اوسکار اوتنه تنیس‌باز آلمانی نیز گفته: «محکومیت بکر مرا غمگین کرد. بکر اسطوره تنیس آلمان است و ورزش تنیس را در آلمان آفرید.» به حبس در بازداشتگاه بریتانیا، اعمال «رفتار خوب» از سوی فرد زندانی در دوران بازداشت، مدت زمان حبس را کاهش خواهد داد.

بوریس بکر در این صورت می‌تواند پس از ۱۵ ماه از زندان آزاد شود و نیمه دوم زمان محکومیت را به صورت تعلیقی، خارج از بازداشتگاه سپری کند.

دیورا تیلور قاضی پرونده قضایی بوریس بکر در جلسه اعلام حکم دادگاه اشاره کرد که «عدم ابراز پشیمانی» و نیز «عدم مسئولیت‌پذیری» از سوی

ایسنا به نقل از «منابع آگاه»:

حکم اعدام احمدرضا جلالی تا پایان اردیبهشت اجرا می شود!



احمدرضا جلالی

بازداشت حمید نوری در سوئد و تشکیل دادگاه نمایشی برای وی در آن کشور با هدف فشار بر دولت ایران جهت رهاسازی احمدرضا جلالی بوده است... این تحلیلگران می گویند دولت ایران با اجرای حکم احمدرضا جلالی ضمن اجرای یک حکم قضایی لازم الاجرا، امکان اقدامی دیگر مشابه بازداشت حمید نوری را از دولت سوئد سلب خواهد کرد.

در آخرین جلسات دادگاه حمید نوری، دادستان های سوئد خواستار اشد مجازات و صدور حکم حبس ابد علیه حمید نوری دادیار پیشین زندان گوهردشت کرج شدند. او از متهمان اعدام دستجمعی زندانیان سیاسی در همدستی با سیدابراهیم رئیسی معروف به «قاضی مرگ» در اواخر دهه ۶۰ است. ابراهیم رئیسی معروف به «قاضی مرگ» عضو «هیئت مرگ» بود و کارنامه سیاهی در نقض حقوق بشر دارد. رای نهایی دادگاه سوئد در مورد نوری هنوز صادر نشده و گفته می شود در هفته های آینده اعلام خواهد شد.

همزمان با این رویدادها بار دیگر موضوع مبادله احمدرضا جلالی پژوهشگر دوتابعیتی زندانی در ایران با حمید نوری متهم به شرکت در کشتار زندانیان سیاسی در سال ۶۷ مطرح شده است اما ویدا مهران نیا همسر جلالی در مصاحبه با «صدای آمریکا» گفت که حاضر است همسرش با هر فرد دیگری جز حمید نوری مبادله شود.

وزارت خارجه سوئد در اطلاعیهای که ۲۸ آوریل (۸ اردیبهشت) صادر شد به شهروندان این کشور توصیه کرد به دلیل تغییرات وضعیت امنیتی از سفر غیرضروری به ایران خودداری کنند. احمدرضا جلالی پزشک و استاد دانشگاه ایرانی تبار و شهروند سوئد است که اردیبهشت ۹۵ در حالی که برای شرکت در یک کنفرانس علمی به ایران سفر کرده بود توسط وزارت اطلاعات بازداشت شد.



قاضی ابوالقاسم صلواتی

او پس از ۹ ماه زندان از جمله سه ماه انفرادی در روز ۱۲ بهمن ۱۳۹۵ در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب توسط قاضی ابوالقاسم صلواتی متهم به «جاسوسی و فروش اطلاعات به اسرائیل» و فساد فی الارض محکوم به اعدام شد.

جمهوری اسلامی به گروگانگیری ایرانیان دوتابعیتی و اتباع خارجی برای استفاده به عنوان اهرم فشار معروف است و تا کنون توانسته برخی از مجرمان تروریست و قاچاقچی وابسته به خود را که در کشورهای دیگر زندانی بوده یا شهروندان عادی که به گروگان گرفته بود، مبادله کند و یا گروگان ها را در ازای دریافت پول آزاد کند. گفته می شود در حال حاضر بیش از سی زندانی دوتابعیتی و خارجی در زندان های جمهوری اسلامی بسر می برند تا برای باج خواهی مورد سوء استفاده قرار گیرند.

● **خبرگزاری ایسنا**
احمدرضا جلالی را «مزدور و جاسوس اسرائیل» خوانده و می نویسد اطلاعاتی که او از برنامه اتمی جمهوری اسلامی به موساد داد باعث ترور دو دانشمند هسته ای شد.
● **در گزارش ایسنا نه تنها موضوع گروگانگیری جمهوری اسلامی کاملاً برعکس مورد تحریف قرار گرفته بلکه این گروگانگیری و احتمال اجرای حکم اعدام دکتر جلالی به صراحت به دستگیری حمید نوری و محاکمه وی ربط داده شده و به نقل از «برخی تحلیلگران سیاسی» آمده «کل پروژه بازداشت حمید نوری در سوئد و تشکیل دادگاه نمایشی برای وی در آن کشور با هدف فشار بر دولت ایران جهت رهاسازی احمدرضا جلالی بوده است... این تحلیلگران می گویند دولت ایران با اجرای حکم احمدرضا جلالی ضمن اجرای یک حکم قضایی لازم الاجرا، امکان اقدامی دیگر مشابه بازداشت حمید نوری را از دولت سوئد سلب خواهد کرد.»**

خبرگزاری ایسنا چهارشنبه ۱۴ اردیبهشت به نقل از «منابع آگاه» خبر داد حکم اعدام احمدرضا جلالی در دستور قرار گرفته و این حکم حداکثر تا آخر اردیبهشت ماه اجرا خواهد شد.

در این گزارش جلالی «مزدور و جاسوس اسرائیل» خوانده شده و آمده اطلاعاتی که از برنامه اتمی جمهوری



عکسی از تجمع شماری از خانواده های ایرانیان دوتابعیتی در برابر کاخ سفید که در شبکه های اجتماعی منتشر شده است

بستری ایمن و مطمئن پیگیری کند. سخنگوی وزارت خارجه آمریکا دولت این کشور را آماده مذاکره برای آزادی زندانیان آمریکایی دانسته و گفته که واشنگتن اقداماتی را برای آزادی این زندانیان انجام می دهد.

دست کم ۱۱ شهروند دوتابعیتی در زندان های جمهوری اسلامی بسر می برند. بر اساس آخرین خبرها، حکم اعدام احمدرضا جلالی پژوهشگر ایرانی- سوئدی به جرم «جاسوسی» برای اسرائیل در دیوان عالی کشور تأیید و تا دو هفته دیگر اجرا خواهد شد. این خبر پس از آخرین جلسه دادگاه حمید نوری متهم به شرکت در کشتار جمعی زندانیان سیاسی در سال ۶۷ منتشر شد. محاکمه نوری از ۱۰ اوت ۲۰۲۱ تا ۳ ماه مه ۲۰۲۲ در استکهلم برگزار شد.

بیش از سی تبعه خارجی و دوتابعیتی توسط جمهوری اسلامی در ایران به گروگان گرفته شده اند که عماد شرقی، سیامک و باقر نمازی، شهاب دلیلی، احمدرضا جلالی، فریبا عادلخواه، ناهید تقوی، جمشید شارمهد، کامران قادری، مسعود مصاحب و بنجامین بریر شماری از آنان هستند.

و حمایت خود را از آنان اعلام کردند. تارا طاهباز دختر مراد طاهباز فعال محیط زیست و محکوم به تحمل ۱۰ سال زندان با اتهام «جاسوسی برای بیگانگان» در این رابطه، از دولت بایدن خواسته که آزادی اعضای خانواده آنان نیز در اولویت قرار گیرد تا به خانه بازگردند. حنا شرقی دختر عماد شرقی تاجر دوتابعیتی که به ۱۰ سال زندان از سوی جمهوری اسلامی محکوم شده نیز گفته است: «خودتان را در وضعیتی که من در آن قرار دارم بگذارید، من ۲۴ سال دارم، بایدن هم فرزند دارد، به فرزندانان در همین وضعیتی که من هستم فکر کنید، آنها به پدرشان نیاز دارند همانطور که من به پدرم نیاز دارم.»

ند پرایس سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در واکنش به برگزاری این تجمع گفته است: واشنگتن در نظر ندارد موضوع آزادی زندانیان آمریکایی در ایران را به دستور کاری خود در مذاکرات هسته ای بیفزاید. به گفته پرایس، مذاکرات هسته ای موضوعی احتمالی است و ممکن است به شکست بیانجامد؛ از همین روی، دولت بایدن در نظر دارد تا موضوع زندانیان آمریکایی در ایران را در

بایدن رئیس جمهور ایالات متحده و تلاش دولت او برای آزادی این زندانیان شدند که جمهوری اسلامی آنها را به گروگان گرفته است. تعدادی از خانواده های شهروندان ایالات متحده آمریکا و دوتابعیتی که در کشورهای مختلف در زندان بسر می برند، روز چهارشنبه ۱۴ اردیبهشت ماه در مقابل کاخ سفید تجمع کرده و خواستار دیدار با جو بایدن رئیس جمهور ایالات متحده شدند. اعضای این خانواده ها در ایران، ونزوئلا، روسیه و رواندا به اتهامات گوناگون زندانی هستند. خانواده شهروندان دوتابعیتی ایرانی- آمریکایی، عماد شرقی، مراد طاهبازی، شهاب دلیلی، سیامک و باقر نمازی نیز در بین تجمع کنندگان بودند.

خانواده های زندانیان آمریکایی در کمپین «خانواده های ما را به خانه برگردانید» در پی معاضه ی «ترور رید» زندانی آمریکایی در روسیه با یک تبعه روس، مقابل کاخ سفید حاضر شدند تا آزادی اعضای خانواده های آنان نیز در اولویت های دولت بایدن قرار گیرد. پدر و خواهر «ترور رید» نیز در جمع خانواده های تجمع کننده حضور داشتند

تجمع سراسری آموزگاران همزمان با روز کارگر؛

شماری از آموزگاران مجروح و بازداشت شدند؛ معلم، کارگر، دانشجو، اتحاد اتحاد!



پلاکاردها، شعارهایی در اعتراض به عملی نشدن مطالباتشان سر دادند و پیام خود را خواندند.

در شهر مریوان نیز آموزگاران و دانش آموزان تجمع کردند اما نیروهای امنیتی و انتظامی با یورش به تجمع کنندگان و ضرب و جرح آنها سعی در متفرق کردن آنها داشتند. مأموران امنیتی و یگان ویژه چند تن از آموزگاران از جمله آرام قادری، جبار دوستی و مهدی تقصیری را بازداشت کردند. شب گذشته نیز چند از فعالان صنفی آموزگاران در این شهر از جمله شعبان محمدی، اسکندر لطفی و مسعود نیکخواه بازداشت شدند.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی آموزگاران نام چند تن از آموزگاران بازداشت شده در بوشهر را حمید خجسته، اردشیر صیادی، یوسف صیادی، فریدون شفیعی، محمود ملاکی و محسن عمرانی اعلام کرده است. در شهر تهران نیز قرار بود آموزگاران در مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کنند اما از نخستین ساعات بامداد نیروهای انتظامی و یگان ضد شورش در خیابان های اطراف مجلس شورای اسلامی آرایش نظامی گرفته و به هیچکس اجازه توقف در حوالی ساختمان را نمی دادند.

در حالی که تجمع مقابل مجلس شورای اسلامی برگزار نشد اما شماری از آموزگاران زن در تهران در یک پارک تجمع کرده و با در دست داشتن

تجمع شماری از خانواده های زندانیان دوتابعیتی در مقابل کاخ سفید

● **تعدادی از خانواده های شهروندان زندانی ایالات متحده آمریکا در ایران و کشورهای دیگر، روز چهارشنبه ۱۴ اردیبهشت ماه در مقابل کاخ سفید تجمع کردند و خواستار دیدار با جو بایدن رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا شدند.**

● **خانواده های زندانیان آمریکایی در قالب کمپین «خانواده های ما را به خانه برگردانید» در پی معاضه ی «ترور رید» زندانی آمریکایی در روسیه با یک تبعه روس در مقابل کاخ سفید حاضر شدند تا آزادی اعضای خانواده های آنان نیز در اولویت های دولت بایدن قرار گیرد.**

شماری از خانواده های زندانیان آمریکایی و دوتابعیتی از جمله ایرانی- آمریکایی در مقابل کاخ سفید تجمع کردند و خواستار دیدار با جو

● **«دشمن ما همینجاست دروغ می گن آمریکا ست»، «معلم، کارگر، دانشجو، اتحاد اتحاد»، «نگ ما ننگ ما وزیر الدنگ ما» و «معلم زندانی آزاد باید گردد» از جمله شعارهای آموزگاران بود.**

● **مأموران نیروی انتظامی با یورش به تجمع معلمان در بوشهر، اقدام به ضرب و جرح تجمع کنندگان کردند. در این حملات تعدادی از آموزگاران مجروح و شماری نیز بازداشت شدند.**

● **در برخی شهرها از جمله کرج اینترنت موبایل فعالان صنفی قطع شده و مخابرات علت قطع را «دستور مراجع ذیصلاح» عنوان کرده است!**

آموزگاران ایران امروز یکشنبه ۱۱ اردیبهشت در شهرهای مختلف تجمع اعتراضی برگزار کردند. نیروهای امنیتی و یگان ویژه در برخی شهرها جو امنیتی برقرار کرده و تلاش کردند تجمع آموزگاران را بر هم بزنند. دست کم شش آموزگار طی ساعات نخست این تجمع بازداشت شدند.

هزاران نفر از آموزگاران شاغل و بازنشسته امروز یکشنبه یازدهم اردیبهشت در بیش از ۵۰ شهر ایران تجمع سراسری برگزار کردند. این تجمع با فراخوانی از سوی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی آموزگاران و با وجود جو امنیتی و نظامی شدید برگزار شد.

آموزگاران در شهرهای مختلف از جمله یزد، اهواز، تهران، بوشهر، مریوان، سنندج، تبریز، اصفهان، مشهد، یاسوج، شیراز، اراک، کرمانشاه، نورآباد فارس، سقز، رشت، لاهیجان، خمینی شهر و دهها شهر کوچک و بزرگ دیگر تجمع کردند. «دشمن ما همینجاست دروغ می گن آمریکا ست»، «معلم، کارگر، دانشجو، اتحاد اتحاد»، «نگ ما ننگ ما وزیر

ریشه در خاک (۲)

نوشته سرلشگر عبدالحسین مینوسپهر

(آوریل ۲۰۱۳–مارس ۲۰۱۳–کیهان لندن)

باز نشر

درباره ارتش و نقش آن در جریان انقلاب اسلامی، از دو دیدگاه متفاوت، بسیار گفته و نوشته‌اند. باید حرفهای هر دو طرف را شنید و عاری از حب و بغض قضاوت کرد. در این میان گفته‌ها و نوشته‌های نظامیانی که با نگاه حرفه‌ای و منطقی به قضیه می‌نگرند، داوری منصفانه را آسانتر می‌سازد.

آنچه زیر عنوان «ریشه در خاک» می‌خوانید نوشته‌ای است از سرلشکر خلبان عبدالحسین مینوسپهر متولد سال ۱۳۱۱ که در سال ۱۳۲۹ به نیروی هوایی ارتش شاهنشاهی ایران پیوست و بعد از انقلاب بازنشسته شد و در آمریکا اقامت گزید.

این نوشته را به نقل از فصلنامه «توشه» چاپ آمریکا، در چند شماره خواهید خواند.

ارتش ایران و نقش آن در جریان انقلاب

ارتش نوین ایران

به منظور ایجاد ارتش منظم برای دولت پادشاهی ایران، در آغاز رضاخان میرپنج قدرت فرماندهی را از افسران روسی – انگلیسی – سوئدی گرفت و سپس تمام نیروهای مسلح را ادغام کرد و «ایرانی» را با حمیت ایرانی برای ارتش استخدام کرد.

از جمله ارزنده‌ترین خدمت رضاشاه کبیر در مورد ارتش ایران و به طور کلی در مورد سرزمین ایران «قانون خدمت وظیفه» بود که مجلس پنجم آن قانون را در سال ۱۳۰۶ به تصویب رساند و روش بنیچه از بین رفت. در این زمان ملاکین بزرگ و روحانیون مخالف جدی این قانون بودند.ملاکین بزرگ مخالف بودند زیرا خدمت نظام وظیفه از قدرت پدرسالاری مالکین و نیروی انسانی آنان می‌کاست و علت مخالفت پیشگامان دینی این بود که دو سال آموزش، در سازمان غیرمذهبی، زیر نظر افراد ضدروحانی یعنی جماعت صاحب منصب، عقایددینی را سست می‌کند و اصول تشیع و ارکان اسلام را به خطر می‌اندازد، ولی به هر روی قانون به تصویب رسید.

با تصویب قانون نظام وظیفه، جوانان ۱۸ ساله باید به خدمت نظام وظیفه رفته و آموزش‌های نظامی را می‌دیدند و از پایان خدمت تا شش سال بعد به عنوان «حاضر به خدمت» و ۸ سال بعد از آن به عنوان «ذخیره درجه یک» و در ۹ سال آخر به عنوان «ذخیره درجه دو» شمرده شده و از سن ۴۵ سالگی به بعد از خدمت نظام معاف بودند. در طول خدمت نظام وظیفه، جوانان به‌طور مستقیم و غیر مستقیم «آموزش رایگان» می‌دیدند و طی این مدت خواندن، نوشتن، روش صحبت کردن، شناخت زمان، شناخت شخصیت، خودشناسی و غرور ملی را فرا می‌گرفتند. در حقیقت دو سال نظام وظیفه ارزنده‌ترین و بزرگترین آموزش مفید برای جامعه ایران به شمار می‌رفت.

در سال‌های ۱۳۰۵ تا ۱۳۱۲ در تشکیلات ستاد ارتش تغییرات کلی داده شد. ستاد ارتش دارای چهار رکن شد: ۱ – کارگزینی ۲ – اطلاعات ۳ – آموزش ۴ – تأمین احتیاجات. ستاد ارتش به ادارهٔ دادرسی، اداره نظام وظیفهٔ عمومی، ادارهٔ مالیه، ادارهٔ نقلیه، ادارهٔ هواپیمایی، ادارهٔ قورخانه، ادارهٔ صحیه و اداره امور دواب (موتوری) مجهز شد.رضاشاه کبیر پس از تسلط بر فرماندهی قواء، تعداد ۵۰۰ دانشجو به فرانسه و آلمان فرستاد تا آموزش‌های نظامی را فراگیرند. با امتیاز آنکه در ایران کارخانجات اسلحه سازی و ذوب آهن برقرار شود، مقداری مسلسل و تفنگ از آلمان و تعدادی تانک از چکسلواکی خریداری کرد. روابط ارتش ایران باوزارت جنگ آلمان در ۱۳۰۲ به خوبی پیش می‌رفت و پایه آموزش ارتش بر مبنای آیین نامه‌ها و روش آموزش آلمان هیتلری قرار گرفت.

در کنار ارتش، نظام داخلی و امنیت راه‌ها لازم و سرنوشت ساز بود. از این رو امور امنیه کشور تحت امر وزارت جنگ در ستاد هر لشکر یا تیپ مستقل قرار گرفت تا بهتر و دقیق‌تر بتواند عمل کرده و در مقابل راهزنان مقاومت کند. نظمیه برای حفظ امنیت در داخل شهر و ژاندارمری جهت نظم راه‌ها و روستاها انجام وظیفه می‌کردند.

حالا نوبت چهره‌های معروف سوئدی است که توسط کرملین «نازی» معرفی شوند

● به نظر می‌رسد در سال‌های اخیر، پوتین برای سرگرمی عصرانه‌ی خود، تاریخ‌نگاری را برگزیده و در حال نگارش‌های شخصی و جدید خود برای بازنویسی آن است. بر اساس دیدگاه وی، این لهستان بود که آغازگر و مسبب جنگ جهانی دوم شد. تاریخ بازنویسی شده‌ی پوتین البته به این واقعیت اشاره نمی‌کند که لهستان نخستین قربانی حمله نازی‌ها در یکم سپتامبر ۱۹۳۹ بود و کمی بیش از دو هفته پس از آن در ۱۷ سپتامبر، لهستان از سوی اتحاد شوروی نیز مورد حمله قرار گرفت! درست بر اساس نقشه طرح شده در پیمان مولوتوف–ریبنتروپ، لهستان از حمله قرار گرفت!

● اکنون حمله تبلیغاتی کرملین به سوئد نیزه کشیده شده است که فقط دودلیل می‌تواند داشته باشد: یکی اینکه سوئد از جنگ میهن پرستانه مردم اوکراین حمایت کرده است. دوم اینکه سوئد در حال بررسی پیوستن به ائتلاف دفاعی ناتواست.

روسیه در یک کمپین تبلیغاتی به این بند کرده است که استرید لیندگرن، گوستاو پنجم، اینگوار کامپراد و اینگمار برگمان نازی بوده‌اند. این تبلیغات تازه دو دلیل دارد: حمایت سوئد از اوکراین و

● به نظر می‌رسد تیم‌های مذاکره‌ای که پس از متوقف شدن مذاکرات علنی در وین به صورت مخفیانه گفتگو می‌کردند، نتوانسته‌اند راه حلی مناسب برای دو طرف آمریکا و جمهوری اسلامی ایران پیدا کنند، بنابراین احتمال بازگشت مذاکرات به نقطه صفر افزایش یافته و همزمان واشنگتن و تهران یکدیگر را به اعلام شکست مذاکرات در آینده نزدیک تهدید کرده‌اند. هر دو مورد یعنی به «نقطه صفر رسیدن» یا «شکست مذاکرات» پیامدهای عمده‌ای برای منطقه و جهان در برخورد با رژیم ایران که نامتعهد به محدودیت‌های هسته‌ایست درپی خواهد داشت.

مصطفی فحص (شرق الاوسط) –از ۱۱ مارس ۲۰۲۱ مذاکرات هسته‌ای وین میان پنج کشور بزرگ آمریکا، روسیه، بریتانیا، چین و فرانسه علاوه بر آلمان با رژیم ایران آغاز شد. این مذاکرات هنوز در انتظار یافتن راهی به ظاهر غیرممکن برای خروج از معضل «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» و امکان حذف آن از فهرست تروریسم و تحریم‌ها از سوی ایالات متحده آمریکاست که مستلزم یک تصمیم سیاسی قاطعانه در واشنگتن است که دولت ضعیف جو بایدن رئیس جمهوری آمریکا ماه‌ها قبل از برگزاری انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره نخواهد توانست چنین گامی را بردارد.

از سوی دیگر، رژیم ایران نمی‌تواند بر سر ستون فقرات خود (سپاه پاسداران)

چانه‌زنی کند، برای رژیم تهران در این مرحله، با وجود بحران اقتصادی که ایران

بررسی پیوستن این کشور به ناتو. ولادیمیر پوتین بار دیگر در تلاش است تا از تحریف تاریخ یک سلاح سیاسی بسازد و به جنگ همسایگان روسیه برود.

به نظر می‌رسد در سال‌های اخیر، پوتین برای سرگرمی عصرانه‌ی خود، تاریخ‌نگاری را برگزیده و در حال نگارش‌های شخصی و جدید خود برای بازنویسی آن است. بر اساس دیدگاه وی، این لهستان بود که آغازگر و مسبب جنگ جهانی دوم شد. تاریخ بازنویسی شده‌ی پوتین البته به این واقعیت اشاره نمی‌کند که لهستان نخستین قربانی حمله نازی‌ها در یکم سپتامبر ۱۹۳۹ بود و کمی بیش از دو هفته پس از آن در ۱۷ سپتامبر، لهستان از سوی اتحاد شوروی نیز مورد حمله قرار گرفت! درست بر اساس نقشه طرح شده در پیمان مولوتوف–ریبنتروپ، لهستان از وسط دو شقه شد!

سال گذشته نیز پوتین در مقاله‌ای طولانی ادعا کرد که اوکراین یک اختراع خوددرآوردی است و اوکراینی‌ها حتی به عنوان یک ملت وجود خارجی ندارند و درواقع آنها روس هستند. هر آدمی با اندکی سواد تاریخی می‌داند که این سخنان ادعاهایی بی‌پایه بیش نیستند. اما این فقط یک تلاش زیرکانه برای ایجاد یک واقعیت جایگزین به‌منظور تقویت احساسات میهن پرستانه روس‌ها نیست. رویز یونیسف تاریخ کرملین هدف مشخصی داشته و دارد. یک انگیزه ایدئولوژیک برای روسیه لازم بود تا حق پس گرفتن و کنترل دارایی‌های سابق آن را توجیه کند. رژیم روسیه اکنون با حمله وحشیانه و پاکسازی قومی در اوکراین به خوبی

«ایران اتمی» با کدام الگو؟ کره شمالی؟! پر هزینه و بدون تضمین!

از آن رنج می‌برد، اهداف سیاسی توافق هسته‌ای بر فناوری اولویت دارد.

تا کنون به نظر می‌رسد تیم‌های مذاکره‌ای که پس از متوقف شدن مذاکرات علنی در وین به صورت مخفیانه گفتگو می‌کردند، نتوانسته‌اند راه حلی مناسب برای دو طرف آمریکا و جمهوری اسلامی ایران پیدا کنند، بنابراین احتمال بازگشت مذاکرات به نقطه صفر افزایش یافته و همزمان واشنگتن و تهران یکدیگر را به اعلام شکست مذاکرات در آینده

نزدیک تهدید کرده‌اند. هر دو مورد یعنی به «نقطه صفر رسیدن» یا «شکست مذاکرات» پیامدهای عمده‌ای برای منطقه و جهان در برخورد با رژیم ایران که نامتعهد به محدودیت‌های هسته‌ایست درپی خواهد داشت.مسئولان مراکز تصمیم‌گیری در تهران تلاش می‌کنند تا میان دستاوردهای توافقی هسته‌ای و برخورداری از توانمندی‌های هسته‌ای مقایسه‌ای انجام دهند چرا که فکر می‌کنند دستاوردهای توافق هسته‌ای موقتی خواهد بود و ممکن است دولتی مانند دولت دونالد ترامپ در آینده سر کار آید و این دستاوردها را از بین برود اما داشتن یک بمب اتمی برگ برنده‌ای برای تهران در آینده خواهد بود تا بتواند از طریق آن به خیال خودش حفظ نظام جمهوری اسلامی را تضمین کند.

اما پرسشی که پیش می‌آید و پیشتر در مقاله‌ای از ندیم فطیش نیز در شرق



پوستر تبلیغاتی کرملین بیرون سفارت سوئد در مسکو که می‌گوید سوئدی‌های معروف نازی بودند!

از این انگیزه و توجیه ایدئولوژیک بهره می‌گیرد. تلاش‌های پوتین برای رهایی استالین از مسئولیت در شعله‌ور شدن جنگ جهانی دوم، مدت‌ها پیش از زمینگیر شدن ارتش روسیه در جنگ ۲۲ فوریه ۲۰۲۲ اوکراین آغاز شده بود. او سال‌ها، ۹ از ماه مه ۱۹۴۵ که به «روز پیروزی» معروف است، برای پاک کردن و جعل تاریخ جنگ جهانی دوم استفاده کرده بود. در طول این رژه‌های هر ساله در میدان سرخ، هرگز نیامده که در طول دو سال آغاز جنگ جهانی دوم یعنی از دو شقه شدن لهستان در سپتامبر ۱۹۳۹ تا اواسط تابستان ۱۹۴۱ که هیتلر حملات بزرگ خود را به شوروی آغاز کرد، اتحاد شوروی مهمترین متحد آلمان نازی با صدها داد و ستد نظامی و اقتصادی بود. تازه پس از یورش آلمان نازی به شوروی بود که رهبران شوروی متوجه فاجعه همکاری خود با هیتلر شدند و تغییر موضع و جبهه داده و به اتحاد ضدنازی پیوستند که آلمان را مجبور به تسلیم در ماه مه ۱۹۴۵ کرد.

با چنین پیشینه‌ای، حالا بیش از دو ماه است که روسیه جنگ گسترده جدیدی را به راه انداخته و اینبار علیه اوکراین، همسایه غربی خود؛ آنهم با این ادعای واهی و بی‌پایه که گویا باید این کشور را «نازی‌زدایی» کند. در حالی که ولودیمیر زلینسکی رئیس جمهور اوکراین، خود یهودی تبار است! شاید دقیقاً به همین دلیل است که سرگئی لاوروف وزیر امور خارجه روسیه مجبور شد به یکی از جدیدترین ترندهای یهودستیزانه متوسل شود، زمانی که ادعا کرد فرقی نمی‌کند زلینسکی یهودی باشد، زیرا «خود



کیم جونگ اون، رهبر کره شمالی از نزدیک بر تست موشک‌ها نظارت می‌کند

الاوسط مطرح شد، این است که آیا حکومت ایران واقعاً می‌خواهد به توافق هسته‌ای بازگردد؟! مقامات تهران روز به روز به این باور نزدیکتر می‌شوند که ایران را به الگویی مانند رژیم کره شمالی و نه الگوی معمر قذافی تبدیل کنند یعنی از طریق ساختن بمب هسته‌ای از رژیم خود محافظت کنند و مانند قذافی توانایی‌های تولید سلاح‌های کشتار جمعی را تسلیم نکنند.

از اینجا می‌توان این پاسخ را فرض کرد که دستیابی رژیم ایران به سلاح کشتار جمعی به این معناست که ایران به توانایی‌های حفاظتی همه‌جانبه نیز دست یافته. همان کاری که دومین رئیس جمهور کره شمالی کیم جونگ ایل در مواجهه با مرحله انتقال داخلی مرتبط با تغییرات جهانی پس از سقوط اتحاد جماهیر شوروی انجام داد. وقتی رژیم می‌که او از پدرش به ارث برده بود در معرض خطر فروپاشی قرار گرفت، او به سرعت برای تولید بمب هسته‌ای تلاش کرد تا بتواند حکومت خود را در برابر هر گونه تهدید خارجی استوار و از آن محافظت کند. بنابراین مدل هسته‌ای کره شمالی برای رژیم تهران مفیدتر است تا مدل لیبی قذافی. جمهوری اسلامی فکر می‌کند با بمب می‌تواند در برابر فشارهایی بایستد که سعی در سرنگونی آن دارند. عملاً واقعیت‌های سیاسی داخلی ایران

کیهان

یهودیان اغلب بزرگ‌ترین ضدیهودیان هستند!» و «هیتلر نیز ریشه یهودی داشته‌است!»

اما اکنون حمله تبلیغاتی کرملین به سوئد نیزه کشیده شده است که فقط دو دلیل می‌تواند داشته باشد: یکی اینکه سوئد از جنگ میهن پرستانه مردم اوکراین حمایت کرده است. دوم اینکه سوئد در حال بررسی پیوستن به ائتلاف دفاعی ناتو است.

این حمله تبلیغاتی از طریق پوسترهای بزرگی انجام می‌شود که در ایستگاه‌های اتوبوس در نزدیکی سفارت سوئد در مسکو نیز نصب شده با این متن: «ما با نازیسم مخالفیم، اما سوئدی‌ها نه!» در کنار این شعار دروغین، تصویر چهره‌های مشهور مانند پادشاه گوستاو پنجم، اینگوار کامپراد بنیانگذار IKEA و اینگمار برگمان کارگردان مشهور سوئد و جهان دیده می‌شود!

ممکن است که این سه شخصیت در دوره‌هایی در مورد هیتلر سخنی گفته باشند اما سوئد با وجود این، یک کشور بی‌طرف بود و برخلاف اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی که طی دو سال یار غار آلمان نازی بود هرگز با آلمان هیتلری پیمان دوستی منعقد نکرد.

در این میان، نام استرید لیندگرن روی چنین پوستر تبلیغاتی بیش از همه باعث شگفتی می‌شود. چه کسی فکر می‌کرد که استرید لیندگرن نویسنده بسیار محبوب در روسیه که اتفاقاً در آن کشور به عنوان یک ضدنازی تمام‌عیار شناخته می‌شود، به عنوان هوادار هیتلر معرفی شود؟! این پوسترها به نقل قولی از دختر خاطرات دوران جنگ استرید لیندگرن متوسل شده‌اند که نوشته: «اگر قرار باشد روس‌ها به سوئد بیایند، ترجیح می‌دهم تا آخر عمر «هایل هیتلر» فراد بزنم تا آنکه روس‌ها سوئد را اشغال کنند. نمی‌توانم چیزی نفرت‌انگیزتر از این تصور کنم.»

با این حال، تبلیغاتچی‌های روس فراموش کرده‌اند که تاریخ ثبت این جملات از استرید لیندگرن اتفاقاً ژوئن ۱۹۴۰ است. درست همان زمانی که پیمان دوستی بین دو دیکتاتوری تمامیت‌خواه شوروی و آلمان همچنان حاکم بود و استالین و هیتلر برای هم «هایل» می‌گفتند و سلامتی آرزو می‌کردند!

***منبع: وبسایت خبرهای روز سوئد**
***نویسنده: مایکل وینیارسکی**
***ترجمه و تنظیم: فرامرز نوروزی**

با کره شمالی تفاوتی ندارد، اما تفاوت‌های جغرافیای سیاسی امکانات مانور رژیم ایران را کاهش می‌دهد که این به نوبه خود در شرایط داخلی بازتاب یافته و آن را بیشتر به سوی گزینه قهقربایی سوق می‌دهد. به ویژه که رژیم ایران در وضعیتی قرار دارد که باید از دو مرحله گذر کند: اول استقرار مجدد برای مرحله انتقال که راه را برای «ایران پس از خامنه‌ای» هموار می‌کند. دوم، انتخاب دولت تحت کنترل رژیم و سپاه پاسداران به عنوان نهاد سیاسی، نظامی و امنیتی تحت پوشش عقیدتی «بیت رهبری» برای بازگشت به نظامی با ماهیت یکپارچه جهت بقا در چارچوب تحولات بزرگ منطقه‌ای و بین‌المللی. بر همین اساس، تهران تلاش می‌کند ائتلاف‌های خود را بازتعریف و مواضع ژئواستراتژیک خود را طبق شرایط جدید به وبژه پس از جنگ اوکراین و روسیه تقویت کند. به این ترتیب تحولاتی که رژیم ایران را احاطه کرده، آن را بین دو گزینه قرار می‌دهد: یکی، آمادگی برای انطباق با متغیرهای خارجی که مستلزم دگرگونی‌های درونی است که بر شکل کلی نظام تأثیر می‌گذارد. دیگری، گزینه سنگر گرفتن کامل که مستلزم ادغام کامل سیاست‌های آن با متحدان سنتی (روسیه و چین) است که این گزینه نیز مستلزم فرآیند انزوای دولت و جامعه ایران مانند کره شمالی از کشورهای توسعه‌یافته جهان است با این تفاوت که موقعیت جغرافیایی و ماهیت و موقعیت مردم ایران به کلی با ماهیت و موقعیت مردم کره شمالی متفاوت است. ایران با هدف کشور همسایه است و نمی‌تواند مردم خود را از نظر اجتماعی، ایدئولوژیک و اقتصادی، فرهنگی و قومی متنوع از همسایگان خود جدا و منزوی کند. پس مدل کره شمالی برای تهران پرهزینه است و زمامداران جمهوری اسلامی نیازمند جستجو برای مدل‌های دیگرند.

***منبع: شرق الاوسط**
***نویسنده: مصطفی فحص**
***ترجمه و تنظیم از کیهان لندن**

- ۱- از خوانندگان معروف،
فراغوش‌نشدنی و فقید
ایران
- ۲- از بیماری‌ها خطرناک -
قسمتی از ویلون - ترس
- ۳- سوراخ و شکاف - درخشان
- ۴- نوعی پاپوش
- ۵- از نخست وزیران پیشین
ایران
- ۶- خسیس و ممسک - از
نزولات آسمانی
- ۷- از آنطرف و اعضا
داخلی بدن انسان است -

احمد خیامی از ایتالیا به اسپانیا رفت. در آن زمان کارخانه اتومبیل سازی فورد آمریکا در اسپانیا اتومبیل های کوچکی به نام «فی پستا» تولید می کرد که اسپانیایی ها به آن اتومبیل هزار و یک شب لقب داده بودند، علت این نامگذاری آن بود که گفته می شد که این کارخانه در هزار و یک روز ساخته شده است. خیامی این اتومبیل را هم پسندید و آن را در اولویت قرار داد. خیامی از اسپانیا راهی آلمان، فرانسه، انگلستان، سوئد و آمریکا شد. او از کارخانه های اتومبیل سازی فولکس واگن، مرسدس بنز، دکاو، پژو، سیتروئن، رنو و کارخانه روتس سازنده اتومبیل های هیلمن، آرو، اونجر و جاگوار بازدید کرد و بیش از همه مجذوب فولکس واگن و مرسدس بنز شد. یکی از دوستان و همکاران احمد خیامی که در این سفر او را همراهی می کرد می گفت: «احمد از این سفر تجربیات فراوانی اندوخت، او که تا این زمان فقط در شهرهای مشهد و تهران اقامت کرده و تعمیرگاه ها و کارگاه های این دو شهر را دیده بود، از مشاهده کارخانه های بزرگ اتومبیل سازی اروپا و آمریکا با ده ها و صدها هزار کارگر و کارمند چنان به هیجان آمده بود که دائم در حال برنامه ریزی بود که در ایران یک کارخانه اتومبیل سازی بزرگ تأسیس کند» در بازگشت به ایران اطرافیان خیامی انتظار داشتند اعلام کند که قصد مونتاژ فیات یا فی پستا یا ولوو یا یک اتومبیل آلمانی یا فرانسوی را دارد، اما وی می خواست اتومبیل «ارو» از محصولات کارخانه اتومبیل سازی «روتس» انگلستان را مونتاژ کند. «روتس» در آن زمان یک کارخانه اتومبیل سازی ورشکسته بود و خیامی در بازدید از آن کارخانه به تولیدات آن از همه کمتر امتیاز داده بود. یکی از دوستان نزدیک خیامی تعریف می کرد وقتی آن خبر را شنیدم گفتم: مگر خودت نگفتی «روتس» یک کارخانه ورشکسته است پس این انتخاب چه معنی دارد؟ او در حالی که در قیافه اش اثری از اندوه دیده می شد جواب داد: در زندگی انسان همیشه مختار نیست هر کاری را که می خواهد انجام بدهد. بعد بلافاصله اعتماد به نفس خودش را بدست آورد و گفت به زودی خواهی دید من این مدل ورشکسته را به یکی از معتبرترین اتومبیل های جهان تبدیل می کنم.

اولین کار احمد خیامی بعد از انتخاب اتومبیل انگلیسی آرو برای مونتاژ، تأسیس یک شرکت بود. شرکت نام و سرمایه می خواست. نامی که او برای کارخانه اتومبیل سازی اش انتخاب کرد ایران ناسیونال بود (که امروز به ایران خودرو تغییر نام داده است) و با آرم یا علامت گردونه ای باستانی که به وسیله اسب کشیده می شد. امروزه شاید کمتر کسی بداند چرا خیامی این نام را برای کارخانه اتومبیل سازی اش انتخاب کرده بود. یکی از همکاران سابق او در این باره چنین گفت: «بعد از شهریور ۱۳۲۰ و اشغال کشور به وسیله متفقین و آزادی فعالیت سیاسی، جوانان هم به سیاست علاقه پیدا کردند، اما بیشتر آنها به ویژه روشنفکران و افراد وابسته به طبقات محروم جامعه به عضویت حزب توده در آمدند. حزب توده یک حزب دست چپی متمایل به سیاست های اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بود. اما احمد خیامی با آن که از طبقات پایین جامعه بود و در جوانی محرومیت ها کشیده بود تمایلات ملی گرایانه داشت. به این سبب در شعبه مشهد حزب «ایران» نام نویسی کرد و در تمام سال های بعد از شهریور ۱۳۲۰ تا تابست و هشت مرداد ۱۳۳۲ که فعالیت احزاب آزاد بود در آن حزب فعالیت می کرد و چون جوانی ورزشکار بود بارها می شد او را در صف اول مبارزه بین احزاب و زد و خورد گروه های مختلف سیاسی دید. حزب ایران یک حزب کوچک ملی بود که رهبران و اعضای آن طرفدار دکتر محمد مصدق بودند و وقتی نهضت ملی کردن صنعت نفت آغاز شد، همگی به عضویت جبهه ملی در آمدند و در حقیقت ستون اصلی جبهه ملی را تشکیل دادند. بعد از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بسیاری از اعضای حزب ایران گرفتار، محکوم و زندانی شدند، اما احمد مشکلی پیدا نکرد، در زمان جوانی گمنام بود که بین مشهد و تهران فعالیت می کرد. بعد از ۲۸ مرداد به کلی از سیاست کناره گیری کرد اما تمایلات ملی گرایانه خودش را از دست نداد به این سبب وقتی برای کارخانه به دنبال اسم می گشت نام ایران ناسیونال



احمد خیامی

شرکت ایران خودرو – نام تحریف شده ایران ناسیونال – در معرض ورشکستگی قرار گرفته است. هم اکنون هزاران سهامدار این تأسیسات عظیم صنعتی ایران، نومیذانه در انتظار تشکیل مجمع عمومی سالانه ایران خودرو به سر می برند که قرار است با توجه به شرایط



شاهنشاہ آریامهر شخصاً اتومبیل پیکان را آزمایش می کنند

موجود دربارهٔ سرنوشت شرکت تصمیم بگیرد. سهام ایران خودرو که در ده سال گذشته یکی از ستاره های پرمشتری بورس بوده است از مدتی پیش در وضع نامناسبی قرار دارد و شرکت برای خروج از بحران، درخواست تسهیلات از شورای پول و اعتبار کرده است.

تاریخچه «پیکان» از روز اول ساخت

اطلاعاتی در مورد پدر صنایع اتومبیل سازی ایران (۲)

دکتر مصطفی المونی



محمود خیامی

نگاهی به سابقه تأسیس ایران ناسیونال و تحولات آن تا زمان روی کار آمدن رژیم جدید و مصادره انقلابی آن، بی گمان قطره اشکی را در گوشه چشم شما نیز خواهد نشاند.



یک تیم فوتبال تأسیس کند. فریدون معاونان، مهندس معمار صاحب نام که از آغاز با خیامی ها همکاری داشت و قسمت اعظم کارخانه های ایران ناسیونال و کارخانه های جنبی را در تهران، مشهد و اصفهان ساخته است در این باره می گوید: «ما به محمود خیامی گفتیم بیشتر باشگاه های فوتبال معروف اروپا متعلق به کارخانه های اتومبیل سازی هستند. مانند: یوونتوس، فیات، روتس، فولکس واگن و... محمود که به فوتبال علاقه زیادی داشت پیشنهاد را پذیرفت و ایران ناسیونال باشگاه اقبال را که به وسیله صنعتکاران و تاجیک قهرمانان سابق تأسیس شده بود، خریداری کرد و به توسعه آن پرداخت و به این ترتیب تیم پیکان به وجود آمد» اما موفقیت پیکان که حتی زمانی قهرمان کشور شده بود وقتی به اوج رسید که ستاره های تیم شاهین بعد از انحلال آن تیم صاحب نام به پیکان پیوستند. احمد خیامی بعد از انقلاب به تورنتو می رود. او سپس برای معالجه سرطان خود عازم لس آنجلس می شود. او قصد داشت کارخانه ای در مشهد تأسیس کند. در این زمان با وجود رسیدن به هفتاد سالگی و ضعف جسمی ناشی از بیماری با شور و نشاط جوانی کار می کرد. احمد خیامی در این زمان در یک آپارتمان کوچک دو اتاقه در لس آنجلس زندگی می کرد که با خانه سی و هفت هزار متری و دریاچه و جزیره اش در تهران قابل مقایسه نبود. یکی از دوستانش که چند روز قبل از مرگش با او دیدار کرده بود درباره این دیدار می گفت: «شنیده بودم ریه اش کار نمی کند، کبدش کار نمی کند، دچار سیروز کبدی شده و ریه هایش حالت اسفنجی پیدا کرده. ظاهرش هم با آن صورت تکیده، چشم های گود افتاده و جسم ضعیف، از پیشرفت بیماری خبر می دهد. اما بر خلاف جسم ضعیف، روحیه اش قوی بود. در این حال او شروع به یادآوری خاطرات گذشته کرد، ایامی که روزها به ماشین شویی می پرداخت و شبها بزرگترین آرزویش آن بود که به سینما برود اما چون پول خریدن بلیت را نداشت هر بار به نوعی خودش را به سالن سینما می رساند. گاهی پنهانی از در خروجی به داخل سالن می رفت و گاهی هم بلیت می خرید. یک بار که موفق نشده بود بلیت بخرد به بلیت فروش می گوید که مادرش سخت بیمار است و به او گفته اند دکترش به این سینما آمده اگر او را بر بالین مادر نبرد ممکن است مادرش بمیرد. بلیت فروش دلش به رحم آمده و او به این بهانه به سالن می رود و فیلم را از جال شرکت می کردند. احمد چند روز بعد شب می خوابد و دیگر بلند نمی شود. مراسم خاکسپاری احمد خیامی در مموریال پارک، گورستان ایست وود لس آنجلس در حضور چند تن از دوستان و خویشاوندانش برگزار شد. خبر درگذشت او خیلی زود به ایران می رسد، کارگران کارخانه ایران خودرو و کارخانه های دیگر و فروشگاه های قدس مراسم متعددی به تلافی مراسم ساده آمریکا به یاد او برپا می کنند. عده ای از کارگران تازه این موسسات که این همه تجلیل را نمی پسندیدند به عنوان آنکه او یک سرمایه دار طاغوتی بود تصمیم گرفتند مراسم را به هم بزنند. یکی از کارکنان قدیمی ایران ناسیونال با بیان جمله ای از یک نویسنده آنها را آرام کرد. او گفت «هیچ کس به مرده حسادت نمی کند به خصوص اگر مانند ما کارش را با کارگری شروع کرده و مانند هر کارگری ساده و غریبانه به خاک سپرده شده باشد»

محمود نیز اکنون بین انگلستان و آمریکا زندگی می کند. وی در تیرماه ۱۳۸۲ در همایش بزرگ صنعت ومعدن خراسان به عنوان پیشکسوت نمونه صنعت معرفی شد. ایشان در حال حاضر سرپرستی هیات امنای دانش نامه ایرانیکا در شهر نیویورک را بر عهده دارد و در آمریکا نمایندگی فروش بنز را دارد. ایران ناسیونال، در دوازده سال اول عمر خود، تنها کارخانه متعلق به بخش خصوصی بود که به عنوان یکی از نشانه های رشد صنعتی ایران، در برنامه بازدیدهای شاهان و رؤسای دولت های خارجی قرار می گرفت، اما در ربع قرن گذشته که به مالکیت و تحت مدیریت دولت درآمد، از «هیوندای»، همداد کراهی خود چندان عقب افتاد که همزمان با صادرات چند میلیارد دلاری هیوندای به آمریکا، پیکان به جرم ایجاد آلودگی و عقب ماندن از تکنولوژی روز، محکوم به مرگ شد.

ناسیونال برای تربیت تکنیسین در جاده قدیم کرج ۱۱- هنرستان بزرگ صنعتی مشهد ۱۲- بیمارستان بزرگ در مشهد که نیمه کاره ماند. ۱۳- مرکز مبارزه با سرطان در خیابان کوهسنگی مشهد ۱۴- احداث ۱۴ باب واحد آموزشی در ۱۴ شهر از استانهای خراسان توسط محمود خیامی ۱۵- احداث ۸ باب واحد آموزشی در شهر مشهد به نام امام هشتم توسط محمود خیامی ۱۶- شروع احداث ۱۱۰ واحد آموزشی روستایی به نام محمودیه در خراسان در اواخر سال ۱۳۵۱، زمانی که همه جا صحبت از موفقیت های برادران خیامی بود یک خبر باعث حیرت محافل اقتصادی شد. خبر این بود: «برادران خیامی بعد از سالها همکاری، از هم جدا شدند». اما آنچه این خبر را عجیب تر می کرد آن بود که کارخانجات اتومبیل سازی پیکان، اتوبوس سازی، مرسدس بنز به احمد برادر بزرگتر که موسس این تشکیلات عظیم بود نرسید بلکه سهم محمود برادر کوچکتر شد. احمد خیامی نیز با پولی که از ایران ناسیونال برایش مانده بود، ابتدا تعداد زیادی از سهام بیمه آسیا را خرید و سپس یک کارخانه مبل سازی به نام میلبران تأسیس کرد. او بعد از آن فروشگاه های زنجیره ای به نام های فردوسی، کوروش (قدس کنونی) و فروشگاه هایی در تهران و مشهد تأسیس کرد. محمود خیامی هم که حالا صاحب اختیار مطلق ایران ناسیونال شده بود توانست کار را توسعه دهد. اولین بیان رسمی که بعد از جدایی دو برادر در بهار ۱۳۵۴ منتشر شد، حاکی از موفقیت های کم نظیر ایران ناسیونال بود و نشان می داد که به صورت بزرگترین کارخانه صنعتی کشور در آمده است. به موجب آمارها، فروش تولیدات ایران ناسیونال در سال ۱۳۵۳ به ۱/۹ میلیارد تومان رسید و دارایی اش متجاوز از یک میلیارد تومان بود. این دارایی برای کارخانه ای که ۷ سال قبل با سرمایه ای بین ۱۰ تا ۴۰ میلیون تومان آن هم به صورت زمین و ماشین آلات تأسیس شده بود یک معجزه به حساب می آمد. فقط مالیاتی که کارخانه به دولت پرداخته بود، ۲۵/۹ میلیون تومان بود. فعالیت محمود خیامی به این حد محدود نمی شد. او مبلغ هنگفتی برای ساختن اتومبیل برقی سرمایه گذاری کرده بود و مشغول مذاکره با کارخانه مرسدس بنز آلمان برای مونتاژ مرسدس بنز ۱۷۰ هم بود. علاوه بر این تلاش می کرد برای صادرات پیکان و اتوبوس مرسدس بنز بازارهایی در اروپای شرقی و کشورهای همسایه پیدا کند. صادرات این اتومبیل ها و اتوبوس ها با وجود آن همه سر و صداها مقرون به صرفه نبود، چون قطعات آنها را با ارز معتبر وارد می کردند و بعد از مونتاژ در داخل کشور در مقابل ارز نامعتبر شوروی و اروپای شرقی یا معامله پایاپای با کالاهای

اتومبیل سواری و ۷ دستگاه اتوبوس و کامیون کار خود را شروع کرد. شاید هیچ کس تصور نمی کرد که این کارخانه در برابر تولید فراوان رقبای خارجی دوام آورد و در حالی که تولید سالانه خودرو سازان اروپایی و آمریکایی به چند میلیون می رسد، این محصول نوپا که از محصولات یک شرکت ورشکسته در انگلستان است بتواند در میان ایرانیان جا باز کند و روزهای شکوفایی را آغاز کند، اما اینگونه نشد. پیکان خیلی زودتر از آنچه تصور می شد، به میان مردم آمد و شد خودروی محبوب آنها. مردم ایران سوار پیکان شدند و تاریخ این خودرو آغاز شد. درست ۷ سال بعد این کارخانه در گزاشی با اعلام سرمایه خود شگفتی همگان را برانگیخت. در سال ۱۳۵۳ کارخانه طی گزارشی از وضع کار و سرمایه اعلام کرد که سرمایه اش به ۵۷۹ میلیون و ۱۲۵ هزار دلار رسیده است. شاید این اندازه توجه مردم به این خودرو اعجاب انگیز باشد، اما گویا ماجرا همان بود که احمد خیامی بعد از سفر پرماجرایی به کشورهای غربی گفت و اینکه با گذشت بیش از ۴۵ سال از زمان تأسیس آن شرکت ایران خودرو بزرگترین شرکت خودروسازی کشور می باشد که به طور متوسط ۶۵ تا ۷۰ درصد تولید خودرو داخل کشور را به طور دائم به خود اختصاص داده است. برنامه بعدی احمد و محمود خیامی تأسیس کارخانه ای در خراسان با زنجار بود. انتخاب خراسان به سبب علاقه این دو برادر به زادگاهشان بود، اما زنجار را به این علت انتخاب کردند که اولاً در مسیر جاده ترانزیتی بود و می توانستند قطعات اتومبیل را بسته بندی شده به آن جا بیاورند و مونتاژ کنند. از آن گذشته احمد خیامی با ذوالفقاری ها و خانوادۀ افشار دوستی داشت و در مورد واگذاری زمین و عرضه نیروی انسانی وعده هایی به او داده بودند اما فقط همین نبود. برادران خیامی در کنار مونتاژ اتومبیل سواری، اتوبوس، مینی بوس و آمبولانس یکی پس از دیگری موسسات بهداشتی و فرهنگی تازه افتتاح می کردند. برای آنکه به فعالیت های این دو برادر پی ببریم نام بعضی از کارخانه ها و موسساتشان را در اینجا می آوریم:

۱- کارخانه لاستیک سازی بریجستون ایران
۲- شرکت پیستون سازی ایران
۳- کارخانه پلی رنگ (تولید کننده رنگ اتومبیل)
۴- کارخانجات رضا در مشهد برای تولید سیر و رینگ اتومبیل (قطعات اتومبیل در حال حاضر)
۵- کارخانه جوش اکسیژن در مشهد با سهم ۲۵ درصدی ایران ناسیونال
۶- کارخانه ایدم در تبریز برای تولید موتور
۷- کارخانه فنر سازی در جاده کرج
۸- کارخانه تولید شن ریخته گری
۹- کارخانه تولید موتور اتومبیل برای تولید قسمت هایی از سیلندر و رینگ و پیستون اتومبیل
۱۰- هنرستان مدرسه صنعتی ایران

● **دادستان** محاکمه حمید نوری در استکهلم نتیجه‌گیری می‌کند به دلیل آنکه خود حکومت ایران بین اعدام زندانیان با عملیات نظامی مجاهدین ارتباط برقرار می‌کند و به دلیل آنکه عملیات مجاهدین با حمایت و همکاری حکومت عراق انجام شده، بنابراین باید شرایط حاکم بر مقطع کشتار ۶۷ را وضعیت جنگی دانست.

● **دادستانان**: «حتی اگر درگیری [فروغ جاویدان] غیر بین‌المللی بوده باشد، حمیدنوری باید به جرم جنایت جنگی در سال ۱۹۸۸ از نوع درجه یک محکوم شود.» ● **«حمید نوری باید بابت جنایت جنگی از نوع سنگین محکوم شود و همچنین بر طبق بند دو اتهامی هم باید محکوم شود و با توجه به بزرگی جرم‌های صورت گرفته فقط حبس ابد باید صادر شود، به همین خاطر باید در بازداشت بماند تا فرار نکند و محدودیت‌ها همچنان پابرجا باشد…»**

حنیف حیدر نژاد- روز ۲۶ و ۲۷ آوریل ۲۰۲۲ دادستان پرونده حمید نوری در استکهلم، دادخواست پایانی خود را ارائه و برای حمید نوری (حمید عباسی) به دلیل مشارکت او در کشتار زندانیان سیاسی در تابستان ۱۳۶۷ اشد مجازات، یعنی حبس ابد درخواست کرد. کیفرخواست دادستان بر پایه نقض قوانین بین‌المللی در حفاظت از جان زندانیان تحت عنوان «جنایت جنگی» و «قتل عمد» تنظیم شده است. جلسه آخر دادگاه روز سوم ماه مه برگزار شده و به دفاعیه وکلای حمیدنوری اختصاص دارد. انتظار می‌رود شش تا هشت هفته بعد از آن دادگاه حکم خود را صادر کند. در ۴۳ ساله عمر حکومت اسلامی در ایران، این نخستین بار است که در خارج از ایران و بر اساس قوانین بین‌المللی یکی از عاملین اعدام زندانیان سیاسی دستگیر و محاکمه می‌شود. از این رو دادگاه حمید نوری در استکهلم برای ایرانیان و جنبش دادخواهی در ایران یک تجربه کاملاً جدید بوده و شناخت جنبه‌های مختلف آن آموزنده است. نوشته حاضر با این نگاه به برخی موارد مهم دادخواست پایانی دادستان پرونده حمید نوری می‌پردازد. تیم دادستانی پرونده حمید نوری در دادگاه استکهلم متشکل از چهار زن حقوقدان به سرپرستی لینه‌هوف کارلسون است.

حقیقت‌یابی و اثبات جرم در نبود اسناد چگونه ممکن است

۳۳ سال پس از کشتار زندانیان سیاسی در تابستان ۱۳۶۷ و در حالی که به اجساد اعدام‌شدگان و محل دفن آنها دسترسی وجود ندارد و در حالی که فرد مورد اتهام (حمید نوری) همه چیز را انکار می‌کند، چگونه می‌توان وقوع آن جنایت را در یک دادگاه بین‌المللی به اثبات رساند؟ روش دادستان در این مورد بر چهار پایه استوار بوده است:

— آدله اثباتی شفاهی: شامل شهادت شاهدین (جان به دربرداگان و افراد خانواده اعدام‌شدگان) و نیز سخنرانی یا مصاحبه‌های نامبردگان تا قبل از دستگیری حمید نوری

— آدله کتبی: شامل همه اسناد و آثار چاپی یا نوشتاری مرتبط با کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ چه مربوط به حکومت، مخالفین حکومت، سازمان‌های سیاسی، سازمان‌های حقوق بشری، رسانه‌ها، جان به دربرداگان و افراد خانواده اعدام‌شدگان

— نظریه کارشناسی کارشناسان مختلف و پاسخ کتبی و توضیح شفاهی آنها در مورد موضوعات مشخص — تجزیه و تحلیل داده‌ها و استدلال حقوقی برای بهم ربط دادن همه اجزای بالا در باورپذیری ادعاها و تأیید و اثبات ادعاهای دادستان

پرسش‌های تعیین کننده دادستان

بر پایه روش بالا، دادستان تلاش کرد تا در دفاعیه پایانی خود به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

— آیا اصلاً آنچه به آن کشتار زندانیان

سیاسی در مرداد و شهریور ۱۳۶۷ گفته می‌شود اتفاق افتاده است؟

— آیا اعدام و کشتار زندانیان سیاسی در این مقطع شامل زندان گوهردشت (رجائی‌شهر) می‌شود؟

— آیا متهم، یعنی حمید نوری، همان حمید عباسی است؟

— آیا حمید نوری در زمان اعدام‌ها در زندان گوهردشت فعال بوده است؟

— مسئولیت و نقش و سمت حمید نوری در زمان اعدام‌ها در زندان گوهردشت دقیقاً چه بوده است؟

— کشتار زندانیان سیاسی در تابستان ۱۳۶۷ در زندان گوهردشت به لحاظ حقوقی مصداق نقض کدام قوانین بین‌المللی است و چرا؟

— اعلام جرم و کیفرخواست و درخواست مجازات بر پایه کدام قوانین بین‌المللی و در انطباق با کدام قوانین کشور سوئد مجاز بوده و می‌تواند مصداق داشته باشد؟

ملاحظه می‌شود در شرایط فقدان دسترسی به پیکر اعدام‌شدگان و محل دفن آنها، کار تیم دادستانی چقدر سخت و دشوار است. دادگاه با توجه به ظرفیت و محدودیت‌های خود ۳۵ شاکی و ۲۶ شاهد و حدود ۱۰ کارشناس را دعوت و از آنها بازپرسی کرد. در زیر بطور مختصر به مهمترین نتیجه‌گیری‌ها و روش استدلالی دادستان در دفاعیه پایانی اشاره می‌شود.

گوهردشت، «کارخانه کشتار»

دادستان در بخشی از صحبت‌هایش در پاسخ به اینکه آیا کشتار زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ واقعیت دارد، می‌گوید:

«اعدام‌های جمعی در سال ۱۹۸۸ بخصوص در زندان گوهردشت اتفاق افتاده است. شهادت شاهدان ما هم این را تأیید می‌کند. . . . شواهد قوی برای وقوع اعدام‌ها در زندان گوهردشت وجود دارد و برخی کارشناسان که در دادگاه شهادت دادند، زندگیشان را روی این موضوع گذاشته‌اند. این کارشناسان متفق‌القول اذعان کردند که این اعدام‌های دستجمعی انجام شده‌اند. هم موج اول و هم موج دوم. همچنین ما ادله کتبی فوق‌العاده گسترده‌ای از تاریخ ایران داریم. از سازمان ملل، از سازمان‌های غیردولتی از جمله سازمان عفو بین‌الملل، بنیاد عبدالرحمن برومند، ایران تریبونال . . . این اطلاعات واثق هستند و پیش از آنکه ما به اطلاعات مشخص درباره حمید نوری بپردازیم، تأکید می‌کنم که هیچکس در مورد وقوع این اتفاقات در زندان‌ها از جمله زندان گوهردشت تردیدی ندارد.

[در آزمون] گوهردشت به کارخانه کشتار تبدیل شد که سیستم برای این کار به یک سازماندهی مناسب نیاز داشت.

در طول اولین موج اعدام‌ها برداشت ما این است که گروه‌های کوچک با نفرات خاصی را برای اعدام و نزد هیئت بردند، یعنی فرد به فرد به بند می‌روند و انتخاب می‌کنند، اما بعداً همه را با هم می‌برند. اجرا گذاشتن این دستور که تعداد کمی را بکشند چالش سختی برای زندان و مدیریتش بوده و این مشخص است که بعضی روزها نرسیده‌اند، مضاف که بعضی وقت‌ها هیئت تا دیروقت با آنها بوده. بعضی وقت‌ها زندانی‌ها را چندین بار می‌برند نزد هیئت مرگ تا تصمیم بگیرند یا آنها زنده بمانند یا نه.»

تمرکز برای زنده ماندن

همانطور که یک کارخانه ریل تولید دارد، ماشین کشتار گوهردشت ریل انهدام برپا کرده بود. دادستان به تشریح مراحل مختلف این انهدام پرداخته و آنرا چنین توضیح می‌دهد:

«وظایف کاری این بود، بردن افراد نزد هیئت مرگ و بعد به راهروی مرگ ببرند، اسامی آنها را بخوانند و مواظبشان باشند و بعد اطلاعات کتبی و شفاهی به هیئت داده شود و بعد به جای درست ببرند که در راهرو بنشیند و بعد از جازنامه را بنویسند و بعد به صف کنند و آماده کنند برای اعدام و بعد هم اجساد آنها را منتقل کردند. و تمام این وظایف کاری مدام تکرار می‌شود وقتی که هیئت مرگ در گوهردشت بود. این وظایف اتوماتیک شده بود و توسط افرادی که شهادت دادند مشخص شده است. . .

نگاهی به دادخواست پایانی دادستان پرونده حمید نوری



این طرح از سوی سیامک نادری زندانی سیاسی سابق که در جلسات دادگاه حضور داشته در اختیار کیهان لندن قرار گرفته است

بسیاری از این افرادی که شهادتشان را شنیدیم خودشان فعالانه شنیدند و وقتی زندانیان‌ها سرشان شلوغ بوده سعی کرده‌اند ریسک کنند با هم صحبت کنند تا ببینند چه اتفاقی افتاده است.»

دادستان سپس شرایط روحی زندانیان را تشریح کرده و توضیح می‌دهد چطور از زمانی که آنها فهمیدند قرار است اعدام شوند، مبارزه آنها برای بقا شروع شد: «اولین سری از زندانیان] بسیار فعال بودند که بدانند در محیط اطرافشان چه می‌گذرد و دومین و سومین بار کاملاً آگاه بوده‌اند ماجرا چیست؛ بنابراین تمرکزشان را گذاشته‌اند روی زنده ماندن. مشخص است حتی کارمندان زندان هم خیلی سرشان شلوغ بوده وقتی که هیئت به زندان آمده است. افرادی که اینجا آمدند گفتند مسئولیت به اجرا گذاشتن دستور خمینی با هیئت مرگ و ناصریان، لشکری، حمید عباسی و غیره بوده‌اند.»

انکارهای حمید نوری

دادستان می‌گوید «حمید نوری ادعا می‌کند که او اصلاً در زندان گوهردشت کار نمی‌کرده و هنگام وقوع اعدام‌ها در مرخصی ازایمان همسر] بوده و چون دخترش ۱۰ مرداد ۶۷ به دنیا آمده، او به مدت چهار ماه به مرخصی رفته است. او می‌گوید که اصلاً در محل نبوده است اما ما نتوانستیم در این مورد تأییدیه‌ای بگیریم از جایی.»

دادستان تأکید کرد که حمید نوری از شروع موج اول اعدام‌ها (۸ تا ۲۵ مرداد) تا پایان موج دوم اعدام‌ها (۵ تا ۱۱ شهریور) در زندان گوهردشت حاضر و در اجرای اعدام‌ها مشارکت داشته است. دادستان با برشمردن تک تک روزهایی که هیئت مرگ در زندان گوهردشت بوده، به گفته شاکیان و شاهدین در دادگاه استناد کرده که در هر کدام از آن روزها چه افرادی چه خاطره‌ای در مورد حمید نوری را در دادگاه تعریف کرده‌اند.

دادستان می‌گوید: «ما ثابت کردیم [حمید نوری] ۷ مرداد آنجا از زندان] بوده تا کارهای مقدماتی را انجام دهد و حسین فارسی این را دیده و سیامک نادری هم می‌گوید ناصریان و حمید نوری به فرعی آمدند تا زندانیان را بررسی کنندو عبدالرضا شهاب شکوهی می‌گوید آمدند تلویزیونشان را ببر. تمام مدارک با هم جور در می‌آیند و ثابت می‌کنند ۸ مرداد اعدام‌ها شروع شده و بله حمید نوری هم حضور داشته. در روز اول اعدام‌ها حمید نوری را هم دیده‌اند. . . مشاهدات چندین نفر از شهود نشان می‌دهد که ۸ مرداد حمید نوری را دیدند، از جمله نصرالله مرندی که دیده بود نوری به بند می‌آید تا چندین زندانی را ببرد. . . . به واسطه شهادت شهود و اسناد کتبی، ثابت شده است که ایرج مصداقی، نصرالله مرندی و مجید اتابکی در ۲۲ مرداد در راهروی مرگ بودند و همه آنها تعریف کرده‌اند که حمید نوری هم آنجا بوده و توضیح مشخص داده‌اند. پس نوری در اعدام‌های آن روز هم مشارکت داشته است و قضاوت ما این است که ۲۵ مرداد اعدام‌ها قطع شده است. این یعنی آخر موج اول اعدام‌ها. . . . بعد از اینکه هیئت مرگ از زندان می‌روند اعدام‌ها هم متوقف می‌شوند، ایرج مصداقی و نصرالله مرندی آن روز هم حمید نوری را دیده‌اند ولی یادشان نمی‌آید که آن روز نوری کار خاصی کرده باشد. رمضان فتحدی هم آنجا بوده و می‌شوند که تلفن زنگ می‌خورد

نگاهی به دادخواست پایانی دادستان پرونده حمید نوری

را در معرض سوال و بازجویی پلیس بگذارند و بعد به شکل آگاهانه دروغ بگویند تا شخصی بی‌گناه محکوم بشود برای این ادعاها. برعکس! این روند به این معنی‌ست که ۳۰ سال زحمت و کارشان برای رسیدن به عدالت را ناکام بگذارند.

اینکه حمید نوری ادعا می‌کند این اتفاق افتاده و همه این افراد علیه او همکاری کرده‌اند قابل باور نیست. در روند رسیدگی به این پرونده مشخص شد که بین خود این افراد آشاهدان و شاکیان] هم اختلافات، مشکلات و بعضاً درگیری‌هایی وجود دارد. این را آشکارا در رسانه‌ها نشان داده‌اند و به هم نمره منفی می‌دهند. باز هم طبق برداشت ما این نشان می‌دهد همکاری بین این افراد عملاً غیرممکن بوده است. این افراد عقاید مختلف دارند اما با وجود این بر سر این مسئله اتفاق نظر دارند و می‌گویند حمید نوری بوده که این کارها را کرده و در اعدام‌های سال ۱۹۸۸ شرکت داشته.

ما می‌گوییم چیزی در این پرونده وجود ندارد که نشان بدهد این افراد رفته‌اند با هم ساخت و پاخت کرده‌اند تا بیایند یک چیز جعلی تعریف کنند؛ در مورد همه اتفاق‌ها، طبق برداشت ما اصلاً همه حرف‌هایشان هم با هم جور نبوده تا بیایند یک تصویر واحد بدهند و یک چیز را تعریف کنند. . . . ما می‌گوییم این تناقض‌ها هم اتفاقاً نشان می‌دهند که قرار و مداری میان افراد گذاشته نشده بوده. منظور ما این است که خیلی از حرف‌های مطرح شده در مورد حمید نوری از زبان شاهدان متفاوت بوده است و اگر هم شک داشته‌اند در مورد موضوعی، آن تردید را بیان کرده‌اند. کسانی بوده‌اند که گفته‌اند اصلاً حمید نوری را به خاطر نمی‌آورند. برخی افراد گفتند عدای هم او را به عنوان حمید نوری شناسایی کردند. وقتی همه اینها را کنار هم بگذاریم، آنوقت اینکه حمید نوری را به دروغ در صحنه‌ای مطرح شده گذاشته‌اند و ماجرا را تعریف کرده‌اند، با عقل جور در نمی‌آید. افرادی که بازپرسی شدند تعریف کردند که نوری در دادگاه شرکت داشته و در مصاحبه و . . . در جای دیگری اسم او را نیاوردند. . . . حالا باید بگوییم اولاً تمام سیر و مسیر جریان به حمید نوری برنمی‌گشته و برنمی‌گردد. اینجا از افراد زیادی نام برده شد که اصلی‌ترین آن ناصریان است و بعد لشکری. این دو نفر را تقریباً همه گفته‌اند. . . . بعد بین چیزی که گفته شده و آنچه نوشته شده هم تفاوت‌هایی وجود داشت. تفاوت در بازپرسی در دادگاه و بازجویی نزد پلیس] که در این مورد اغلب توضیحات قانع کننده‌ای وجود داشت و ارائه شد؛ مطابق برداشت ما.»

با آنچه در بالا آمد مشخص می‌شود که اهمیت آدله اثباتی شفاهی و کتبی تا کجاست. همچنین مشخص می‌شود چگونه دادستان موفق می‌شود اختلاف نظر شاهدین و شاکیان و گفته‌های متفاوت آنها را که می‌تواند در نظر اول تناقض محسوب شده و مشکل‌ساز به نظر آید با استدلال حقوقی به دلیلی برای قابل باور بودن گفته‌های شاکیان و شاهدین تبدیل می‌کند.

تجزیه و تحلیل و استدلال حقوقی

در بخش پایانی، دادستان به تحلیل حقوقی پرداخته تا چند موضوع را روشن کند: چرا کیفرخواست بر پایه جنایت جنگی و قتل عمد تنظیم شده؛ حقوق بین‌الملل در این مورد چه می‌گوید؛ انطباق این موضوع با قوانین سوئد چگونه است و سرانجام اینکه مجازات حمید نوری چه باید باشد.

ارتباط کشتار زندانیان با عملیات «فروغ جاویدان» مجاهدین

دادستان تأکید دارد که از نظر خود او در اساس ربطی بین عملیات نظامی سازمان مجاهدین موسوم به «فروغ جاویدان» و زندانیان هوادار این سازمان وجود نداشته و حکومت در هر حال مسئول تأمین حفاظت جان آن زندانیان بوده است. او می‌گوید: «اعضای از زندانی] مجاهدین تابعیت ایرانی دارند و این قانون به عرف عمومی تبدیل شده است و دیگر مهم نیست ایران این قانون را پذیرفته که اجرا کند یا نه، در ژنو تصویب شده و ماده‌هایی دارد که گرانتی و تضمین می‌دهند که نباید کنسی بر اساس قوم، نژاد و غیره کشته شود و دیگر گفته

صفحه ۱۵ – Page 15 – شماره ۱۸۲۶

جمعه ۶ تا پنجشنبه ۱۲ مه ۲۰۲۲

نشده باید تابعیت افتاده باشد؛ مهم این است آبه عنوان زندانی] دست کسی دیگری افتاده است و باید محافظت شود و دیگر تابعیت آنها مهم نیست، همه می‌دانند [ازدانی‌های] مجاهدین در دست [حکومت] ایران بودند و در این دیگر شکي نیست و همچنین ربطی هم به منازعه [فروغ جاویدان] نداشتند ولی اعدام‌شان ارتباط دارد و این هم کاملاً مشخص است و تازه آنها در زندان بودند و نمی‌توانستند در دیگری نقشی داشته باشند، اما اعدام شدند. . . .»

با وجود این دادستان تأکید می‌کند، حکومت ایران بین آن عملیات و زندانیان رابطه می‌دیده است: «آبت‌الله خمینی برداشتش این بوده که تمام افرادی که زمانی ”طرفدار چلچراغ“ یعنی مجاهدین بوده‌اند باید به مرگ محکوم بشوند چون دشمن اسلام هستند و دشمن اسلام بایستی بلافاصله از بین برده شود. از آن روش‌هایی هم که ضروری است باید استفاده شود تا این مجازات‌ها هرچه سریع‌تر انجام شوند. اسم او هست، مهر او هم هست اما تاریخ ندارد. به نظر می‌رسد روز ۲۸ جولای سال ۱۹۸۸ صادر شده باشد که نزدیک به همان حمله فروغ جاویدان است که در مقابلش عملیات مرصاد انجام شده است. . . . جفری رابرتسون هم می‌گوید برنامهریزی برای این اعدام‌ها وجود داشته یعنی دو هفته قبlish کم‌کم شروع شده، زمانی که عملیات چلچراغ رخ داده است. باید توجه داشته باشیم که ۳ روز بعد از فروغ جاویدان اعدام‌ها شروع می‌شود و مهم‌ترین رابطه هم همین فتوا است و فتوا هم خطاب به دشمن است، یعنی مجاهدین. این حقیقت است که مجاهدین یک جنگ را به صورت سنتی شروع کرده‌بوند [عملیات مسلحانه علیه رژیم]، و یکی از دلایل فتوا هم همین است. . . . ریکی جمهورئ ایران هم حتی اعتراف کرده که حق کسانی بوده که با منافقین همکاری دارند اعدام شوند، در نتیجه مدارک بسیار زیاد است و این رابطه مشخص است که عملیات فروغ جاویدان ربط مستقیمی با اعدام‌ها داشته است. یعنی زندانیان مجاهدین مجازات شدند به خاطر کاری که شاخه نظامی مجاهدین انجام داده بود و رژیم این کار را انجام داد چون می‌دید برای این کار حمایت مردمی را هم دارد.»

دادستان نتیجه‌گیری می‌کند به دلیل آنکه خود حکومت ایران بین اعدام زندانیان با عملیات نظامی مجاهدین ارتباط برقرار می‌کند و به دلیل آنکه عملیات مجاهدین با حمایت و همکاری حکومت عراق انجام شده، بنابراین باید شرایط حاکم بر مقطع کشتار ۶۷ را وضعیت جنگی دانست. نوع این وضعیت جنگی می‌تواند از نوع درگیری بین‌المللی (جنگ دو یا چند کشور با همدیگر) یا درگیری غیربین‌المللی (درگیری نظامی نیروهای شبه‌نظامی با یک حکومت دیگر) باشد. در هر دو حالت، حکومت ایران بر اساس قوانین بین‌المللی موظف به تأمین جان زندانیان بوده و در نتیجه اعدام زندانیان در آن شرایط نقض قوانین بین‌المللی محسوب شده و مصداق جنایت جنگی است.

دادستان تأکید می‌کند که هم وکلای حمید نوری و هم وکیل سازمان مجاهدین این استدلال را قبول ندارند: «می‌خواهم بگویم ارتباطی بین درگیری مسلحانه بین‌المللی بین ایران و عراق جریان داشت و مجاهدین هم بخشی از این مجادله بود اما یک درگیری غیر بین‌المللی هم بین آنها وجود داشته است. وکیل مدافع حمید نوری این را رد می‌کند، همچنین کنت لويس (وکیل از سوی شاهدان و شاکیان مجاهدین) هم همین درخواست را دارند و درک می‌کنم مجاهدین هم نمی‌خواهند چنین تلقی شود؛ چون عراق دشمن ایران بوده، اما این چیزها نمی‌تواند روی قضاوت تعیین کننده تأثیر داشته باشد.»

دادستان در ادامه توضیح می‌دهد به چه دلیل باید عملیات «فروغ جاویدان» مجاهدین را بخشی از یک درگیری بین‌المللی یا غیر بین‌المللی دانست و اینکه این نتیجه‌گیری در رابطه با پرونده حمید نوری چه اهمیت حقوقی دارد را چنین توضیح می‌دهد:

«برای اینکه بتوانیم این درگیری بین‌المللی را بررسی کنیم، باید ببینیم شرایط لازم وجود دارد یا نه. . . . منابعی که ما داشتیم شاخه نظامی مجاهدین [ارتش آزادیبخش] را تشخیص داده‌اند که چقدر قوی بوده و حمله‌هایی که مجاهدین در آن حضور داشتند شرایط لازم را در این منازعه داشته‌اند. . .

نگاهی به دادخواست پایانی...

یان کلفت‌ر برای ما نظر کارشناسی داد و تایید کرد مجاهدین از لحاظ سازمانی شرایط لازم را دارد و او به فرماندهی مجاهدین و تشکیلات سازمانی را بررسی کرد و دسترسی آنها به اسلحه و مهمات را بررسی و همچنین قدرت اجرایی و نظامی آنها را بررسی کرد. یان کلفت‌ر تایید می‌کند که شدت این خشونت‌های نظامی هم وجود داشته و اشاره می‌کند تعداد کشته شده‌ها خیلی بالا بوده و به شیوه استفاده از اسلحه اشاره می‌کند و شدت عملیات نظامی در فروغ جاویدان و پاتک عملیات مرصاد را بررسی کرد و گفت کاملاً شرایط لازم وجود دارد و یک کارشناس دیگر هم همین را تایید کرد از جمله اریک داوید که کنت لوئیس به او استناد کرد هم گفت که یک درگیری مسلحانه محلی بالاخره در جریان بوده.

... محرز است درگیری بین ایران و عراق وجود داشت، آیا این اعدام‌ها ربطی به این درگیری مسلحانه داشته یا نه؟ اگر بگوییم ۲۰ جولای ایران و عراق آتش بس (قرارداد ۵۹۸) امضا کردند اما عملاً تا ۲۰ آگوست اجرا نشد، یعنی آتش‌بس واقعی بعد از اعدام زندانیان به اجرا در آمد. ما قبلاً هم در شرح وقایع گفتیم که این آتش‌بس شد ولی خود درگیری و منازعه هنوز تمام نشده بود بلکه به مراتب مدتی بعد از آتش‌بس هم این منازعه ادامه پیدا کرد. منابعی که در مورد جنگ ایران و عراق داشتیم این را اثبات می‌کند، در درجه نخست کتاب آنتونی کورتمن، درس‌هایی از جنگ مدرن این حرف ما را ثابت می‌کند که یک درگیری بین‌المللی در زمان اعدام‌ها وجود داشته و بعد از اینکه مجاهدین مجبور به عقب‌نشینی شدند، یان کلفت‌ر اشاره کرده که یک ثبات نسبی برقرار شد، هم از لحاظ سازمانی و هم از لحاظ شدت درگیری. اگر دادگاه نگاه کند، در تمام این مدت درگیری تمام نشده بود، کمی وضعیت تثبیت شده بود، اما اعدام‌ها زمانی آغاز شد که مجاهدین به دلیل پاتک ایران مجبور به عقب‌نشینی شدند و نشان می‌دهد یک درگیری در آغاز اعدام‌ها وجود داشته است. حتی اگر درگیری هم تمام شده بود باید تا حدی از محافظت برای زندانیان و شهروندان رعایت می‌شد و صدق می‌کند افرادی که اسیر شوند و یان کلفت‌ر اشاره کرده است. برای اینکه بتوانیم تعیین کنیم آیا این اعمال انجام شده ربطی به منازعه بین‌المللی و محلی داشته یا نه به منابع و نظریه‌ها رجوع کردیم تا ببینم همکاری بین مجاهدین و عراق تا چه حدی بوده و این اطلاعات را در دسترس کارشناس‌هایمان قرار دادیم و خودمان هم اطلاعاتی جمع‌آوری کردیم که به نظریه کارشناسی آنها منجر شد و درک ما این است که آنها بر اساس دلایل متقنی نظریه کارشناسی خودشان را ارائه کردند و برای مدت طولانی همکاری بین مجاهدین و عراق وجود داشته و به مرور زمان گسترش پیدا کرده است. به خصوص در حملاتی که انجام شده می‌توان این همکاری را دید.»

دادستان ادامه می‌دهد: «عملیات فروغ جاویدان نشان می‌دهد که مجاهدین و عراق با هم مشارکت داشتند و مجاهدین روی زمین و ارتش هوایی عراق هم آنها را حمایت می‌کردند. ۲۹ و ۳۰ ژوئن همان سال با پاتک ایران در عملیات مرصاد مجبور به عقب‌نشینی می‌شوند و منجر به کشته شدن بسیاری از نیروهایش شد. فیلیپ هم گفته این یک عملیات مشترک بین مجاهدین و عراق بوده با حمایت وسیع نیروی هوایی عراق، منتها نیروی هوای عراق به اسلام آباد غرب نیامدند، و وقتی مجاهدین داخل ایران پیشروی می‌کنند نیروی نظامی ایران به آنها حمله می‌کند. آنتونی کورتمن می‌گوید عراق اجازه داد نیروهای مجاهدین از عراق وارد ایران شوند و نشان می‌دهد عراق روی مجاهدین کنترل داشته و مجاهدین از لحاظ لجستیکی حمایت دریافت کرده‌اند. کورتمن می‌گوید این عملیات یک آزمایش بوده هم برای صدام حسین و هم برای رهبران مجاهدین که آیا می‌توانند یک شورش همه جانبه در ایران برپا کنند یا نه و طبق نظر من، کورتسمن هم همین برداشت را تایید می‌کند که عراق و مجاهدین برنامه مشترک داشتند. بنابراین نشانه‌های زیادی وجود دارد که این برنامه مشترک و هماهنگ شده بوده و آنالیزی هم وجود دارد که نیروهای عراقی در مرز نیروهای خود را تقویت کرده بودند. بهار و تابستان

ادامه از صفحه ۱۵

هر حمله دقیقه به دقیقه‌اش برنامه‌ریزی شده بود تا بهترین حمله را انجام بدهند. مجاهدین فاقد سیستم بمباران مثل ارتش عراق بود و من می‌گویم حمله‌های مجاهدین با اعتماد به همکاری نیروهای نظامی عراق بوده است... [لانگورث] سالی و آیان] کلفت‌ر آن را بررسی کردند که مجاهدین از لحاظ بودجه و سلاح کمک گرفته‌اند و این برای قضاوت خیلی مهم است که آیا کنترلی وجود داشته یا نه؟ باید البته نشانه‌های دیگر هم وجود داشته باشد، منظور کلفت‌ر این است همکاری فشرده و حمله‌های زیاد مشترک با عراق داشته‌اند. هم یان کلفت‌ر و هم سالی اشاره می‌کنند که مجاهدین بنا به اطلاعات عراق همکاری بین‌شان وجود داشته و سالی می‌گوید هماهنگی بین آنها وجود داشته است. همه اینها نشان می‌دهد مجاهدین نمی‌توانستند تنهایی این حمله‌ها را انجام دهند و به عراق وابسته بودند و همزمان برای عراق هم سود داشته است. آوه پرینک هم همین را گفته است.»

جنایت جنگی و در خواست حبس ابد برای حمید نوری

دادستان بر اساس اطلاعات کارشناسی بالا نتیجه‌گیری می‌کند: «بر اساس مستندات موجود و نیز نظریاتی که کارشناس‌ها ارائه داده‌اند اعدام زندانیان ربط داشته با درگیری بین ایران و مجاهدین و این منازعه بخشی از یک منازعه بین‌المللی بوده است... اگر دادگاه به این نتیجه رسیده که درگیری غیر بین‌المللی بود ما خواسته دوم‌مان را داریم و می‌گوییم ماده ۲۲۶ باز صدق می‌کند که دلالت دارد بر اجرای کمترین حفاظت بر اساس قانون عرف و اگر خلاف آن عمل شود باید مجازات شود.» دادستان به اختلاف نظر دو نفر از کارشناس‌های دادگاه در این مورد پرداخت و در نهایت گفت ماده ۲۲۶ در این زمینه صدق می‌کند حتی اگر درگیری غیر بین‌المللی بوده باشد، حمید نوری باید به جرم جنایت جنگی در سال ۱۹۸۸ از نوع درجه یک محکوم شود.

دادستان در پایان به مسئولیت حمید نوری پرداخت و گفت: «ما در مورد جرم‌هایی مانند شکنجه صحبت می‌کنیم، شکنجه فقط جسمی نیست، روحی هم هست که باعث زجر می‌شود، لازم هم نیست اثبات کنیم چون مسئولیت مجازات مشخص است باعث زجر روحی شده مثلاً وقتی کسی را به جایی می‌برند که نشان می‌دهد تو و هم‌بندی‌هایت قرار است اعدام شوید و همین باعث ترس شدید می‌شود و باید آن را شکنجه دانست و جزو رفتارهای غیرانسانی است، بنابراین حمید نوری باید بابت جنایت جنگی از نوع سنگین محکوم شود و همچنین بر طبق بند دو اتهامی هم باید محکوم شود و با توجه به بزرگی جرم‌های صورت گرفته فقط حبس ابد باید صادر شود، به همین خاطر باید در بازداشت بماند تا فرار نکند و محدودیت‌ها همچنان پابرجا باشد...» دادستان همچنین افزود «فرآیند هیئت امرگ] اگر در دادگاه اعلام شود، مشخص است که کشتن آنها [زندانیان] عادلانه نبوده و غیرقانونی بوده و حتی کارکنان زندان سعی کردند زندانیان را گول بزنند و گفتند هیئت عفو است تا نتوانند درست توضیح بدهند. حتی تعدادی از کارشناس‌ها هم گفتند که در چهارچوب قانون هم نبوده و دادگاه‌های انقلاب هم که حقوق بشر را رعایت نمی‌کنند باز چنین کاری نکردند؛ نامه منظری مخالفت می‌کند و می‌گوید زندانیانی هستند که حکم دریافت کردند چرا این کار را می‌کنید؟ نتیجتاً نمی‌توانیم حمید نوری را معاف کنیم، بلکه برای این قتل‌ها متهم است و باید علاوه بر این قتل‌ها برای جنایت جنگی هم محکوم شود، چون یک جنگ بین‌المللی جریان داشته و ماده ۶ بین‌المللی اینجا قابل اجرا است.»

تحسین تیم دادستانی پرونده حمیدنوری

تیم دادستانی پرونده حمید نوری به خاطر استقلال و کار حرفه‌ای‌قابل تحسین است. آنها تحت تاثیر تهدیدهای حکومت اسلامی در ایران قرار نگرفتند. (دستگیری و محاکمه دو تبعه سوئد در ایران به اتهام مواد مخدر و تهدید به اعدام دکتر احمدرضا جلالی، زندانی دوتابعیتی).

تیم دادستانی پرونده حمید نوری

نه تنها تحت تاثیر نمایش‌های مسخره و گفته‌های مشمزن‌کننده حمید نوری قرار نگرفت، بلکه به خوبی توانست ماهیت او را بشناسد. دادستان تاکید کرد که «حمید نوری در صحبت‌های خودش هم حتی برمی‌گردد و با رژیم حرف می‌زند. اسامی افراد را می‌آورد و می‌گوید جواب می‌دهد به دروغ‌گوهایی که علیه مردم ایران ظلم می‌کنند. بر اساس گفته‌های او می‌توان به این نتیجه رسید که خط مشی و روش عمل او همان چیزی است که رژیم ایران اجرا می‌کند و تکمیل‌تر هم شده و توسعه پیدا کرده است.»

دادستانی ماهیت استبدادی، ریاکار و فریبکار حکومت ایران را خوب تشخیص داده و نشان می‌دهد که نقض حقوق بشر و بی‌ارزش بودن جان و کرامت انسان در این حکومت ریشه در «اسلام تندرو» دارد و می‌افزاید: «... جامعه ایران که تبدیل شده به یک رژیم اسلامی تندرو. قبل از انقلاب سال ۱۹۷۹ در ایران، قانون مجازات ایران در سال ۱۹۲۶ تحت تأثیر قوانین حقوقی بلژیک و فرانسه تصویب شده و بعد آن را با شرایط ایران وفق داده‌اند. بعد یک جریان استفاده از خشونت را می‌بینیم برای اینکه فرد را مجبور کنند اعتراف کند... همچنین متخصصان ما می‌گویند که باید شرایط کنترل شدید در ایران حاکم می‌شده تا بتوانند همه را تحت کنترل داشته باشند. این کنترل از طریق سیستم قضایی و همینطور فضاهای آموزشی اعمال شده است. پس در دادگاه انقلاب شیوه دادرسی عوض شد و مبانی قانونی هم تغییر کردند و شریعت، اساس قانون شد... خمینی که آمد، یک قدرت استبدادی داشت... هیئت مرگ به زندانیان با عنوان هیئت عفو معرفی شده بوده و گفته بودند قرار است این هیئت بررسی کند که هر زندانی آزاد شود یا همچنان در زندان بماند. یعنی اولین زندانیانی که نزد هیئت مرگ رفتند نمی‌دانستند که جواب‌هایشان می‌تواند منجر به اعدام‌شان شود.»

دادستانی به درستی حمید نوری را تنها یک مهره در «هاشین کشتار گوهردشت» و یک عامل اجرایی دیده، اما بر نقض سیستماتیک حقوق بشر و اعدام به عنوان یک سیستم انهدام کننده انسان تاکید می‌کند: «در این پرونده تنها نام عده‌ای از قربانیان اعدام‌های سال ۶۷ آمده، به این معنا نیست که از متهم در ارتباط با بقیه قربانیان رفع اتهام شده است. این افراد تنها به عنوان نمونه ارائه شده‌اند و بسیاری دیگر هستند که نامشان در این لیست‌ها نیامده... [حمید نوری] یکی از مقام‌های بالای زندان بوده است. او یکی از سه نفری بوده که به نوعی اولیای زندان بوده‌اند... ناصریان، لشکری و حمید نوری مسئولیت اجرا کردن دستور خمینی را داشتند... حمید نوری سمتی دارای قدرت داشته در آن زمان... در آن محدوده زمانی در گوهردشت چه اتفاقاتی افتاده است؛ گوهردشت به کارخانه کشتار تبدیل شد که سیستم برای این کار به یک سازماندهی مناسب نیاز داشت.»

دادستان پرونده حمید نوری با هوشیاری تحت تاثیر جوسازی‌های سیاسی برخی شاهدین حاضر در دادگاه و یا تلاش‌های سازمان مجاهدین و وکیل آنها برای بی‌اعتبار کردن ایرج مصداقی که در دستگیری حمید نوری نقش تعیین‌کننده داشت قرار نگرفت. دادستانی اجازه نداد که مخالفت یا ضدیت افراد مختلف در طیف شاکیان و شاهدین با همدیگر که آن را به صحنه دادگاه نیز کشاندند، بر روند حقوقی کار تاثیر گذاشته و به درستی به وظیفه حرفه‌ای خود در دادخواهی پایبند و وفادار ماند.

سرانجام آنکه هوشیاری تخصصی دادستان استکهلم در این است که در کیفرخواست خود برای اعلام جرم علیه حمید نوری به یک مبنای حقوقی در قوانین کشور سوئد استناد کرده که در آن رسیدگی به جرائمی که جنایت جنگی محسوب می‌شوند، جدا از آنکه در چه مکان یا در چه تاریخی خارج از سوئد انجام شده باشد، امکان‌پذیر است.

از همین رو جنبش دادخواهی در ایران باید سیاست‌گزار دادستان استکهلم باشد که در چهارچوب امکانات حقوقی این کشور راهی یافت که بتوان حمید نوری را در برابر عدالت و دیوان دادخواهی قرار داد.

*سخنان دادستان از وسایت رادیو زمانه کپی شده است.

گفتگوهای درار تباط با دادگاه تاریخی استکهلم و محاکمه حمید نوری؛ دادخواهی، آرزویی که به تحقق می‌پیوندد

خواهد شد.

کیهان لندن در ارتباط با این دادخواهی تاریخی با برخی شاکیان و شاهدان و ناظران این دادگاه گفتگو کرده است.

حسام وثوقی: از هر گروه و جریانی که باشیم دادخواهان این جنایت هستیم



ام وثوقی: از هر گروه و جریانی که باشیم دادخواهان هستیم

گشت تا در ۱۰ اوت ۲۰۲۱ محاکمه وی با حضور شمار زیادی شاکی و شاهد و کارشناسان مربوطه آغاز و در سوم ماه مه ۲۰۲۲ به پایان رسید. حکم دآوری قضات در هفته‌های آینده صادر

روم افشم از شاهدان دادگاه حمید نوری: مهم حقانیت جنبش دادخواهی است



ام افشم از شاهدان دادگاه حمید نوری: مهم حقانیت جنبش دادخواهی است

حمید نوری، ۶۱ ساله، با نام مستعار «حمید عباسی» ۹ نوامبر ۲۰۱۹ در فرودگاه استکهلم با حکم قضائی دادستانی سوئد بازداشت شد. حکم بازداشت وی تقریباً دو سال تمدید



ان دادگاه حمید نوری: مهم حقانیت جنبش دادخواهی است



مهرداد درویش پور: آرزوی دادخواهی در دادگاه استکهلم به اراده و عمل تبدیل شده است

احمد رأفت درباره دادگاه حمید نوری و جنبش دادخواهی:

کسی که جنایت می‌کند، باید پاسخگو باشد!



جنبش دادخواهی به خارج از مرزهای ایران واهمه دارد و از اهرم هسته‌های تروریستی خود و گروگانگیری برای فشار بر کشورهای اروپایی استفاده می‌کند... این گفتگو را بهنام روغنی همکار کیهان لندن در سوئد انجام داده است.

قرار دادن افکار عمومی در کشورهای دموکراتیک می‌توان دولت‌ها را وادار به موضع‌گیری علیه جنایات رژیم کرد... این روزنامه‌نگار بین‌المللی در ارتباط با واکنش رژیم و دادخواهی ایرانیان می‌گوید: «جمهوری اسلامی از گسترش

احمد رأفت روزنامه‌نگار بین‌المللی در آخرین روزهای دادگاه تاریخی و پراهمیت استکهلم که از ۱۰ اوت ۲۰۲۱ تا ۳ ماه مه ۲۰۲۲ تشکیل شد حضور داشت. وی که سال‌ها به عنوان خبرنگار جنگی در کشورهای مختلف از کشتارهای جمعی و جنایات جنگی گزارش داده و روزنامه‌نگاری آگاه به پیامدهای حقوقی چنین جنایاتی است، در گفتگو با کیهان لندن که خود از تحلیلگران ارشد آن است درباره اهمیت این دادگاه، بازتاب آن در رسانه‌ها و نتایج آن سخن می‌گوید. وی با تأکید بر اینکه «این اولین بار است که یک نفر که در ایران مرتکب جنایت علیه مردم ایران شده، در یک دادگاه مستقل محاکمه می‌شود» می‌افزاید: «با اسناد و مدارک کافی می‌توان دیگر جنایتکاران رژیم را نیز در خارج از ایران به پای میز محاکمه آورد.» احمد رأفت تأکید می‌کند: «با تحت تأثیر

دادگاه حمید نوری با جشن دادخواهی به پایان رسید



سابق، شاهدان و شاکیان در پایان این دادگاه تاریخی «جشن دادخواهی» در میدانی در نزدیکی محل دادگاه در همکاری با موسسه فرهنگی «ترانه» و با حضور گروهی از هنرمندان برگزار کردند. احمد رأفت از استکهلم گزارش می‌دهد.

مقیسه و سیدابراهیم رئیسی معروف به «قاضی مرگ»، رئیس پیشین قوه قضائیه و رئیس کنونی قوه مجریه، در آن تابستان خونین که صدها نفر اعدام شدند، تقاضای اشد مجارات و حبس ابد کرده است.

خانواده‌های دادخواه، زندانیان سیاسی

دادگاه حمید نوری دادیار زندان گوهردشت در تابستان ۶۷ پس از ۹۳ جلسه با دفاعیات وکلای مدافع متهم به پایان رسید. هیات قضات قرار است در هفته‌های آینده رای خود را صادر کنند. دادستان این پرونده برای حمید نوری، دستیار قاضی محمد

آشفتگی در بازار اتومبیل نیز ادامه دارد؛ نه دولت اقدامی کرد و نه فاطمی امین استیضاح شد!

خواهد بود. در نتیجه تقاضا بالا می‌رود و افزایش قیمت اتفاق می‌افتد.»
این در حالیست که افزایش قیمت‌ها موجب انتقاد تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز شده است. مهدی عسگری نماینده کرج معتقد است که «لاتاری برای خرید خودروی بی کیفیت حق مردم نیست.»

این عضو کمیسیون صنایع و معادن در صفحه توئیترش نوشته که «خودروی ولوو XC۹۰مدل ۲۰۲۲ در سایت شرکت با دلار امروز یک میلیارد و ۴۵۷میلیون تومان و کارکرده ۲۰۱۷ آن در ایران بالای ۵ میلیارد تومان است. بعد از چند دهه حمایت از خودروسازی شبه‌دولتی حق مردم این نیست با لاتاری شانس خود را برای خرید خودروی بی کیفیت امتحان کنند.»

محمداقبر قالیباف نیز گفته است: «اینکه امروز قیمت تمام شده خودرویی مانند پراید، ۲۰۰ میلیون تومان است در محاسبه‌ای با ارز معادل حدود ۲۵ هزار تومان، خودروهایی با ۵ هزار تا ۵ هزار و ۵۰۰ دلار با کیفیتی بسیار عالی وجود دارد که می‌تواند به کشور وارد شود، این خواسته مجلس بوده و مجمع نیز با آن همراهی کرد؛ این موضوع در ارتقای کیفیت تولید، قیمت تمام شده و تیراژ تولید موثر خواهد بود، بنابراین از پافشاری مجلس و همراهی مجمع تشخیص مصلحت نظام تشکر می‌کنم.»

رئیس مجلس شورای اسلامی این سخنان را در پاسخ به تذکر بابایی کارنامی نماینده ساری اعلام کرد که در نطق میان دستورش با انتقاد از وزارت صمت «در خصوص افسارگسیختگی بازار خودرو» گفته بود «وضعیت بازار خودرو قابل تحمل نیست و بر کالاهای اساسی نیز اثرات سوء گذاشته و سفره مردم را تحت‌الشعاع قرار داده است.»

اینهمه در حالیست که بخشی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی معتقدند وزارت صمت دولت رئیسی باید طی ماه‌های گذشته سیاست‌هایی برای کاهش قیمت یا دست‌کم ثبات قیمت در بازار اتومبیل انجام می‌داد. این موضوع سبب شد که طرح استیضاح رضا فاطمی‌امین وزیر صمت دولت رئیسی پیش از تعطیلات نوروز به هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی ارائه شود. یکی از مهمترین محورهای طرح استیضاح رضا فاطمی‌امین افزایش بی‌رویه قیمت اتومبیل بوده است. با اینهمه هیئت رئیسه مجلس هنوز طرح استیضاح را اعلام وصول نکرده است. لطفاله‌سیاهکلی عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی که طراح استیضاح رضا فاطمی‌امین بوده به وسایط تجارت نیز گفته که معتقدم علت گرانی خودرو در کشور تورم نیست هرچند بخشی از آن را در بر می‌گیرد.»

لطفاله سیاهکلی ناکارآمدی و فساد سیستم و دست به دست چرخیدن قطعات را از مسائل اصلی گرانی اتومبیل عنوان کرد و گفت: «تصویب طرح ساماندهی خودرو و واردات آن دست دولت را برای تنظیم بازار باز می‌کند و فضای بسته کنونی در حوزه خودروسازی را از بین خواهد برد.»

او همچنان از طرح استیضاح فاطمی امین دفاع کرده و گفته که «وزارتخانه صمت بسیار گسترده است و بیش از ۴۰ درصد اقتصاد کشور در این وزارتخانه مدیریت می‌شود و معتقدم این مدیریت بسیار ضعیف است. از هیئت رئیسه مجلس گلایه دارم که چرا نمی‌گذارد استیضاح‌ها به نتیجه برسد و وزیر در خصوص مدیریتش به مجلس پاسخگو باشد که چرا وضع اینگونه است؟»

کشمکش میان دولت و مجلس شورای اسلامی در حالیست که مافیای انحصاری اتومبیل‌سازی به‌نجومی کردن قیمت اتومبیل ادامه می‌دهد و این مردم هستند که باید اتومبیل‌های بی کیفیت با تکنولوژی‌های قدیمی را با قیمت بالا خریداری و استفاده کنند و حتا در این تولیداتی که به «اره‌های مرگ» معروف شده‌اند جان خود را از دست بدهند.

●مدیرکل آینده‌پژوهی، مدل‌سازی و مدیریت اطلاعات اقتصادی وزارت اقتصاد: «مزیت ارائه نان با کد ملی این است که افرادی که «بیش از الگو» مصرف می‌کنند باید «الگوی مصرف» خود را اصلاح یا به قیمت آزاد خریداری کنند!»

●افزایش قیمت دولتی هر کیلو آرد صنعتی از دو هزار و ۲۷۰۰ تومان به ۱۲ هزار تومان مهم‌ترین علت افزایش قیمت نان و ماکارونی است.

●آرش نبی‌زاده: بیش‌بینی می‌شود با حذف ارز ترجیحی، نرخ واقعی مرغ و به کیلویی ۷۰ تا ۸۰ هزار تومان برسد، البته نرخ ماهی نیز متاثر از نرخ مرغ به کیلویی ۱۰۰ هزار تومان می‌رسد.

قیمت نان در ایران با افزایش شدیدی روبروست و حالا جمهوری اسلامی وعده پرداخت یارانه نان به هر کد ملی را به مردم داده است. در دیگر گروه‌های مواد خوراکی نیز افزایش قیمت‌ها بیش از گذشته شده و فعالان صنفی از «انفجار قیمت‌ها» در ماه‌های آینده خبر می‌دهند.

مدیرکل آینده‌پژوهی، مدل‌سازی و مدیریت اطلاعات اقتصادی وزارت اقتصاد از ارائه نان به شهروندان با «کد ملی» خبر داده و هدف از این اقدام را «اصلاح الگوی مصرف» مردم اعلام کرده است.

ابراهیم صیامی روز چهارشنبه ۱۴ اردیبهشت گفت «با استفاده از زیرساخت بانکی، مردم به هنگام خرید نان، به همان قیمت قبلی پول پرداخت می‌کنند و مابه‌التفاوت آن را دولت پرداخت می‌کند.»

به گفته این مقام دولتی، مزیت ارائه نان با کد ملی این است که افرادی که «بیش از الگو» مصرف می‌کنند باید

پرستویی در کالیفرنیااز صفحه ۵

گفتنی است که حامیان جمهوری اسلامی در رسانه‌هایشان از پرستویی و خیراندیش تقدیر کرده‌اند و در عمل اثبات کردند که پرسشگران حق دارند از این افراد بپرسند که در کجا ایستاده‌اند! کنار جمهوری اسلامی یا با مردمی که توسط این رژیم کشته می‌شوند و خانواده‌های دادخواهی که عزیزانشان را از دست داده‌اند! این رسانه‌ها نوشته‌اند که این دو هنرپیشه از اعتقادات خود در بین «ضدانقلاب‌ها» دفاع کرده‌اند و سیلی محکمی به صورت آنان زده‌اند!

در این بین، گابریل نورونها مشاور ارشد پیشین وزارت خارجه آمریکا صمت بسیار گسترده است و بیش از ۴۰ درصد اقتصاد کشور در این وزارتخانه مدیریت می‌شود و معتقدم این مدیریت بسیار ضعیف است. از هیئت رئیسه مجلس گلایه دارم که چرا نمی‌گذارد استیضاح‌ها به نتیجه برسد و وزیر در خصوص مدیریتش به مجلس پاسخگو باشد که چرا وضع اینگونه است؟»

کشمکش میان دولت و مجلس شورای اسلامی در حالیست که مافیای انحصاری اتومبیل‌سازی به‌نجومی کردن قیمت اتومبیل ادامه می‌دهد و این مردم هستند که باید اتومبیل‌های بی کیفیت با تکنولوژی‌های قدیمی را با قیمت بالا خریداری و استفاده کنند و حتا در این تولیداتی که به «اره‌های مرگ» معروف شده‌اند جان خود را از دست بدهند.

●الگوی مصرف» خود را اصلاح یا به قیمت آزاد خریداری کنند!
صیامی درباره اینکه «الگوی مصرف نان» را چه نهادی تعیین می‌کند و این الگو چه مبنایی دارد، توضیحی نداده است.حذف ارز ترجیحی یا همان ۴۲۰۰ تومانی گندم، تازه‌ترین تصمیم دولت است که منجر به گران شدن ماکارونی و انواع نان فانتزی یا صنعتی در ایران شده است.

در روزهای گذشته قیمت جدید نان باگت معمولی ۱۰ هزار تومان، نان باگت فرانسوی ۱۵ هزار تومان، نان شیرمال ۱۸ هزار تومان، نان فتیر ۱۵ هزار تومان و نان تست بزرگ ۲۹ هزار تومان شده است. همچنین قیمت ماکارونی و انواع بیسکویت نیز در هفته جاری افزایش قابل توجهی یافته است.

افزایش قیمت دولتی هر کیلو آرد صنعتی از دو هزار و ۲۷۰۰ تومان به ۱۲ هزار تومان مهم‌ترین علت این افزایش است. این در حالیست که تولیدکنندگان معتقدند دیگر هزینه‌ها از جمله هزینه دستمزد و انرژی نیز در افزایش قیمت‌ها موثر بوده است.

پیش از این گزارش‌هایی درباره افزایش قیمت نان سنتی در تبریز، بندرعباس و اهواز نیز منتشر شده است. مقامات جمهوری اسلامی می‌گویند به هر کد ملی در ایران «یارانه نان» تعلق خواهد گرفت.محمدرضا درگاهی مدیر کل بازرسی جهاد کشاورزی در گفتگو با صدا و سیما گفته که هیچگونه افزایش قیمت در نان‌های سنتی مانند لواش، سنگک و بربری وجود نداشته است. او افزوده که هموطنان می‌توانند از طریق سامانه ۱۲۴ و ۱۲۵ تعزیرات، گزارش‌ها را به ما اعلام کنند.

در مقابل حسین یزدجردی رئیس کانون صنایع آرد و نان ایران معتقد

تاریخچه «پیکان» ...

ده سال بعد از آن انتقال مالکیت، وزیر صنایع سنگین وقت فاش کرد که در گاو صندوق بنیانگذار پیکان، طرح‌هایی برای تولید صد در صد اجزای پیکان در سال ۶۳ پیدا شده است. ازروئی که یازده مدیر عامل دولتی ایران خودرو هر در دل پروراندند اما به آن دست نیافتند. از طرفی نیاز کشور به خودرو، و بی‌رغبتی دولتمردان انقلابی به واردات، دولت را به تدریج صاحب کارخانه‌های متعدد خودروسازی کرد که امروزه از آنان ناراضی است و مایل است که به بخش خصوصی واگذارشان کند، به گفته مقامات دولتی در بخش خصوصی کسی که توان پرداخت ۲۴۰ میلیارد تومان برای کارخانه‌ای مانند ایران خودرو داشته باشد موجود نیست. نسل اول از ایرانی‌ها که پیکان را به اقساط به بهای شش هزار تومان خریدند و همچنین نسلی که در صف‌های طولانی گرد آمدند و با پرداخت چند میلیون آن را پیش خرید کردند، هنوز هم زندگی خود را با پیکان می‌چرخاند و بنا به آمار ۳۰۰ هزار خانوار ایرانی از این خودروی «بربرکت» نان می‌خورند.

داشتن برکت از آن رو به پیکان می‌برازد که کهنه سی ساله‌اش را هم به چند میلیون تومان می‌خرند و می‌فروشند تا هم نشانی از کم ارزش شدن پول رایج باشد و هم معنایی برای جمله معروف «پیکان ارثی است از گذشته برای ما» که بر زبان رانندگان تهرانی جاری است.

به گفته یک اقتصاددان، پیکان مظهر دورانی است که به سال‌های طلایی اقتصاد ایران لقب گرفته و سرنوشتش سرنوشت آرمان‌های انقلابی دهه چهل که به اقتصاد متمرکز می‌اندیشید و چون به آن دست یافت ناکارآمدیش، با دولتی شدن پیکان آشکار شد.

از میان هیجده مدیر دولتی که در ربع قرن بر سر کارخانه ساخت پیکان نشستند، یکی که طبع شعری برای وقتی در میان باندبازی‌ها و بوروکراسی حاکم به دام افتاده بود، در اوایل دهه

یارانه نان با کد ملی! مردم «بیش از الگو» نان مصرف نکنند! مرغ و ماهی هم از سفره‌های مردم حذف می‌شود!

است که «وقتی گندم ۲۷۰۰ تومان به صف و صنعت می‌دادیم و امسال گندم را برای آنها ۱۲ هزار تومان تعیین کردیم، طبیعی است که قیمت محصولات این صنف هم به تبع آن افزایش یابد.»

جواد ساداتی‌نژاد وزیر جهاد کشاورزی نیز پس از چند روز سکوت درباره چند برابر شدن قیمت مواد غذایی از توزیع یارانه در ازای حذف ارز ترجیحی خبرداد.

ارائه یارانه آرد با کد ملی جدیدترین وعده جمهوری اسلامی به مردم به ویژه اقشار کم‌درآمدی است که حالا دیگر برای خریدنان نیز بامشکل روبرو هستند.

ابراهیم صیامی مدیرکل آینده‌پژوهی، مدل‌سازی و مدیریت اطلاعات اقتصادی وزارت اقتصاد در اینباره توضیح داده که «بطور متوسط هر ایرانی ۳۰۰ گرم مصرف نان دارد که مصرف سالانه کشور به ۵/۹ میلیون تن گندم می‌رسد.»

ابراهیم صیامی افزوده «عمده یارانه‌ای که با ارز ۴۲۰۰ تومانی در ابتدای زنجیره می‌دهیم از بین می‌رود و به مصرف‌کنندگان نمی‌رسد. بنابراین یارانه را بجای ابتدای زنجیره به انتهای زنجیره می‌دهیم. بر اساس استاندارد مصرفی خانوارها و تغییر قیمت نان، یارانه مستقیم نان به همه مردم پرداخت می‌شود. با استفاده از زیرساخت بانکی، مردم به هنگام خرید نان، به همان قیمت قبلی پول پرداخت می‌کنند و مابه‌التفاوت آن را دولت پرداخت می‌کند.»

مدیرکل آینده‌پژوهی، مدل‌سازی و مدیریت اطلاعات اقتصادی وزارت اقتصاد گفته که «مزیت این کار این است که افرادی که بیش از الگو مصرف کنند باید الگوی مصرف را اصلاح یا به قیمت آزاد خریداری کنند. افرادی هم

از صفحه ۱۴

هفتاد رنج نامه‌ای نوشت با عنوان «آی آدم‌ها» که در آن پیکان را جان ایران و صنایعش خوانده بود.

باری اگر فاکتور و سالینجر، نویسندگان نامدار آمریکایی در قصه‌های خود نام فورد و کریسلر را جلودانه کردند، ادبیات معاصر فرانسه بر دوش رنو و دو شوا سیتروئن (که نمونه‌ای از آن را در ایران به نام ژیان مشهور است) در سال‌های میانی قرن بیستم به راه افتاد، سینمای واقع‌گرای ایتالیا بدون فیات و وسپا معنایی نداشت و همه جهان، آلمان را بیش از هر چیز به فولکس‌واگن و بنز می‌شناسد، در ایران نیز سی و هفت سال زندگی در بطن جامعه، پیکان را در فرهنگ عمومی، ادبیات و هنر جایی همیشگی بخشید.

اما از قرار معلوم، دفن اولین و تنها اتومبیلی که ایرانیان آن را مال خود دانستند چندان برای جمهوری اسلامی با اهمیت بوده است که وزیر صنایع و معادن وقت، پس از امضای قرارداد پایان تولید پیکان گفت پیشنهاد کرده‌ام حتی نام باشگاه ورزشی پیکان را تغییر دهند تا دیگر نامی از این خودرو باقی نماند! اخیراً نیز به همت دکتر احمد قریشی استاد علوم سیاسی و رئیس سابق دانشگاه ملی ایران که خود نیز از فرهنگیان برجسته کشور است، کتابی با عنوان (جوانمرد صاحبدل) به چاپ رسیده که محمود خیامی را چنین معرفی می‌کند: خیامی با تأسیس کارخانجات بزرگ ایران ناسیونال و ایجاد تیم معروف فوتبال پیکان و تعداد زیادی مدرسه و مؤسسات فرهنگی به خدمت پر ارزش خود در داخل و خارج ادامه داده است.

دکتر قریشی در پیشگفتار کتاب تحت عنوان (مردی از رهسپاران وادی فقر) می‌نویسد او عاشق فرهنگ و ادب فارسی است و دلبستگی‌هایش را به متون بزرگ عرفانی فارسی باز گو کرده و از حافظه شگفت‌انگیزش یاد می‌کند. به هر صورت باید گفت محمود خیامی از انسان‌های سازنده زمان ما است که

صفحه ۱۷- Page 17 _ شماره ۱۸۲۶
جمعه ۶ تا پنجشنبه ۱۲ مه ۲۰۲۲

که مصرف آنها کمتر از الگوی استاندارد است پولی هم برای آنها می‌ماند. بنابراین نان برای مردم گران نمی‌شود. برای هر کد ملی یارانه نان ثبت می‌شود و با هر کارت بانکی امکان خرید نان وجود دارد.»

قیمت نان و دیگر محصولات تهیه شده از آرد مانند ماکارونی، کیک و شیرینی در حالی با افزایش روبروست که در دیگر گروه‌های مواد خوراکی نیز افزایش قیمت‌ها شدت یافته است. طی هفته‌های گذشته افزایش قیمت گوشت قرمز و تخم‌مرغ خیرساز شده بود و حالا مدیر عامل اتحادیه ماهیان سردابی از «انفجار قیمت‌ها» در ماه‌های آینده خبر داده است.

آرش نبی‌زاده مدیرعامل اتحادیه ماهیان سردابی گفته که «کمبود نهاده ماهی و سیاست‌های غلط دولت این احتمال را تقویت کرده است که در مهر و آبان امسال شاهد کاهش تولید و در نتیجه انفجار قیمت ماهی باشیم.»

آرش نبی‌زاده افزوده که «پیش‌بینی می‌شود با حذف ارز ترجیحی، نرخ واقعی مرغ و به کیلویی ۷۰ تا ۸۰ هزار تومان برسد، البته نرخ ماهی نیز متاثر از نرخ مرغ به کیلویی ۱۰۰ هزار تومان می‌رسد در این شرایط احتمال اینکه پروتئین مرغ و ماهی از سبد خانوارها حذف شود تقویت می‌شود.»

در این میان واقعیت اینست که جمهوری اسلامی بودجه کافی برای عمل به وعده‌های خود ندارد و برای جبران کسری بودجه سیاست‌های انقباضی در اقتصاد را در پیش گرفته که حذف ارز ترجیحی برای واردات کالاهای اساسی و دارو یکی از این اقدامات بوده است. اثر حذف ارز ترجیحی مستقیماً بر سفره‌ها و سلامت مردم اثر دارد و هرچه یک خانواده در آمد کمتری داشته باشد، اثرات منفی حذف ارز ترجیحی را بیشتر باید تحمل کند. به بیان دیگر جمهوری اسلامی که طی چهار دهه گذشته زیرساخت‌های اقتصادی را از بین برده و رانت و فساد را گسترده کرده و ایران را در انزوا قرار داده، با دست کردن بر سفره و جیب مردم به دنبال جبران کسری بودجه است.

زندگی خود را با تهی دستی و کار در یکی از کارگاه‌های مشهد شروع کرده و بعد به تهران آمده و به کار کوچک پرداخت و با پشتکاری بی‌نظیری توانسته کارخانجات عظیم پیکان را به وجود آورد.

خیامی در خارج از کشور با کار در رشته اتومبیل در انگلستان یک سازمان بزرگ برای توزیع اتومبیل بنز تأسیس نمود و همچنین در لس‌آنجلس به رشته کار خود ادامه داد و ثروتی را که به دست آورده به کار فرهنگی و امور خیریه اختصاص داده است.

حادثهٔ بزرگی که زندگی این مرد سازنده را دردآور ساخت، مرگ ناگهانی پسر شایسته‌اش بود که مصیبت بزرگی برای او و خانواده و دوستانش بود ولی خیامی توانست به هر صورت بار سنگین این مصیبت را با ادامه کارهای فرهنگی به دوش بکشد.

هر بار که خیامی را در لندن دیدم روحیه‌ای قوی داشت و به کارهایش خصوصاً امور فرهنگی ابراز علاقه می‌کرد و باید یادآور شد که انسان برجسته‌ای است و باید از دکتر احمد قریشی تشکر کرد که با انتشار کتاب (جوانمرد صاحبدل) از خدمات او یاد کرده است.

پاپ، ژان پل دوم، محمود خیامی بنیانگذار کارخانجات صنعتی ایران ناسیونال را به اعتبار اقدامات نیکوکارانه وی به دریافت بالاترین نشان و لقب نیکوکاری واتیکان مفتخر کرده است.

مارگارت تاچر نخست‌وزیر پیشین انگلستان و چند تن دیگر، از طرف پاپ علاوه بر محمود خیامی برای دریافت این مدال برگزیده شدند. این نشان ارزشمند با حکم مخصوص به برندگان آن اهدا می‌شود.

تشریفات اعطای نشان در کلیسای وست مینیستر لندن انجام گرفت و کاردینال پمپیدا مقام عالی‌رتبه دربار واتیکان از طرف پاپ، نشان‌ها را توزیع کرد. محمود خیامی نخستین ایرانی و اولین فرد مسلمانی است که این جایزه به او تعلق گرفته است. با کمک‌های نیکوکارانه محمود خیامی ۱۴ مدرسه در خراسان تأسیس شده است.

دارالترجمه بین المللی نریس

زیر نظر و بامسئولیت دکتر ناصر رحیمی (استاد دانشگاه)
ترجمه رسمی شناسنامه، قبالة ازدواج و طلاق، مدارک حقوقی، تجاری، طبی، تحصیلی و مدارک مربوط به تقاضای پناهندگی
تلفن: 8831020-8222/8884020-8222/6500020-8735
فکس: 020-7760 7160
www.assot.co.uk / Email: assot@aol.com

Suite 611, Britannia House, 11 Glenthorne Road Hammersmith, London W6 0LH

دوشنبه تا جمعه ۱۰ صبح تا ۵ بعداز ظهر

روسی ها دیگر نمی توانند در باره جنگ اوکراین با یکدیگر گفتگو کنند



اهالی روستایی در نزدیکی خارکف پس از پس گرفته شدن از اشغال ارتش روسیه؛ ۲ ماه مه ۲۰۲۲

آنها را مسخره کنید، آنها را در مقابل دوستانتان سرزنش کنید. اما شما به خیابان نمی روید که اعتراض کنید چرا که با اعتراضتان دیگران شما را یک ابله ساده لوح خواهند پنداشت چرا که حرف Z که نماد حمایت از نیروهای نظامی روس است در این شهر دیده می شود.

همزمان، مقامات با بی رحمی افرادی را که علیه جنگ دست به مبارزه می زنند، سرکوب می کنند. به عنوان مثال، الکساندرا اسکوتچیلنکو هنرمندی که روی برجسب قیمت ها در یک فروشگاه مواد غذایی، اطلاعاتی در مورد جنایات جنگی روسیه در اوکراین می نوشت، به ده سال زندان تهدید شد. البته پاسخ به این پرسش که چرا اکثر مردم روسیه در مورد جنگ سکوت می کنند بسیار آسان است. الکسی روشچین جامعه شناس می گوید: به این دلیل که ممکن است جریمه شوید یا شغل خود را از دست بدهید و حتی احتمال دارد به ۱۵ سال زندان (طبق قانونی که شما را از انتشار «خبر جعلی» درباره ارتش روسیه منع می کند) محکوم شوید!

روشچین تأکید می کند که همزمان از نظر روانشناسی اجتماعی، یک «روند انکار» در جریان است. وی ادامه می دهد «برای بسیاری از روس ها، وقتی می دانند که جنگ از دیدگاه انسانی هرگز قابل توجیه نیست، و همزمان می دانند برخورد و درگیری با مقامات، سر سرخ می دهد بر باد، پس باید همواره مراقب باشید که از درگیری با دولت اجتناب کنید! نتیجه برای بسیاری این می شود که آنها در اصطلاح روسی «کرویت دوشوی» یعنی «خلاف وجدان خود» رفتار می کنند.

«کرویت دوشوی» به معنای شکست روح و وجدان است به این ترتیب که آنها حقیقت را نه تنها در مقابل دیگران، بلکه در برابر آینه و خود نیز انکار می کنند. برای نشان دادن وفاداری به صاحبان قدرت و در عین حال راضی نگه داشتن خود که این کار یک رفتار «عادی» است و هر انسان «عادی» چنین می کند و من مثل بقیه و بقیه مثل من هستند! البته یک تناقض در این واقعیت وجود دارد که روس ها بطور غریزی نسبت به صاحبان قدرت بدبین هستند. مردم به آنها اعتماد ندارند. شما می توانید

که جنگ باعث ترس آنها می شود. در میان جوانان ۱۸ تا ۲۴ ساله، افراد بیشتری (۳۷ درصد) عمدتاً احساس ترس می کنند تا غرور (۳۳). اکثر مخالفان جنگ در شهرهای بزرگ زندگی می کنند. گروهی که به شدت شرمند و در عذابند. بسیاری از آنان قصد خروج از روسیه را دارند. آنتون، شهروند روس، می گوید «من دیگر نمی توانم با هواداران جنگ صحبت کنم. نمی توانم آنچه را آنها می گویند تحمل کنم و ببینم چگونه آنها همان عبارات تبلیغاتی تلویزیون را تکرار می کنند!»

گزارشگر «خبرهای روز» ادامه می دهد، من و آنتون در یکی از مکان های مورد علاقه اش در سن پترزبورگ، یک رستوران در زیرزمین، همدیگر را ملاقات می کنیم. او یک رقصنده حرفه ای است. کار در حال حاضر نیمه کاره پیش می رود. آنتون بطور علنی علیه جنگ موضع گرفته و همین باعث شده برخی گروه های هنری به او نقشی ندهند.

در عین حال، آنتون شک ندارد که برعکس نظرسنجی ها، ۸۰ درصد از جمعیت روسیه از این جنگ حمایت نمی کنند. حداقل در شهرهای بزرگ اینگونه است.

وی توضیح می دهد «من به نظرسنجی ها اعتقادی ندارم. افراد زیادی را می شناسم که مخالف جنگ هستند. اما من همچنین بسیاری را می شناسم که در کمال تعجب تحت تأثیر آنچه در تلویزیون تبلیغ می شود قرار گرفته اند. شما بلافاصله در میان دوستان خود متوجه می شوید که چه کسانی تلویزیون تماشا می کنند و تحت تأثیر تبلیغات آن قرار گرفته اند و همان حرف ها را تکرار می کنند؛ مثلاً «هشت سال در حالی که روس ها در دونتسک کشته می شدند جنابعالی کجا بودی؟!» آنها گمان می کنند که خودشان متوجه این خبر شده اند، اما در واقع فقط آنچه را از دستگاه تبلیغاتی شنیده اند تکرار می کنند.

«نه به جنگ» عبارتی است که یک نفر روی یک آگهی در سن پترزبورگ نوشته است. دشوار است بدانیم چقدر از روس ها واقعا مخالف جنگ هستند، زیرا اکثر آنها می ترسند نظر واقعی خود را در نظرسنجی ها بیان کنند. تناقضات افکار عمومی روسیه بسیار

جامعه دوباره شده است. دوستان با هم گفتگو نمی کنند و اقوام از یکدیگر دور می شوند. یک بانوی روس می گوید: من دیگر نمی توانم با مادرشوهرم صحبت کنم.

گزارشگر «خبرهای روز سوئد» می نویسد، این بانو، تیموفی، یکی از آشنایان قدیمی من در سن پترزبورگ است و ۲۰ سال است که مادرشوهرش را می شناسد و همیشه با آنها رابطه خوبی داشته است. اکنون جنگ همه چیز را تغییر داده است. تیموفی توضیح می دهد: او یک استاد ارشد بازنشسته در ریاضیات و یک زن تحصیلکرده است. هرگز نمی توانستم تصور کنم که از این جنگ حمایت کند و شما حتی نمی توانید در این مورد با او صحبت کنید. او همانگونه که گویندگان تلویزیون دولتی روسیه داد و فریاد می کند، شروع به پرخاش می کند.

وی ادامه می دهد، «قبل از دیدار امروزان مطمئن نبودم که او در مورد جنگ چه دیدی دارد. من او را سال هاست که می شناسم و می دانم که همیشه منتقد رژیم پوتین بوده. اما این به معنای آن نیست که جنگ را هم محکوم می کند! و یا باور داشته باشد که این جنگ تقصیر روسیه است.»

در مترو سن پترزبورگ پوسترهایی با حرف زد (Z) دیده می شود که به نماد حمایت نیروهای نظامی روسیه در جنگ علیه اوکراین تبدیل شده. این پوسترهایی تبلیغاتی و حکومتی در سن پترزبورگ زیاد دیده نمی شوند. اکنون در روسیه در مورد مفهوم میهن پرستی نظرات متفاوتی وجود دارد. کسانی که از جنگ در اوکراین حمایت می کنند می گویند که این کار را به دلایل میهنی انجام می دهند، در حالی که مخالفان جنگ معتقدند که میهن پرستی آنست که بگوئیم این جنگ یک فاجعه است.

پس از دو ماه جنگ تجاوزکارانه روسیه علیه اوکراین، جمعیت روسیه دوقطبی شده است. در ظاهر، اکثریت به نظر می رسد موافق جنگ هستند. در پایان ماه مارس، ۸۱ درصد در نظرسنجی موسسه «لوادا» گفتند که از اقدامات ارتش روسیه در اوکراین حمایت می کنند. بیش از نیمی از آنها حتی می گویند «احساس غرور می کنند».

در عین حال، ۳۱ درصد می گویند

اکنون در روسیه در مورد مفهوم میهن پرستی نظرات متفاوتی وجود دارد. کسانی که از جنگ در اوکراین حمایت می کنند می گویند که این کار را به دلایل میهنی انجام می دهند، در حالی که مخالفان جنگ معتقدند که میهن پرستی آنست که بگوئیم این جنگ یک فاجعه است.

یک جامعه شناس: از نظر روانشناسی اجتماعی، یک «روند انکار» در جریان است. برای بسیاری از روس ها، وقتی می دانند که جنگ از دیدگاه انسانی هرگز قابل توجیه نیست، و همزمان می دانند برخورد و درگیری با مقامات، سر سرخ می دهد بر باد، پس باید همواره مراقب باشید که از درگیری با دولت اجتناب کنید! نتیجه برای بسیاری این می شود که آنها در اصطلاح روسی «کرویت دوشوی» یعنی «خلاف وجدان خود» رفتار می کنند.

«کرویت دوشوی» به معنای شکست روح و وجدان است به این ترتیب که آنها حقیقت را نه تنها در مقابل دیگران، بلکه در برابر آینه و خود نیز انکار می کنند. برای نشان دادن وفاداری به صاحبان قدرت و در عین حال راضی نگه داشتن خود که این کار یک رفتار «عادی» است و هر انسان «عادی» چنین می کند و هر انسان «عادی» مثل من هستند! البته یک تناقض در این واقعیت وجود دارد که روس ها بطور غریزی نسبت به صاحبان قدرت بدبین هستند. مردم به آنها اعتماد ندارند. شما می توانید

بر اساس نظرسنجی ها، بیش از ۸۰ درصد مردم روسیه از حمله به اوکراین حمایت می کنند. در عمل،

آگهی در کیهان آگاهی می آورد

نشانی سایت:

www.kayhan.london

روابط عمومی:

info@kayhan.london

آگهی و تبلیغات:

ads@kayhan.london

سردبیری:

editorial@kayhan.london

کشته می شوند!

با این حال، همه روس ها این از خود بیگانگی و جدانی را قبول ندارند. به همین دلیل است که جامعه اکنون به شدت دو قطبی شده است

برای کسانی که با اوکراینی ها احساس همدلی می کنند، گفتگو با کسانی که از جنگ حمایت می کنند تقریباً غیرممکن می شود. از آنجا که بحث شخصی است و از آنجا که اوکراین به روسیه نزدیک است، هر کس دست کم یک نفر را در اوکراین می شناسد. کسانی که از جنگ حمایت می کنند متوجه این واقعیت نیستند که اگر فکر می کنند اشکالی ندارد که ساکنان خارکف کشته شوند، به این معنی است که می پذیرند ساکنان شهر روسی بلگورود هم کشته شوند یا خود آنها نیز کشته شوند! «میهن پرستی» مدافعان جنگ روسیه علیه اوکراین بیشتر انتزاعی است! همزمان بسیاری از آنها هنوز نمی فهمند که تحریم ها که باقی خواهند ماند، چه اثری بر زندگی آنها خواهد داشت.

به گفته الکسی روشچین، بسیاری در روسیه به سادگی این ایده را که جنگ یک امر بر سر مرگ و زندگی است در فهم خود بلوکه و مسدود کرده اند.

آنها حرف هایی را بدون تأمل در مورد معنای واقعی آنها تکرار می کنند. اگر یکی بگوید در این جنگ «کودکان می میرند»، آنها پاسخ می دهند: «کودکان همیشه در جنگ می میرند!»

در میان اندک ایرانیان هوادار پوتین نیز این جمله به این شکل تکرار می شود: «در جنگ خیرات نمی کنند!» حال آنکه چنین واکنشی به معنای سقوط تمام عیار همدلی و انسانیت است. درک اجتماعی ناپخته که در آن دولت همیشه بهتر از مردم می داند و حتماً پوتین برنامه ای دارد!

حزب «روسیه متحد» پوتین نیز با شعار «طرح پوتین تحقق یافت» پای صندوق های رای رفت. آنها در انتخاباتی پیروز شدند که مطلقاً آزادانه نبود و اینگونه کنترل کل «دوما» (پارلمان روسیه) را به دست گرفتند. اما هرگز طرح پوتین این پدیده را در کتاب بودا هیچکس نمی دانست این طرح چیست! وقتی در نظرسنجی ها از رای دهندگان پرسیدند اگر نمی دانند طرح پوتین چیست پس چرا به آن رای دادند، پاسخ دادند: «نیازی به دانستن آن نداریم، نکته اصلی این است که این طرح وجود دارد!»

آنتون که مخالف جنگ است، می گوید انکار در این جنگ، مردم توانایی تفکر را از دست داده اند! به نظر می رسد خیلی ها درک نمی کنند که تحریم ها باقی خواهند ماند. در حال حاضر نشانه های دیده نمی شود که به زودی اوضاع در روسیه بهتر خواهد شد. این مدافعان جنگ هنوز را حتی میهن پرست می خوانند، اما میهن پرستی برای من این است که هوشیارانه بفهمم: میهنم روسیه به یک فاجعه کشیده شده و بدتر هم خواهد شد.

خود آنتون قصد دارد کشور را ترک کند. چند هفته ای است که دو چمدان آماده در خانه دارد تا بتواند در کوتاه ترین زمان از کشور خارج شود. وی می گوید: «در عذاب هستم، اما می خواهم در روسیه زندگی کنم، اما اکنون دیگر امکان پذیر نیست. خیلی خطرناک است و باید به خودم فکر کنم. سعی کردم روسیه را با شرکت در تظاهرات تغییر دهم. من در انتخابات شرکت کرده و سیاسی هستم، اما دیگر خیلی دشوار است. نمی توانم آزادی خود را فدای کسانی کنم که فقط به فکر خودشان هستند و چیزهای وحشتناکی می گویند. روزی که روسیه تغییر کند، من برمی گردم، اما چندین دهه طول می کشد. این افراد فاقد تفکر زمان را از ما می دزدند!»

*منبع: وبسایت خبرهای روز سوئد

*ترجمه و تنظیم: فرامرز نورزی